

ژوندون

مجله هنر و ادب ۱۳۵۳
شماره ۲۴۳۳



ادب و ادبیات
کتاب پر لایه شماره

رئیس دولت و صدراعظم وزیر خارجه امریکا را پذیرفتند. کیسنجر گفت: به استقلال دوستی مستحکم افغانستان احترام داریم



نباغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه دکتر هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا را پذیرفتند.

تیلگرامهای تبریکه مخابره
شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر
داد که از طرف نباغلی محمد داؤد رئیس دولت
و صدراعظم به مناسبت روز ملی ترکیه تیلگرام
تبریکه عنوانی نباغلی فخری کورد ترک رئیس
جمهور آن کشور به انقره مخابره شده است.

نباغلی رئیس دولت طی این تیلگرام
تمنیات تیک خویش را برای سعادت و موفقیت
های مزید مردم دوست و برادر مادریه ابراز
کرده اند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه
اطلاع داد که از طرف نباغلی محمد داؤد رئیس
دولت و صدراعظم به مناسبت جشن ملی الجزایر
تلگرام تبریکه عنوانی نباغلی هواری بومدین
رئیس دولت آن کشور به الجزیره مخابره شده است.

از کابل خطاب به جمعیتی گفت: به استقلال افتخار کنید.
دوستی مستحکم افغانستان که خصوصیت تاریخ
این کشور است احترام داریم.
وی علاوه کرد آنچه در جهان آرزوی مس
است وجود یک ملت و یک جامعه مرکب از ملل
همه کشورها استقبال نماییم و تا چنانکه به
بقیه در صفحه ۵۴

ابلاغیه مشترک

ساعت یک بعد از ظهر ۱۰ غرق ابلاغیه مشترکی از جانب افغانستان و ایالات متحده
امریکا صادر شد که متن آن از این قرار است.

طرفین روی یکده زیاد مسائل در فضای
دوستانه ای که میزبانی روابط بین افغانستان و
امریکا است مذاکرات صریح بعمل آوردند. این
مسائل شامل روابط دو جانبه انکشافات اخیر
در شرق میان و جنوب آسیا پیشرفت در دینات
بین المللی و علاقمندی متقابل هر دو طرف برای
تأمین صلح استقامت و همکاری در جهان بود.
طرف افغانی نظر و موقف خود را روی یک
سلسله موضوعات عمده بین المللی بشمول
بقیه در صفحه ۵۴

زعیم ملی ما نباغلی محمد داؤد رئیس
دولت و صدراعظم ساعت ۱۱ و ۴۰ دقیقه قبل
از ظهر ۱۰ غرق دکتر هنری کیسنجر وزیر
امور خارجه امریکا را برای ملاقات در قصر
ریاست جمهوری پذیرفتند.
در این ملاقات روی روابط دو جانبه افغانستان
و امریکا مسائل جهانی و انکشاف اوضاع در
این منطقه مذاکره بعمل آمد.

در مذاکرات از جانب افغانستان دکتر
محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی، دکتر
عبدالمجید وزیر عدلیه نباغلی وحید عبدالمعین
سیاسی و نباغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی
سیاسی و زارات امور خارجه و از جانب ایالات

متحده نباغلی الفرد اترتین معاون وزیر خارجه
امریکا در امور شرق میانه و نباغلی تئودور ویلیوت
سفیر کبیر آن کشور مقیم کابل اشتراک داشتند
قرار یک خبر دیگر وزیر خارجه امریکا
متعاقب مذاکرات، نهار را با نباغلی رئیس
دولت و صدراعظم در قصر ریاست جمهوری صرف
نمود.

دوکتور هنری کیسنجر قبل از عزیمت

بناغلی رئیس دولت گفتند:

هدف دولت جز رفاه و آرامی هموطنان پیشرفت

واعتلای کشور در پر تو این نظام چیز دیگری نیست



بناغلی رئیس دولت و صدراعظم بهر وسای تیم های بز کشی صفحات شمال کشور از آرزو مندی های دولت جمهوری
صحبت می نمایند *

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم ۱۳
عقب خطاب به رؤسا و اعضای تیم های
بز کشی صفحات شمالی کشور گفتند:
هدف دولت جمهوری جز رفاه و آرامی
هموطنان و پیشرفت و اعتلای کشور در پر تو
این نظام چیز دیگری نیست *

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد
که بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم
ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۱۳ عقب روسا
معاونین تیمها ما لکین اسپها و چاپاندازان
تیم های بز کشی ولایات شمالی کشور را
در چمن قصر ریاست جمهوری پذیرفتند
مراتب رضایت شانرا نسبت به پیشرفت
و انکشاف این ورزش ملی و باستانی کشور
به آنها ابراز فرمودند.
بقیه در صفحه ۵۴

بناغلی محمد نعیم روی روابط دو جانبه و مسایل مهم جهانی و اوضاع

منطقه بادو کتور کسینجر مذاکره نمود

دکتر هنری کسینجر وزیر خارجه ایالات
متحدہ امریکا ساعت ۲۰ و ۱۰ دقیقه قبل از ظهر
۱۰ عقب بناغلی محمد نعیم در وزارت امور
خارجہ ملاقات نمود.
همچنان وزیر خارجه امریکا ساعت ۱۰
و ۱۰ دقیقه بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی
و وزارت خارجه ملاقات کرد.
هنگام ملاقات وزیر خارجه امریکا با
بناغلی محمد نعیم بناغلی معین سیاسی و مدیر
عمومی سیاسی وزارت خارجه افغانستان
بناغلی اترتین معاون وزارت خارجه امریکا
در امور شرق میانه و سفیر گیر امریکا مقیم
کابل نیز حاضر بودند.
طی این ملاقات که تا حوالی ساعت ۱۱
و نیم دوام کرد روی روابط دو جانبه و مسایل
مهم جهانی بشمول اوضاع این منطقه مذاکره
بمعیل آمد.



بناغلی محمد نعیم هنگام مذاکره با دکتر هنری کسینجر وزیر خارجه امریکا در وزارت امور خارجه

رئیس دولت و صدراعظم سفرای ایران و سوئیس را پذیرفتند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت سه بعد از ظهر روز ۸ عقرب بناغلی جهانگیر تفصیلی سفیر گیبی ایران را که دوره ماموریتش در افغانستان به پایان رسیده است برای ملاقات تودیی پذیرفتند . ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بناغلی رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۱۲ ظهر ۸ عقرب بناغلی دانیل جاج نییسن سفیر گیبی غیر مقیم سوئیس را نیز در قصر ریاست جمهوری برای وداع پذیرفتند . دوره ماموریت بناغلی نییسن هم در افغانستان خاتمه یافته است .



از بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ضمن سفر اخیر شان باتحاد شوروی شهر یان ماسکو با حرارت و صمیمیت خاصی استقبال نمودند . در عکس شخص دوم از طرف جینکو لای بود مورنی صدر هیأت رئیسه شوروی عالی اتحاد جماهیر شوروی نیز دیده می شوند .

بمناسبت سالگره ۱ انقلاب اکتوبر

از طرف بناغلی رئیس دولت تیلگرام تبریکیه به مسکو مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه روزه ۸ عقرب خبر داد بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم طی پیامی که عنوانی بناغلی و لئونید بریژنف سر منشی حزب کمونیست، نیکولای پودگورنی صدر هیأت رئیسه شوروی و یالی و الکسی کاسیگین صدر اعظم اتحاد جماهیر شوروی بمناسبت پنجاه و هفتمین سالگرد انقلاب اکتوبر به مسکو مخابره شده است .

متن پیام تبریکیه بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم

مسررت دارم تبریکات و تمنیات صمیمانه خود، مردم و حکومت افغانستان را به شما و مردم دوستان اتحاد جماهیر شوروی و سیالیستی ایرانز نمایم .

باتذکار از علایق دوستی و مودت دیرینه که خو شبخانه بین مردمان ما برقرار است و همواره نشانه حسن همجواری و تقاضای احترام متقابل و همکاری نزدیک و متشکر بین هر دو کشور میباشد مایه مسررت است که این مناسبت دوستانه طی همین سال بار دیگر در الزامات های نزدیک و مستقیم که از آن خطرات نیک دارم بیشتر استحکام یافته است و کمال آرزومندی دارم که این روابط حسنه و همکاریهای همه جانبه به نفع مردمان هر دو کشور ما و برای تشدید مزید علایق دوستی بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی و سیالیستی و برای صلح جهانی و امرودیتان بیش از پیش مؤثر واقع شود .

به اگتنام بهترین فرصت نیک مسرورم بهترین آرزوی خود را برای صحت و سلامت شما و برای ترقی و رفاه روز افزون ملت دوست و همسایه ما اتحاد جماهیر شوروی و سیالیستی ایرانز نمایم .

محمد داود

مقرریهای جدید در وزارت اطلاعات و کلتور

باساس پیشنهاد وزارت اطلاعات و کلتور و منظوری مقامات صلاحیت دار مقرری های آتی در مربوطات آن وزارت صورت گرفته است . دوکتور محمد ظاهر صدیق بهیث رئیس نشریات . بناغلی محمد کاظم آهنگ بهیث رئیس آژانس باختر . بناغلی غلام حضرت گوشان بهیث رئیس اداری . بناغلی فیض محمد خیرزاده بهیث رئیس کلتور و هنر . بناغلی عبدالصمد آصفی بهیث رئیس افغان فلم . بناغلی محمد حسن فریدی در بست و تبه دوم بهیث عضو انجمن کلتور و هنر .



نیکولای پودگورنی صدر هیأت رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی

ولادیمیر ایلیچ لینن بنیان گذار اتحاد شوروی

ادعای پاکستان رایک نطق وزارت خارجه رد کرد

تیلگرام همدردی به مسکو مخابره شده است

نطق وزارت امور خارجه به جواب سوال دباکتر آژانس راجعه بیانات اخیر ذولفقار علی بوتو صدر اعظم پاکستان در پهلوتنگر که طی آن ادعا کرده عده زیادی از خراب کاران که به اتهام یرتاق به بد سراسر پاکستان دستگیر گردیده اعتراف کرده اند که در افغانستان برای استعمال مواد منفجره تریه شده اند . گفت چنین اتهامات بی اساس که مرفع ناتوانی حکومت پاکستان در حل مشکلات آنکشور میباشد سابقا نیز چندین بار از طرف مقامات پاکستانی علیه افغانستان صورت گرفته و افغانستان آنها را رد نموده بود ، یکبار دیگر آنها عاری از حقیقت خوانده جدا رد میکنند .

یک منبع وزارت اطلاعات و کلتور گفت که از طرف یوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور بمناسبت وفات میرمن کاترینا فرستید و وزیر کلتور اتحاد شوروی تیلگرام تعزیت و همدردی به مسکو مخابره گردیده است . وزیر کلتور اتحاد شوروی بتاریخ سوم عقرب درگذشته است .

بیش از شش ساعت در میان آتش

سه هزار نفر برای مهار کردن آتش مبارزه کردند

حریق سرای عطاری را کاملاً در کام شعله‌های خود فرو برده است

مواد روغنی و قرطاسیه محتویات سرای عطاری را تشکیل میداد از این رو آتش برای چندین ساعت همچنان زبانه میکشید پس از یک مبارزه طولانی بالاخره آتش تحت کنترل درآمد

هیات‌های برای بررسی اموال سرای و تحقیق در زمینه آتش سوزی موظف گشته اند.

آتشب شعله‌های آتش از فاصله‌های دور در فضا زبانه میکشید. در آن محدوده مه‌آلود بود و آتش و مردم با چهره‌های حیرت زده یک نقطه مجوم می‌بردند. چائیکه حریق مدتها و مخوفی بوقوع پیوسته بود.

لحظه‌ای بعد موتورهای اطفائی باصدای مخصوص که اعلام خطر میکرد بابلند گویا پیش فضای شهر را پر کرد.

حریق خطرناکی در یکی از نقاط شهر کابل در یک سرای عطاری واقع گشت اخیراً به نادر بینتون همه چیز را به آتش کشیده بود. عمده اطفائی ولایت کابل پس از اینکه از آتش سوزی در سرای عطاری و قوف حاصل نمودند بیدرنگ به محل حادثه شتافتند و تمام قوا و وسایط ایکه در اختیار داشتند برای مهار کردن آتش بکار انداختند. ولی آتش سوزی خیلی مدتها بود و پس از اندک مدت شعله‌های آتش تمام سرای را فراگرفت. برای اینکه درین سرای تماماً اموال را مواد روغنی، قرطاسیه و بوجی تشکیل میداد. وقتی عملیه اطفائی یک قسمت آتش را زیر کنترل میگرفتند حریق از قسمت دیگری زبانه می کشید.

آتشب یاد نسبتاً تندی میوزید و در امر افروختن آتش و گسترش آن در محدوده سرای وسیله خطرناکی به شمار میرفت.

برای مهار زدن حریق همه‌امکا نات به کار گماشته شد. قوای اطفائی اردو به کمک اطفائی پولیس شتافت و بی محابا در اطفاء حریق داخل فعالیت شد. ولی آتش همچنان سرکشی

میکرد و چون سیمی اموال و سامان‌های اطراف

به زود ترین فرصت دست بکار شد و در خطوط معینی محوطه آتش سوزی مرزهای انسدادیه تشکیل داد تا مردم داخل ساحه حریق نشوند. قوا همچنان برای کشیدن امالیکه طعمه حریق نشده بود باهما لکان دوکانها همکاری لازم انجام دادند و اموال بعضی از دوکانها از سرای بیرون کشیده شد.

مشکل بسیار عمده ایکه هنگام آتش سوزی قوای اطفائی به آن مواجه بود، تنگ بودن دروازه ورودی سرای بود که به آسانی نمیشد وسایط ضد حریق بداخل سرای راه پیدا کند پولیس برای اینکه جلو آتش را گرفته باشد از زینه‌های مخصوص اطفائی استفاده نموده و از بالای عمارت سه منزله سرای از چهار طرف آتش را احاطه کرد.

فعالیت همچنان به شدت ادامه داشت و اطفائی عسکری و پولیس باتمام نیروئیکه داشتند علیه آتش به مبارزه پرداختند.

ولی آتش سرکش تر از آن بود که باین زودی‌ها مهار گردد و بدین ترتیب بیش از پنج ساعت آتش سوزی ادامه پیدا کرد.

مبارزه قوای اطفائی با آتش همچنان ادامه



این عکس منظره است از سرای عطاری که در اثر آتش سوزی کاملاً از بین رفته و فرو

غلطیده است.

داشت و درین نبرد بالاخره قوای اطفائی پیروز شد و درست ساعت ده و نیم بجه شب بود که آتش تحت کنترل اطفائی قرار گرفت.

و حالا بهتر است قصه این آتش سوزی را از زبان آمر اطفائی ولایت کابل بخوانید.

من آمر اطفائی ولایت کابل را ساعت ۱۱ بجه قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۳ عقرب یعنی فردای همان شب حادثه پس از زحمت بسیار از میان خوابه‌ها و سرای سوخته و درهم ریخته سرای عطاری پیدا کردم.

از شبانگلی دین کریم می پرسم:

چه وقت آتش سوزی بوقوع پیوست در حالیکه با پشت دست چشمانش را می‌مالد باخته میگویی:

درست ساعت هفت بجه و سی دقیقه شب بود که زنگ تیلون صدا در آمد و بعد اعلام زنگ خطر تمام قوای اطفائی ولایت کابل به محل حریق شتافتیم.

حریق بسیار وسیعی بود موظفین اطفائی بیدرنگ پست‌های معینه را اشغال نموده و مشغول فعالیت شدند. ولی آتش سوزی بسیار مخوف بود. برای اینکه تمام اموال و محتویات سرای را اموال روغنی، قرطاسیه و سفیده روغنی تعمیراتی تشکیل میداد.

از طرف دیگر ساختمان سرای عطاری طوری است که بمشکل بتوان داخل آن راه یافت فقط یک دروازه کوچک که دهلیز سر پوشیده ای در امتداد آن قرار دارد، بداخل سرای سرگ میکشد.

چند بجه آتش تحت کنترل درآمد:

وقتی متوجه شدیم که حریق مدتها است و دامنه آن خیلی وسیع قوای اطفائی اردو را به کمک طلبیدیم. قوای اردو فاصله محدودی در محوطه حر یق رسید و در کار اطفاء حریق همت گماشت.

فعالیت قوای اردو در اطفاء حریق قابل ستایش است و تحسین، واقعاً آنها وظیفه خود را در امر مهار کردن آتش انجام دادند. بدینگونه ما توانستیم ساعت ده و نیم بجه شب از چهار طرف آتش را محاصره نموده تحت کنترل در آوریم.

چون باد با آتش همراه بود و در بسیاری از دوکان‌های سرای گوگرد نیز موجود بود ازینرو وقتی آتش در یک نقطه اندکی خاموش شد از یک نقطه دیگر بطور مدتها می‌جھید و در فضا بلند میشد. با وجود اینکه مشکلات قوای اطفائی اردو و پولیس موفق شده‌است ساعت ۲ بجه بعد از نیمه شب آتش را کاملاً خاموش سازد.



۱۸ عقرب ۱۳۵۳ مطابق ۲۴ شوال المکرم برابر ۹ نوامبر ۱۹۷۴

فصل سرما و مشکلات مردم

در ممالك رو بانکشاف و ظایف مردم در جهت پیشبرد پلانهای بانکشافی بیشتر محسوس میگردد چه مردم درین کشورها مسؤولیت خطیری بدوش دارند تا با پشت کار و زحمات خستگی نا پذیر بتوانند فاصله ایرا که میان ممالك بانکشاف یافته و رو بانکشاف وجود دارد از بین بر دارند.

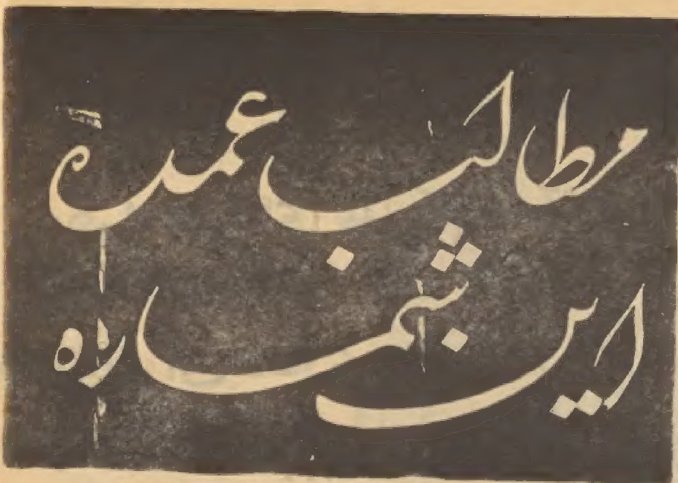
این هدف و قتی میسر شده میتواند که مردم بایک انرژی کامل و عاری از هر گونه تشویش و نا راحتی ناشی از مشکلات اقتصادی از امور محوله خویش واری نمایند. منظور از مشکلات اقتصادی همانا احتیاجات اولیه مردم است که باید جدا غرور و رسی گردد. درین مورد شاروالیها نقشی مهمی را در یک کشور ایفا مینمایند. پروگرامهای شاروالیها باید طوری طرح گردد که بانطباق آن اکثریت مردم از نظر احتیاجات اولیه مستفید گردند.

در کشور عزیز ما با روی کار آمدن نظام مردمی جمهوریت که رفاه و آرامی مردم اهداف اساسی آنرا تشکیل میدهد توقع مردم از شاروالیها بیشتر گردیده است که البته این توقع مردم، وظایف بناروا میها را بیشتر از هر و قتی سنگینتر ساخته است.

از جمله مسایلی که توجه جدی بناروالیها را جلب مینماید یکی هم کنترل نرخها است. درین مورد باید تلاشهای پیگیر و همه جانبه مبذول گردد تا سیستم نرخهای مستند در کشور بوجود آید. مخصوصا درین فرصتیکه فصل سرما فرا رسیده و مشکلات مردم ما بیشتر گردیده است باید مسوولان بناروالیها سعی ورزند تا مواد ارتزاقی بمقدار کافی و قیمت مناسب بمردم عرضه گردد زیرا عدم موجودیت مقدار کافی مواد ارتزاقی به قیمت مناسب مشکلات همه مخصوصا طبقه غریب و بیچاره را درین فصل دوچند خواهد ساخت.

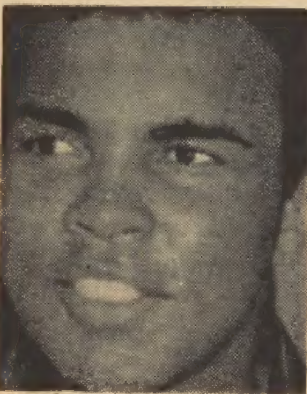
طوریکه در یکی از بحثهای « میزمدور ژوندون در خدمت خانوادهها » تذکر رفته است سال گذشته در آغاز فصل سرما ما یکعده محتکرین چوب و ذغال را ذخیره نموده و عرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیتها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقاضا آنرا به قیمت بلندتر بفروش برسانند. خوشبختانه بناروالی کابل از موضوع اطلاع حاصل نموده و جلو این اقدام محتکرین را گرفت.

با یادآوری این مطلب درین فرصتیکه باز هم ترتیبات فصل سرما گرفته میشود امید داریم بناروالی کابل امسال قبل از وقوع چنین وقایع داخل اقدامات شده و بکمک بعضی وزارتخانه ها، بانکها و دیگر موسسات خیریه مواد کافی ارتزاقی فصل زمستان را تهیه و جهت فروش در مارکیتهای شهر عرضه نماید تا نشود که باز هم اشخاص منفعت پرست از موقع استفاده نموده و بخاطر منفعت شخصی خویش منافع عامه را به خطر مواجه سازند.



ژوندون گرد میز دکتد هار د

کورنیو دپاره



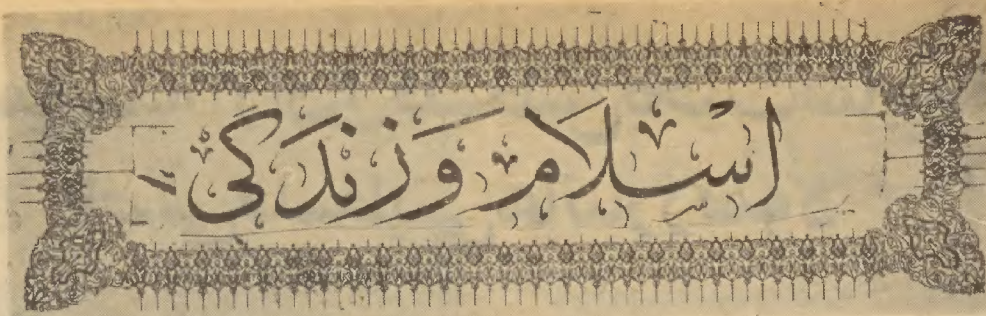
دربزدگترین نبرد بو کس محمعلی

کلی بار دیگر قهرمان شد



نخستین جعبه اسرار آمیز ازدهد

کشف گردید



پیوسته بگذشته

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

محمد (ص) بدلیل اینکه آئین او و سیستم اصلاحی اش انسانیت را به تمام معنی شناخته و تشخیص داده و حق بزرگی بران قابل بود، نخواست اختناق را در میان انسان هاراه بدهد و یا راه و روشی را بر اساس وصیت نامه و میراث و توارث برایشان بقبولاند و بلکه هر نوع اعمال و طرز تفکر را که متکی بر پذیرش کهن و بر مبنای امتیازات و ملاحظات قومی و فامیلی استوار بوده از روحیه ضد انسانی توارث قدرت سر چشمه می گرفت، در تمام دوره حیات پر مبارزه اش عمل مر دود و غیر قابل قبول قرار داد و بمردم گو شزد فرمود که افتخار بنام وفدت پدران و بمیراث بردن این نام و بالاخره پا فشاری و استقامت و پیروی از طرز اندیشه نادرست گذشتگان، بزرگترین عامل هلاک و بر باد دی گذشتگان شما شمرده میشود شما نباید در مسیری گام بردارید که تباهی و سیاه روزی دیگران را دران راه دیده و یا شنیده اید و این بذات خود درسی است عملی که با یستی هر فرد شما آن را در زندگی و خاصه در مسایل و امور مردم و اجتماع فرا موش ننماید.

پیامبر اسلام (ص) میفرمود گذشتگان گذشتند و تو مار عقاید و طرز بندهار و اندیشه خویش را نیز باخود پیچیدند و بردند و امروز بسوی هدف دیگر پیش میر ویم، روزی دیگر و آغاز دیگر است و ما هدفی که نه میرائی و نه زاده عقاید و طرز کار و بینش و فتگان و پندار های کور کورانه است.

پس از حیات پیامبر اسلام (ص) دوره و روزگار دیگری غرض و جود کرد

که عبارت بود از دوره خلافت و جانشینی و روزگار انتقال زعامت اسلامی به آنها نیکه سمت پیامبری نداشتند، درین مرحله که واقعا مرحله ای بسود حساس و پر خطر، افراد و اجتماع اسلامی حلقه زدند و باهم جو شیدند و طی مباحثات و گفتگو ها اتفاق آرا و قبول عامه بران شد که حضرت ابوبکر صدیق (رض) باید مسؤلیت پیشبرد و حفظ زعامت اسلام را

بدوش گیرد از یثرو او را خود مردم در کمال رضایت بحیث شخصیت دوم جهان اسلام و زعمیم فسادا ر گروه اسلامیان تعیین کردند. بروی اصطلا حات امروز با یسد گفت که این انتخابات و ارزش گذاری با فکار وارد داه مردم را در مورد تعیین زعمیم و متصلی مسایل دین و دنیا یشان اگر دیمو کراتیک اطلاق نمائیم باز هم حق آن را ادا

نکرده ایم زیرا آزادی رای و داشتن حق قضاوت آزاد بحدی میسر و فراهم بود. که ارزشمندی و مزیت آن بر ترو ممتاز تر از مقایسه معمول و معروف دیمو کراتیک امروزی بود.

زعمیم دوم اسلام که تا ریخ او را بنام نخستین خلیفه اسلام ثبت کرده است، کار خلافت و تصدی امور مردم را در دست گرفت و ساد ه و بی آلاش و بدون تشریفات بود، او نیز مانند سلف بزرگش فقط برای مردم و اصلاح عقاید و رهبری ایشان در شا هراه زند گی مساعی پیگیر بعمل می آورد و هیچگونه امتیاز و برتری را تحت هیچنوع عنوانی در برابر امور مردم و در برابر تأمین و برقراری عدالت در میان انسان ها قبول نمی کرد.

خلفای چهار گانه اسلام و بعبارت دیگر خلفای را شدین هر یک در وقت و زمان خویش بعین همین روش انتخابات آزاد و دادن حق قضاوت آزاد برای هر فرد در مورد شخص نامزد عهده داری و وظیفه خلافت و زعامت اسلامی برای پیشبرد زعامت مردم تعیین گردید و در هیچ مرحله نسبت به هیچکس هیچگونه سفارش و توصیه از طرف خلیفه بیشتر راجع به جانشینش صورت نمیگرفت و بدین طریق امور اجتماع و مسایل مردم را بخود شان می گذاشتند تا مطابق وقت و زمان و نحوه پذیرش و پندار خویش شخصی را که نسبت به موفقیقت وی در راه پیشبرد و وظیفه خطیر خلافت و زعامت مطمئن باشند، آزادانه انتخاب و تعیین نمایند.

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

عبدالرحیم (عینی) از دارالعلوم اسدیه بلخ

حضرت اسود راعی (رض)

پیغمبر خدا (ص) اسلام را بمن بنما ۰۰۰ چون رسول علیه السلام هیچکس را تحقیر نمی کردند و خصوصا آنانرا که تمایل به قبول اسلام داشته باشند بیشتر نوازش میکردند همان بود که مبادی اسلام را بوی عرضه کردند و او بجان و دل اصول اسلام را پذیرفته باشینه صاف و گشاده شهادت داد که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله.

سپس اسود راعی اشاره به رمة گوسفندان نموده به پیغمبر اسلام (ص) گفت: ای پیغمبر خدا! من به صاحبان این گوسفندان مزد میدهم و با گوسفندان چه کنم در حالیکه آنها از مردم بوده بعضی یک و برخی هم دو و دیگری بیشتر از دو گوسفند نزد من دارند و این مال ها همه امانت اند. پیغمبر اسلام (ص) برایش فرمودند: رمة گوسفندان را از میان سیاه ما بیرون کن و با سنگ آنها را بزن و آنها به نزد صاحبان خویش باز خواهند گشت و خداوند (ج) از گردن تو امانت را در حساب می کند.

شهرت این صحابه مبارز در آنست که فاصله میان ایمان آوردن و شهادتش آنقدر مدتی نبود که حتی یک وقت نماز فرضی را هم ادا کند یعنی بمنزله ایمان آورد و ا در صحنه جهاد شده پیش از ادای کدام نماز فرضی جام شهادت نوشید.

این مرد مجاهد که نامش اسلم بوده و بعضی ها یسار نامیده اند در عهد پیغمبر اسلام کافر بوده و حضرت رسول علیه السلام او را به اسود راعی (چوپان سیاه) ملقب ساختند.

اصلا این شخصیت اسلامی یعنی اسود راعی غلام حبشی بوده نزدیکی از یهودیان خبیر بحیث مزدور شغل چوپانی داشت. زمانی که رسول خدا علیه السلام یا معلمین قلعه ها و سنگرهای خیبر را بسجاسه داشتند و خواستند آن سرزمین را از فساد و پستی بیرون نجات دهند درین اثنا سینه ای با قبول ایمان پاکو گشاده شد و به نزد رسول خدا (ص) با دایب آمد و گفت: ای

مؤسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده اصلی فلسطینی ها تبارز نمود

وقایع مهم سیاسی هفته

پیروز یهائی که اخیراً یکی بعد دیگر نصیب مؤسسه آزادی فلسطین شده است نه تنها این امید را بار آورده که آن مؤسسه یک حکومت جلالی وطن را تشکیل داده و بسوی موفقیت های بیشتر در راه احیای حقوق و سر زمین فلسطین قدمهایی بر میدارد، بلکه این پیرو زمینهایسایر کشورهای عربی را نیز قدرت و نیروی بیشتر بخشیده است.

نخستین پیروزی مؤسسه آزادی فلسطین عبارت است از اینکه این مؤسسه بحیث نماینده فلسطینی ها دعوت شده است تا هنگام بحث روی مسایل فلسطین در جلسات بیست و نهمین دوره ملل متحد اشتراک کند. این امر با یکصد و پنج رای موافق چهار رای مخالف و بیست رای ممتنع

از طرف مجمع عمومی ملل متحد فیصله شد، قابل تذکر است که چهار رای مخالف عبارت اند از اسرائیل، ایالات متحده امریکا، بولیویا و جمهوری دو مینیکا، غالباً بولیویا و جمهوری دو مینیکا تحت تأثیر سیاست و اشتغال به دادن رای مخالف بر داخته اند. از جانب دیگر بصورت واضح دیده میشود که در جمله مخالفین این فیصله نامه جز

ایالات متحده امریکا دیگر هیچ کشور عمده شرکت ندارند، در حالیکه در جمله آنانیکه رای موافق داده اند از جمله کشورهای بزرگ علاوه بر اتحاد شوروی کشورهای فرانسه، ایتالیا و جاپان و عده از کشورهای دیگر نیز شامل اند. ولی در هر حال آنچه در نتیجه این فیصله نامه بائیس گفت این است که تعداد کشورهای واقع بین در قبال مسایل عمده جهانی زیاد شده است و این خود پیروزی و موفقیت آن سرزمینها و مردمانی میباشد که ظالمانه و غاصبانانه در پنجه ظلم، استعمار و تبعیض گرفتار اند.

بهر حال فیصله نامه ملل متحد مبنی بر دعوت از نماینده مؤسسه آزادی فلسطین برای اشتراک در جلسات ملل متحد از طرف اعراب به

نیکی استقبال شده و بقسم یک پیروزی برای آن مؤسسه تلقی گردید. همچنان سایر کشورهای صلحدوست جهان ازان به نیکی استقبال کردند. هنوز آوازه این پیروزی مؤسسه آزادی فلسطین از سر زبانها دور نشده بود و هنوز مصران و نویسنده گان و سیاستمداران در اطراف آن مطالبی می نوشتند و تبصره میکردند که آواز پیروزی دیگر آن مؤسسه بلند شد. این موفقیت عبارت از تصمیم کنفرانس سران عربی در رباط بوده است.

سران عرب در رباط بعد از نزاع طولانی و مذاکرات گرم و جلدی بالاخره به یک فیصله مصالحتی نایل آمدند که با اساس آن مؤسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده حقیقی مردم فلسطین شناخته شده و اعلام گردید، قضیه ازینقرار است که از طرفی ملک حسین پادشاه اردن تا آخرین لحظه حاضر نمی شد نمایندگی فلسطین را به مؤسسه آزادی فلسطین واگذار و از جانبی هم یاسر عرفات بحیث رهبر مؤسسه آزادی فلسطین این نمایندگی را حق هیچ جانب دیگر نمی داند جز مؤسسه خودش، نزاع بین این دو شخصیت عربی بعدی زیاد شده بود که بعضاً به مشاجرات شدید لفظی تبدیل میشد.

ملک حسین میگفت که اسرائیل رهائی و تخلیه قسمت غرب رود اردن را در مقابل موافقه ای مبنی بر عدم مخاصمت و عده داده است. هرگاه فیصله بران نشود که این سرزمین به مؤسسه آزادی فلسطین سپرده شود درینصورت اسرائیل از تخلیه این قسمت انکار خواهد کرد. اما یاسر عرفات در مقابل این استدلال ملک حسین میگفت که اسرائیل در هر حال و عده آنرا نداده که گویا حصه های شرقی شهر بیت المقدس را تخلیه کند و از جانب دیگر قتل و کشتار های فلسطینی ها در گذشته همه خاطرات بدی را نزد مردمان فلسطین باقی گذاشته و مسئول آنهمه

اردن را فکر میکنند فلذا مردم فلسطین به هیچ وجه نمیتوانند اردن را بحیث نماینده خود بپذیرند. موقف سایر کشورهای عربی در برابر این موضوع روشن بوده است باین معنی که و زرای خارجه کشورهای عربی قبل از برگزاری کنفرانس سران عربی در کنفرانس مقداتی شان فیصله کرده بودند که مؤسسه آزادی فلسطین یگانه نماینده واقعی مردم فلسطین است.

بنا بران سران عرب نیز این فیصله را تأیید میکردند آنهمه رویهمرفته راه ایجاد یک نوع مصالحه را بین دو جانب تر جمیع دادند. بنابر همین امر بوده است که نخست از ملک حسین دوم پادشاه المغرب بحیث رهبر کشور میزبان تقاضا شد که بین آنها میانجی شده و مصالحتی ایجاد کند. در عین زمان سران جمهوریت عربی مصر، عربستان سعودی، الجزایر و سوریه مساعی جمعیله بخرچ دادند تا راهی در زمینه پیدا شود.

در اثر مساعی و کوشش سران مذکور بعد از جلسه شام سه شنبه سران کشورهای عربی فیصله مصالحتی مذکور اعلان گردید، البته قابل تذکر است که فیصله مذکور در نتیجه گذشتهایی از جانب ملک حسین پادشاه اردن به عمل آمد.

پادشاه اردن موافقه کرد که مؤسسه آزادی فلسطین نماینده حقیقی مردم فلسطین میباشد. و هم موافقه نمود که سواحل غرب رود اردن بعد از رهائی از طرف اسرائیل تحت اداره مؤسسه آزادی فلسطین در آورده شود.

همچنان پادشاه اردن هم بستگی کامل خود را با اعراب ابراز نموده و تأسیس دولت فلسطین را تحت زعامت مؤسسه آزادی فلسطین تأیید کرد.

در مقابل یاسر عرفات رهبر مؤسسه آزادی فلسطین و سران کشورهای عربی از گذشت شاه اردن به نیکی استقبال نمودند.

(بقیه در صفحه ۶۱)

دست‌های ما

از: کو هگدا



۱

۲



۳

۴



۵

۶



۷

۸

۵- اگر هنگام نشستن دست چپ بر بند دست راست و بالای زانو ها قرار گرفته باشند چنین اشخاص احساس سستی میسر و تکیان دهنده میباشند. آنها دارای روحیه عالی بوده صحبت با چنین اشخاص دوام دار و خیلی دلچسپ میباشند.

۶- هنگامیکه هر دو دست طوری که در تصویر ششم ملاحظه میکنید چپ قرار دهند. چه تصادف نیکی بالای زانو قرار گیرند از آزادگی و اعصاب شخص حکایه میکند چنین اشخاص دایما هیجانی بوده هیچگاه از حوصله کار نمیگیرند.

۷- اگر دست راست بر مچ دست چپ حلقه زده بالای زانو قرار گرفته باشند از تمرکز و حواس شخص نمایندگی خواهد کرد.

۸- بعضی اوقات چنین بر میخوریم که شخص مقابل ما هنگام نشستن با دست چپ زانو خود را محکم گرفته و دست راست را بر پشت دست چپ قرار دهد. چه تصادف نیکی زیرا چنین اشخاص بر خود غالب و گفتار خود را سنجیده ادامه میدهند و هیچگاه بی آذردن مصاحب خود نمیباشند.

طوری که حادثات روحیه ما نند اداره ادراک و تجربه در حیات ما را افشا میکند.

۱- هنگامیکه دست راست بالای دست چپ طوری قرار گیرد که دست چپ در کمر و دست راست بالا آن قرار گیرد دلالت بر بد خواهی و یا سؤطن شخص میکند. چنین اشخاص دایما روحیه آرام نداشته نسبت به همه خوشبین نمیشوند آنها زندگی را به خود تلخ و ناگوار مینمایند.

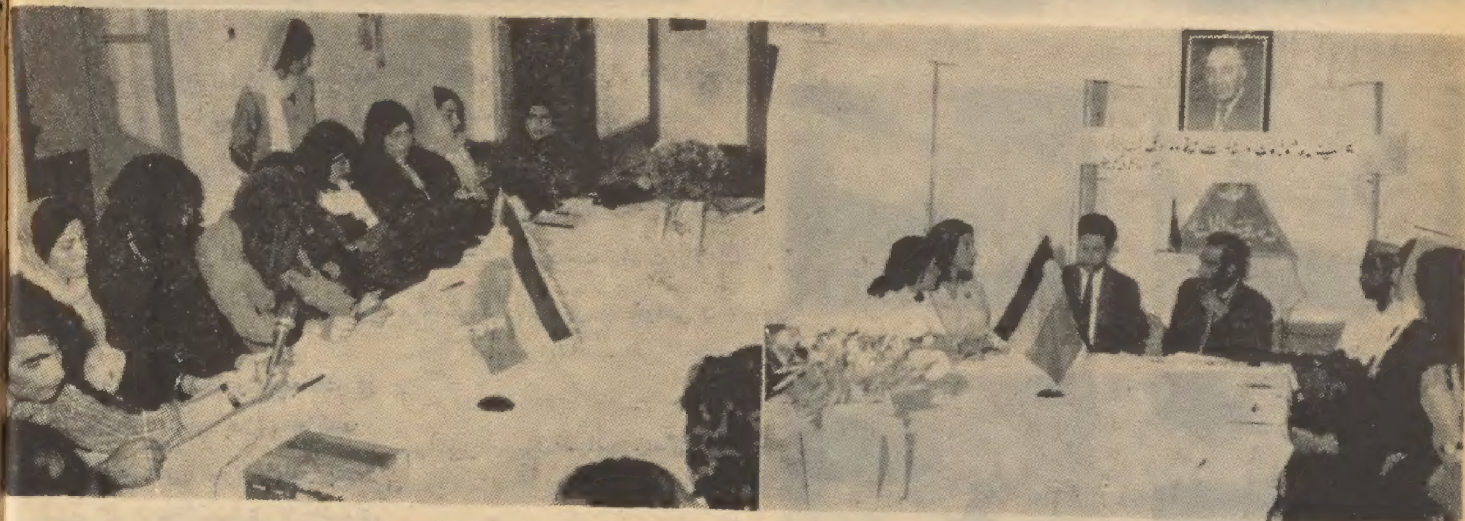
۲- اگر بصورت عالی شخصیکه بمقابل ما قرار گرفته دست چپ آن بالای دست راست و انگشتان هر دو دست بیازوان چسبیده باشند گفته میتوانیم که چنین اشخاص دایما خاموش و پوشیده بوده همه موضوعات زندگی نزد شان راز نهانی بشمار میرود.

۳- اشخاص صیقه در حالت عادی طوری قرار گیرند که دست راست شان بالای دست چپ حلقه زده انگشتان دست راست در زیر پهل پنهان و برخلاف دست چپ بر بازوی راست قرار گرفته باشد دلالت بر تنبلی و بی علاقهی شخص میکند.

۴- شخصیکه در مقابل ما نشسته و دستان را بر زانو خویشتن طوری قرار داده باشد که دست چپ بالای دست راست آمده باشد دلالت بر دلسردی شخص نموده احتیاط شود تا پیشتر صحبت خویش را با چنین اشخاص ادامه ندهیم زیرا بی مورد است.

نه تنها سیم و حرکات بلکه هر یکی از اعضای بدن ما از قبیل دست چشم و غیره به تنهایی خود قابلیت افادهای یک حالتی از روحیه و یاد خاصه حس و هیجان ما را دارا می باشد. دلالت و حرکات عضوی بر حالات روحی خیلی قویست. بنا برین بحث از طرز قرار دادن دستها به صورت عادی هنگام صحبت، نشستن و یا قرار گرفتن در مقابل کسی روانشنا سلان ثابت ساخته اند که قرار دادن دستان تاچه اندازه بی از روحیه احکایه میکند البته این حرکات در مورد خانمها بیشتر صدق میکند حالا به تصاویر دقت کنید که تا

د ژوندون گر د میز د کندنه



د کندهار میرمنی د ژوندون له خبر یال سره د کندنه هار په پروبله نو خبری کوی

شاهم یو . په خپل سر نوشت کی فعاله بر خه

واخلي ، نو دکورنی دنورو غرو له

شدید مخالفت سره مخا مخ کیری .

نو ددغه مشکل داصلاح لپاره

له کورنیو سره بهدی مشکل کی

دمرستی دیوی موسسی جوړیدل ،

دواده او کوژ دی د دفتر نو جوړیدل

دمیرمنو ټولنی دتبلیغاتی ساحو

پراخیدل او همدارنگه دخرافاتی

دو دونو د له منځه وړ لو لپاره بهدی

سیمه کی دټولو رو شننگرانو یوځای

برخه اخیستل دکورنیو د ستونزو

په لیری کولو کی یوه ضررو و ی

خبره ده .

همدا ډول درضا کارو میرمنو او

دکورنیو دلار ښوونو دټولو بر خه

اورنگه هم پدی بر خه کی اغیز منه

ده ، خو په دی اړ (شرط) چه دځانته

او خاصو اجتماعی مقرراتو په وسیله

په پرله پسې او تحقیقی اقداماتو

لاس پوری کړی .

دوهم پروبلم چه زه غواړم هغه ته

نقوته و کړم هغه د ښاری اومرنیو

ښوونځیو موقعیت دی :

تاسی یو هیږی . چه په دی ځای

کی یو زیات شمیر ښوونځی په

کرایې کورونو کی دی ، چه دغه

کورونه هرو مرو دمزد حملو جادو او

واټونو په غاړه دی ، چه دشمارگرانو

دوتلو او ننو تلو په وخت کی دتصادم

احتمالی خطرات موجود دی .

دادی ویل ستاسو او دوینا وو

لیکل او یاد داشت زموږ .

دکند هار دمیرمنو ټولنی آمره

میرمن قهر وکیلی :

ددی ولایت دکورنیو او میرمنو

له خوا دژ و ندون له منلی مجلی او

دکونکی ډلی له دی جالب ابتکار

څخه چه په ولایاتو کی یی دمنورو

میزو نو دجوړیدو هڅه کړی ، په

تشکر سره خپله نظریه په لنډه توگه

وپاندی کوم :

ددی ولایت دکورنیو مشکلا تو په

شواوخواکی خصوصاً هغه ستونزی

چه عامی دی ، لومړی دواده او کوژ

دی مساله ده .

دکندهار دکورنیو په تشکیل اواز دواج

کی دسرنوشت دحق ټاکل ، آن ددغه

ښار په منو رو کورنیو کی یو ستر

مشکل دی ، چه هم دکورنیو اقتصاد

ته زیان رسوی ، او هم دخوښیو

ولی او ریښی له بیخه و یاسی .

پدی ځای کی دهیواد دزیاتسرو

ولایا تو په شان نجونی دمیره په

ټاکلو کی حق نه لری اوزیاتسره

ودونه او کوژ دی دپلرو نو اویندو

دتوافق له لیاری منځ ته راځی . که

چیری یوه پیغله و غواړی ، چه دخپلی

کو رنی دغو ښتنو په بدل (خلا ف)

تصمیم و نیسی او یا و غواړی ، چه

تظیم او لیکنه : درووف راصع .

د ژوندون د مشورتی ډلی تر نظر لاندی .

دکند هار دمیر منو ټولنی دآمری میرمن قهر وکیلی .

دکند هار دمیر منو ټولنی دمر ستیالی میرمن پری نا یاب .

دزر غونی انا دتدریسی کادر دغړوگلدستی ، زبیدی ، جمالی ، میرمن ماری

او میرمن انظیفی .

دملای لیسې تدریسی غړو : میرمن ملالی ، جهان آراء ، او سکینی .

دغینو لیسې د تدریسی غړی و میرمن ماه گل ، قهر پشتون ، گل پری ،

گل پرور ، نمری اوساجلی او همدادول دزر غونی لیسې له ابتدای

ښوونځی څخه دمیرمن سلیمی ، میرمن صدیقی معصومی ، صفی

واسته او دمیرمنو ټولنی دغږی میرمن نورتن تسلیم په گډون .

څارنه : دکند هار داطلاعاتو او کلتور دآمریت او دپوهنی دلو ی

مدیریت له خوا .

دکندهار دکورنیو ستونزی په کومو برخو کی دی اودسمون

لپاره یی کومی لاری موجودی دي .

...

د تعاونی موسسو تاسیس دکورنیو دسو کالی په لپاره کی

یولوی گام دی

...

دلویو واټونو په غاړه دښوونځیو موجودیت د پیسو احتمالی

خطرات زیاتوی

ټول مشکلات او رېږی دهیواد وړل کیری ، لکه څنگه چه په دی لړه
دټولو ځایونو په څیر زموږ ځوان موده کی دهیواد دبیلو بیلو کو ټونو
جمهوری دولت دبنیادی رفیور مونو دخلکو د ژوند په ټولو اړخونو کښی
له لیاری په پلان شوی ډول له منځه دزیاتو اصلا حاتو او سمو نو



په کندهار کې دگړو میزېږو گرام له مناظرو څخه یو - منظره

اقتصاد کمزوری کوي، چه البته دا دخلکو دآسوده حالی لپاره یو بنیادی گام دی، چه البته ددی مجلس په بیلا بیلو برخو کې پری خبری وسوی.

بله مو ضوع دنساجی ټو کرانو ویشل دی، چه باید دغه ټو کرانو مستحقو خلکو ته وویشل سی. البته اوس په کند هار کې دټو کرانو له ناحیې څخه په مشکلا تو اخته دی، ځکه د اقتصاد د ضعف له پلوه مجبور دی، چه و وطنی ټو کران رانیسی، نو که چیری وطنی ټو کران په کا فی اندازه نه وی، دوی بیا دو مړه پیسی نه لری چه خارجی ټو کران په رانیسی.

دوهمه مساله داده، چه په کندهار کې تر اوسه پوری راکړه ورکړه، په هتویکو اوزانو نه تر سره کیږی، بلکه هماغه پخوانی وړتونه دی چه له تیرو یا اوسپنی څخه یی جوړ کړی دی او دغه عمل داخیستونکو اعتماد سلوبی او ډیر امکان لری، چه پلو وړتکی ۹۰۰ گرامه جنس دیو کیلو گرام په ځای اخیستونکی ته ور کړی.

میرمن پری نایاب، گلدسته، زبینه، جهالی، نظیفه، سکینه، جهان آوا، ماه گل، گل پری، ثمره، ساجده او میرمن تسلیم:

دکند هار دخلکو ښاری پروبلونه که اقتصادی دی یا ترانسپورتي، یا صحی او یا حفظ الصحوی، باید په دوو برخو ویشل سی، اوله دووخوا وو وخیل سی.

لومړی هغه پرو بلونه چه دهغو دله منځه تلو او اصلاح پلانونه زیات لگښت، ډیری پیسی کافی وخت اوزیات پرسونل غواړی، اوبی له شکه دغه ډول پرو بلونه دشوان جمهوری دو لت په بنیادی اصلاحي ریفور مو نو سره له منځه ځی، اود خلکو دژوند په هره برخه کې په دیادونی وړ بد لون راشی، لکه څنگه اوس سملاسی دخلکو د ژوندانه دشکلا تو یوه ستره برخه له منځه تللی ده.

دوهمه برخه ستونځی سطحی دی چه دزیاتنی پا مارنی او ټولیزی همکاری له لیاری له منځه ځی چه البته پدی مدور میز کې پدی اصل باندی ډیری خبری وسوی.

زموږ په نظر یوه اجتماعی او بنیادی اصلاح هغه وخت منځ ته راتلاي شی چه عملی او تطبیقی خواوی ولری، او دټولو خلکو مرسته او همکاری وغوښتل سی.

د فاتحی لپاره یو دوه سالونه جوړ کاندی، چه فاتحه هڅه واخیستل شی، او هم دنکاح او واده مقرراتو په تطبیق سره دغه لگښتونه هم محدود او دکورنیو د اقتصاد په چوکاټ کې یی راوی، نو به یی له شکه دکندهار دکورنیو د عمومی آسوده گی په لاره کې یولی اغیز من کاروی.

قمر وکیلی:

ددی خبرو په تائید زیا توم، چه ددغه ډول ځایو نو دجوړ و لوتړ څنگه باید میرمنو ټولنه خپل تبلیغات زیات کړی، او دخرافی دو ډونو دله منځه وړو دپاره باید یوه سیاره تبلیغاتی ډله واری، چه په هغی ټولی منو ری میرمنی برخه واخلی، او ټولی کورنی دنوی ژوند له غوښتنو سره سم دخرافی دو ډونو په پریښو و لو کی ورته لار ښوونه و کړی.

میرمن ماریه:

د عمومی تفریح ځایونونه موجودیت په کند هار کې یو مهم پروبل دی، او باید ورته تو جهوسی. په کندهار کې دتفریح و سایل ډیر لږ لیدل کیږی، او په ډاډ او ښای شو چه دښاروالی په پا ملرنه او دخلکو دمرستو په جلبو لو سره دا مشکل له منځه ځی.

قمر:

زه غواړم چه ددو مهمو مسالو ته نفوته وکړم، ځکه چه په هغو باندی په دی مجلس کې لږی خبری وشوی. لومړی مساله دکند هار دکور نیو اقتصادی وضعی ته توجه کول، اود هغو عواملو پلټل دی، چه ددوی

پاملرنه و شی، تر څو دښار ددی سیمی سلا متیا ښه ترا سمبال شی.

صفیه وارسته:

په کند هار کې یو له هغو سترو رېږو څخه دنر خو ټونه استقرار دی، چه البته دیو لوړ والی دکورنیو اقتصاد ته زیان رسوی.

ښاروالی له یوی مودی راپدی خوا خلیکونه غوړی اوبوره ویشی، خو دغه ویشل شوی بوره او غوړی ډیر لږ هغو کورنیو ته رسیدی، چه د اقتصاد له پلوه زهیر دی او زیاته اړتیا ورته لری.

موږ هیله لرو، چه ژر تر ژره دغه ټولیز پرو بلم ته پا ملرنه و شی او نرخونه د بازار له نو سانو نو سره مخامخ نه سی.

فاطمه معصومی:

په کند هار کې دکلتوری اوفاتحی دسالو نونو نشتوالی ددی ځای دکورنیو دستو نزو ستره برخه جوړ وی.

اوس دکند هار کورنی دمړی په وخت کې دی ته مجبوری دی، چه په دود یز (عنعنوی) ډول هم خپل مړی وژای، او هم یو څه لگښتونه په ځان و منی، چه دغه رنگه لگښتونه یی اقتصاد کمزوری کوی.

همدارنگه په کند هار کې دواده اونکاح مراسم هم ډیر لگښت غواړی، چه دزیاتو و کورنیو له توانه و تلی خبره ده.

حال دا که چیری ښار والی دلته

میرمن ملالی:

زه ددی خور دخبرو په تائید غواړم چه په کند هار کې دمحیطی حفظ الصحی او دکند هار دکورنیو په مشکلا تو راپا واچوم.

د حفظ الصحی مسایلو ته نه پاملرنه کول، دښاری تنظیماتو دیوی فعالی شبکی نشتوالی دنارو غیو دپیداکیدو سبب گرځی.

زه یوازی یوه غو ښتنه لرم اوهغه داده چه دکند هار ښاروالی باید تر هر څه دمخه دښاری تنظیماتو شبکی نه پراختیا ورکړی، برخو ژوند په ښو شرایطو کې میسر سی او د ناروغیو له احتمالی خطراتو څخه خصوصاً په دو بی کې موږ ټولی کورنی له دی نا حیې په تشویش کې یو له منځه یووړل سی.

صدیقه معصومی:

دده خواجه و یا له چه دښار له یوی پر نفوسی برخی څخه تیریدی، نو پدی دلیل چه له استوگنځیو څخه تیریدی، او خلک یاد اړتیا له منځه او یا دصحی تبلیغاتو د نشتوالی له امله ددغو اوبو اضرارو ته پا م نه کوی بلکه له دغو ناوولو او خوسا اوبو څخه دکالی پریو لو او لمبلو لپاره کټه اخلی، نو داخبره طبیعی ده، چه ټولی هغه کورنی چه له دغو اوبو څخه کټه اخلی، په راز راز ناروغیو اخته کیږی.

تر اوسه پوری هدی مشکل دله منځه وړو لپاره غوښتنی هم سوی دی چه موږ غواړو دی پروبل ته

تر څو خلک په عامه چارو کې برخه واخلي هيچ مشکل نه حل
کيږي او هيچ يوه اداره نسوای کولای چي بريالی واوسي
د نيمه ييزو شورا وو جوړول د ښاري پروژو په سر ته
رسولو کې يوه ښه لاره ده

د کورنيو لارښوونو او روشنفکر و ميرمنو ټولنې بايد
د خرافاتي دو د نو په له منځه وړلو کې ستره برخه واخلي

د ښار دسيمو د حفظ الصحې په گامزنه دي .

سيمې لښت کې زموږ په نظر دسيمه
ايزو شو راگانو راغوبښتل کولای شي
له ښاروالۍ سره پدې برخه کې
مرسته وکړي .

که چيري له هرې ناحيې څخه څو
تنو سپين روږو ته پدې شوراگانو
کې غړيتو ورکړل سي ، چه هغوی
د ښار د پاکوالي او صفایي په برخه
کې ښاروالۍ ته مشوره ورکړي ، او
د ښاروالۍ دېو دجوي امکاناتو په رڼا

کښي دځينو کارونو اجرائه هڅه
وسي ، نو پدې صورت کې به نه
زموږ ښار دچټليو او کشافتو گودام
وي ، او نه به ټول کارونه یوازې
د ښاروالۍ په اوږدو پاری .

که چيري موږ دخپل انقلابي دولت
دي يو کلن فعاليت ته نظر واچوو ،
نو دا په خپله را ښيي ، چه دخلکو
حکومت څو مړه دخلکو دژوند دښه
کولو لپاره زیار ایستلی او نور هم
زیات په هاند او هڅه کې دي په
کند هارکي دنوی لوی روغتون جوړول
د ښار خلکو ته دصحي لوږو تهیه کول
په خپله دخلکو دصحت اوسلامت
د تامین په لاره کې هم او ستر

بله خبره داده ، چه زموږ
لاری ټولې سمي نه دي همدارنگه
ټرافيک بايد دی اصل ته په پارلري
سره دتکسي او پسونو چلول هم
کنترول اوسم کړي .

ښوونځي بايد له لویو واټو نو او
جا دو څخه دفرعي سړکو او جا دو
غږو ته راوړل سي .

د نړخو په کنترول کې دخلکو
پرله پسې همکاري ته اړتیا حسلی
کيږي ، چه دښاريانو دمرستو ترڅنگه
بايد ښاروالۍ مندوی گاني تر خپل
کنترول لاندې راولي ، چه البته پدې
صورت کې به دغه مشکل ډیر ښه
حل سي .

د فاختي اخیستلو دساتو نونو
جوړول ډیره مهمه خبر اوله لومړنيو
ضرورياتو څخه ده چه دکنند هار
ښاروالۍ بايد ضرور ورته التفات
وکړي او ددی ساتلو نوقتو تر څنگه

بايد دتفريحي سالتونونو جوړولو ته
هم توجه وکړي .
د خبرو اترو په دی دور کې هم
مهم اصل دادی ، چه غوښتنې بايد
دکیدون له پوولو وتلي نه وي ، نو په
دی دلیل موږ د عاکولا ی سو چه
په چو پي کې يو .

رؤف راصع :

په خپل وار سره دکنند هار له
مخترمو کورنيو او ميرمنو څخه مننه
او تشکر کوي ، چه دژوندون پدې
سرد ميز کې مو گډون وکړ ، او خپلې
غوښتنې مو دښمگي تياوو دسمون
لپاره څرگندی کړي ، زموږ ملي او
مترقي نظام ، په دی ډيره لږ موده کې
پدې بريالی شوی دی چه دخلکو
دژو ندانه په بيلا بيلو خواوو گي
اساسي تحول او ژور بدلون منځ ته
راوړی .

ددې خبرې زياتول هم ضرور دی
په ډله ايزه څه خبرو دغه دوره په کندهار
کې دمخلي دمدور ميز ډېرو گرامونو
لومړني او وروستي سلسله نه وي ،
بلکه موږ بيا هم ستاسي اوستاسو
په چو پي کې يو .



په کندهار کې دژوندون دگرميز يو څانگه

خانواده‌ای در گیرودار توفان گردباد

ترجمه: کاوند

هیچ خانواده‌ای نبوده‌است که ار
چنگال اهریمن گردباد جان سالم بدر
ببرند ولی این خانواده توانستند...

ساعت ده و سی دقیقه ای صبح
تایستان گذشته بود که من و خانواده‌ام
باسواری موتر واگن سبزپسوی
تپه‌های برکشایر در غرب ماسا-
چوست روان بودیم. روز سه شنبه
۲۸- اگست بود روزی که هیچکدام
از ماسه نفر آن روز و حشتناک و
دلهره آور رایدست فراموشی
نخواهیم سپرد.

سلن دختر هجده ساله ما به
سنی رسیده بود که می‌بايست به
مکتب عالی در گریونج داخل
شود. شوهرم فرد، و من او را
به‌آتش میبردیم تاچند مکتبها دیده
و بعدا یکی را انتخاب نموده و در آن
نام نویسی نماید.

باری سلن از چوکی عقبی موتر
صدا کرد:

«اووه، گرم است»
و بدنبال آن اضافه:

«پدر لطفا سوچ تهویه را بنهید»
فرد اینکار را کرد. سرمای‌جوارت
سبج به آهستگی بطرف بالا بسوی
درجه ۹۰ فارنهایت بالا می‌رفت و هوا
به شدت سنگین و خفقا آن آ بود.

به‌سو پسریم جیو فقری، اریک و
جامی گفته بودم که ما بروز جمعه
باز خواهیم گشت. جیو که
شانزده سال داشت به من اطمینان
داده بود که تا باز گشتم همه چیز
را رو برای خواهد کرد و ضرورت
نیست تا در این مدت پریشان باشم

هیچکدام از ما در این وقت سال،
چنین حادثه‌ای و حشت انگیز و مویر
اندام راست کن را که کمتر از سه
ساعت دوام کرد، پیشگویی کرده
نمی‌توانستیم.

زمانیکه من در ماه اپریل گذشته
از مصیبت چرخ بادی که یازده نفر
را در ایالت مرکزی در هم کوبید،
خواندم بروشنی آن کابوس وحشت
آور را بیاد می‌آورم، ما در چنگال
چنین بلایی طبیعی گیر آمدیم که
دانشمندان آن را مصیبت بارترین
پدیده طبیعی که بصورت ناگهانی
همه چیز را در هم می‌کوبد، نام
گذاشته‌اند.

ما به شکلی از این حادثه‌ای محنت
بار طبیعی گریز نمودیم ولی بیشتر
از ۳۰۰ مرد، زن و کودک در گردبادی
که در گذشته ایالات مرکزی رادرهم
کوبید، جان دادند، دلم بحال
خانواده‌های آنها و دیگر موجودات

انسانی که در چنین حوادثی گیر
آمده‌اند بشدت می‌سوزد. زمانیکه
وندل فور و آلی کنتو کی از مناطق
مصیبت زده دیدن کرد گفت «به این
حادثه‌ای غم بار نگریم و می‌خواستم
بگیرم».

هیچکسی نمی‌تواند لحظات تکان
دهنده‌ای را که چنگال گردباد بر سر
برده‌است فراموش کند. حتی همین
اکنون و قتیکه ابرهای توفانده بر
کرانه‌های آسمان نمودار می‌شود
درد شدیدی سراپایم را در هم می
فشرد.

حادثه‌ای غم‌انگیز ما چنینکه کمی
از شهر نیویارک دور می‌شدیم با
تاریک شدن هوا آغاز شد. درحالیکه
روی سرک ۲۲ بطرف شمال می‌رانیم
روز به صورت ناگهانی تیره شد.
همینکه در حوالی شهر ماموساچوست
نزدیک می‌شدیم باران شدید شروع
به باریدن نمود و در افق‌های دور
دست یگان دفعه برق میزد. چند
میل بالاتر فرد جلو موتر را بطرف
دهکده‌ی وست ستا کریج برای
خوردن نان که بخوبی به آن آشنایی
داشتیم گشتاند. ولی صاحب
رستوران بما گفت که یک لحظه پیش
ذخیره آتش قطع شده و تهویه‌ها هم
کار نمی‌دهد. ناچار فرد گفت که

«خیر اس آنطرف تر به محلی که
لاری‌های توقف میکنند می‌رویم».

باران کمی سست شد دانه‌های
درشت ریگ به اندازه لوبیا شروع
بباریدن کرد. فرد در حالیکه از
شیشه به بیرون می‌نگریست گفت:

«توفان» بیرون تاریک تر شد، پارید
سی سنگریزه توقف کرد و باران
دوباره شروع به باریدن نمود
و این بار بشدت هرچه تما تر.

لحظه‌ای بعد چنینکه فرد موتر را
بطرف رستوران لاری‌ها که کمی
دور تر از سرک ۱۰۲ بود، گشتاند،

مسور شدیم.
اینجا یک رستوران با دو پمپ
بطرول بود که لاری‌ها از آن تیل
می‌گرفتند.

فرد موتر را نزدیک دروازه‌ی
رستوران تاجا ییکه امکان داشت
چسپیده به آن متوقف ساخت. بسا
عجله از موتر پایین شده و از ترس
باران دوان دوان داخل شدیم.

بمجردیکه پشت میز نشستیم و
فرمایش نان دادیم، یکی از آن‌ها
رخداد که در غیر آن اکنون من زنده
نمی‌بودم. لباس گلابی رنگم بکلی
از باران تر شده بود و نزدیک کولر
نشسته بودم که باد سرد می‌فرستاد
از پیش خدمت خواستم که اگر ممکن
باشد جای ما را تغییر بدهد «بلی می
شود» این را گفته و ما را ۱۵ فوت
آنطرف تر نزدیک کلکین نشانید.

موتر وان چاقی به میز نزدیک ما
که خالی بود نشست. ۱۵ دقیقه بعد
این بیچاره جهان راو داغ گفته
بود.

نان را فرمایش دادیم و پیشش
خدمت در آشپزخانه گم شد.

ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه چاشت بود
ولی بیرون مانند شب معلوم میشد،
نه تاریک از ابر بلکه مانند شب‌های
توفانی، کمی ترسیدم با هوای بد
چندین بار بر خورده بودم و لسی
اینبار چیز دیگری بود.

بسیاری از مهمانان به سوی
کلکین‌ها هجوم برده بودند تا توفان
را تماشا کنند، مانیز به آنها
پیوستیم. باد که بیرون به شدت می
وزید اکنون باران را به صورت افقی
مانند ورق کاغذ می‌راند، ترسم
بیشتر شد و بسوی میز باز گشتم
به سلن گفتم: «چنین منظره‌ای را
دیده نمی‌توانم».

و او نزدیک کلین
درحالیکه چهره‌اش راسخت به
شیشه‌ی آن چسپانده بود. ایستاد.
فرد بیرون رفته بود تا ببیند که آیا
شیشه‌های موتر را بالا کرده‌است
یانی. بعد تر، برایم گفت که او می
دید که چگونه تانک ۵۵ گیلنه دیزل
روی سرک کشیده می‌شد.

لحظه‌ای بعد فشار سنگینی بر
بدنه‌ی موتر ما وارد شد، ناگهان
دروازه باز شد. فرد و مرد دیگر هر
قدر سعی کردند که دروازه را بسته
کنند فورشان نرسید.

در داخل اتاق زن دیگری نیز تنها
پشت میزی نشسته بود چشمان ما
بهم تلاقی نمود و این کلمات «این
رانی خواهم» از دهانش بیرون شد.
ولی هنوز آغاز کار بود.

باد در بیرون ناله می کشید و ناگهان صدای قویتر از آن رویم را بطرف سقف کشاند، آنجا چیز وحشتناکی دیدم.

سقف رستو ران شکاف برداشته بود و لحظه به لحظه ستون ها از هم دور می شدند و بعد ابر تیره ی گردباد در حالیکه با نیرو مندی چرخ می خورد، به صورت مستقیم بالای سرم قرار داشت، بعد تر فهمیدم که سرعت آن ۳۰۰ تا ۵۰۰ میل در ساعت بود. با م لحظه ای بعد مانند چتری بهوا پریه.

در همان لحظه باد به هر سوی نمیر فشار وارد می کرد. در دروازه فرد بعد ها گفت که مانند اینکه با ریل سریعی بر خورد کرده باشم باد وزید، خود را روی کف اتاق یافت. صدای زو زوه باد گوش هایم را خراشید. تمام جانم زیر باران سنگریزه بشدت درد میکرد. بعدتر، فهمیدم که گرد باد بعضی از ساختمان ها را بباخک یکسان نموده بود.

نزدیکم، زنی را دیدم که بیشتر راجع به او حرف زدم، اکنون او را در آغوش خود چسپیده بهم دیگر یافتم. فریاد او از صدای باد هم بلند تر شد «خواهیم مرد، خواهیم مرد، خواهیم مرد» او را تسلی می دادم و لی گفتم که همه چیز درست خواهد شد و بزودی نجات خواهیم یافت.

در حالیکه از ترس حادثه خشک شده بودم فکر کردم که زن در آغوشم دخترم سللی است. پیاد دارم که چندین بار نا مش را گرفتم.

ولی سللن کجا بود؟ ممکن او در گوشه ای اتاق قرار داشته و از شیشه کلکین می نگرست، نا گهان وقتیکه دیوار ها از دو طرف شروع به غلتیدن پرونش نمود و او زیر یک ستون آن در گوشه ای اتاق نجات یافت مگر بعضی جا های بدنش خراشه برداشته بود.

و فرد؟ مردیکه با او در بستن دروازه ی موتر کمک میکرد نا گهان زیر ضربه ی فراز گرفت. فرد سعی کرد او را بگیرد و لی بزودی او را مانند پر گاه ی بهوا برد، در پشت فرد، یک تعداد دروازه های درون از جای هایشان جدا شده و روی هم کو بیده شد.

«گفتم «بیرون» و لی جاییکه برای نان خوردن داخل شدیم اکنون وجود نداشت. و به انبو هی از خاک و

سنگ بدل شده بود، با م بهوا پریه بود، دیوار ها و دروازه ها فروغلتیده بودند مانند اینکه بمب سنگینی هم جارا در هم کو بیده باشد.

صدای باد کر کننده بود، باران سنگریزه ها از هر طرف می بارید، با ران سیل آسا به پنا گاه ماراه یافته بود. و از شدت باد میز چیه شد.

و دفعتا مانند اینکه دستگاہ تلویزیو نی را سوچ کرده باشد، صدا ها خا خا موش شد و خا موشی سنگینی همه جا حکومت کرد.

صدای سالن خاموشی را شکستند «مادر! خوب هستی؟» به اطراف میز نگرستم و دیدم که از توده ی خاک می بر آید. دامن پاره پاره اش بکلی کثیف شده بود.

را یافتم ز نجیر آن را بستم و در حالیکه آن را زیر بغل داشتم برآمدم از کس دیگر اطلاع نداشتم، جز خانواده ام.

از تو فان بر آمدم، و لی خطر دیگر رو برویما قرار داشت.

در بیرون، تازانو در آب غرق شدیم. باران هنوز می بارید و لی کمی آرام شده بود. گاه گاهی بر قک آسمان را روشن میکرد. فرد سعی میکرد آهسته حرکت کنیم و بعدعلت آن را فهمیدم. پمپ های پترول از جای شان کنده شده و تانک ها دیزل چیه شده بودند. اگر بر قک به تانک ها تصادم میکرد آتش خیزی و انفجار ما را تا بود می کرد.

فرد که در این راه تجربه داشت راه درست نجات را می دانست



خانواده ی فرد بعد از حادثه وحشتناک تو فان گرد باد

بعد، ۲۰ ف ت دور تر، صدای فرد بر آمد «خدا را شکر که هم خوب هستید». لحظه پیش او روی توده خاک کشانده شده و اکنون به آهستگی سوی ما می آمد.

به صورت عجیب در آن لحظه احساس ترس نمودم، ممکن بخاطری بود که این حادثه مصیبت بار آنقدر سریع و غیر مترقبه بمیان آمده بود که فرصت ترس را برایم نداده بود زیرا این تو فان فقط در ظرف سی ثانیه ویرانی آ فریده بود.

بصورت فوری احساس خو فی نمودم. بعد از لحظه ای بکس کتابم

دویدیم. یک جسم سیاه ر وی زمین دراز کشیده بود، دست ها و پای هایش مانند گدی گدی به اطرافش افتاده بود.

پیهوش بود و به شدت از اش خون می ریخت، هنوز زنده بوده کمی دور تر مردی نیز پیهوش افتاده بود. او نیز به شدت زخمی بود، بعدتر دانستیم که آنها پدر و پسر بودند که از درون لاری ای به بیرون پزانده شده بودند، فرد به کمک مرد شتافت. لحظه ای بعد یک موتر سیاه از آنطرف جاده آمد، بچه ای به سن ۱۹ ساله با دختری از آن به بیرون خیز زده و بکمک آمدند. فرد برای شان گفت:

«ای بچه به شدت زخم برداشته است. باید او را به زود ترین وقت به شفا خانه برساند». فرد و مرد جوان بچه را به آ هستگی از زمین بلند نموده به چوکی عقب موتر خواباند.

به آ هستگی ناله می کرد. دختر جوان از دیدن خون ریزی بچه گگ رنگش پریه.

آنها موتر را بسوی شفاخانه پیتسفایلد که ۱۵ میل دورتر بود، رانندند.

موتر دیگری بد رون آمد و از بین آن یک مرد جوان که ریش و بروت داشت بیرون پریه و همراهش یک طفل ۱۵ ساله بود. پرسید «چه شده است؟»

«می توانیم کمک کنیم» آنها با دقت به فرد نگرست پر سید «خوب هستی؟» جواب داد «نمی دانم». در این لحظه جسد قربانیان دیگر را از تل خاک بیرون کردند. فرد، مرد جوان و بچه به کمک آنها شتافتند.

بعد کمک زیاد تر رسید. لحظه ای بعد مرد جوان از سوی ویرانه ها بر گشت و گفت:

«بهتر است شو هر ات را به شفا خانه ببریم. او بشدت زخم بر داشته است» برای اولین بار دانستم که فرد به شدت زخمی شده است. به او نگرستم.

پتلون طلایی رنگش پرا ز خون بود. ولی هنوز اصرار میکرد. «خوب هستم. مردم های دیگر نسبت بمن بیشتر به کمک نیاز دارند و شروع بقیه دو صفحه ۶۱

3

(بگو) این کوپروسیع که در جریان قریانها رگزشا هدرستن بوته ای جز خار در آغوش خود نبوده است حالا مرکز کار و تلاش است، به نوید آینده های روشن و وفور نعمت

همه چالپ است و خاک است و رنگ سبزی که
هر روز بیشتر دامن گسترده میسازد همه جا کار
است و کارگران شریفی که زمین خود برای
وفاء هموطنان خود زحمت میکشند همین است
که چشم انداز آینده بهتر را برای ما می گشاید
و مژده آینده روشن را بر فرزندان این آب و خاک
میدهد.

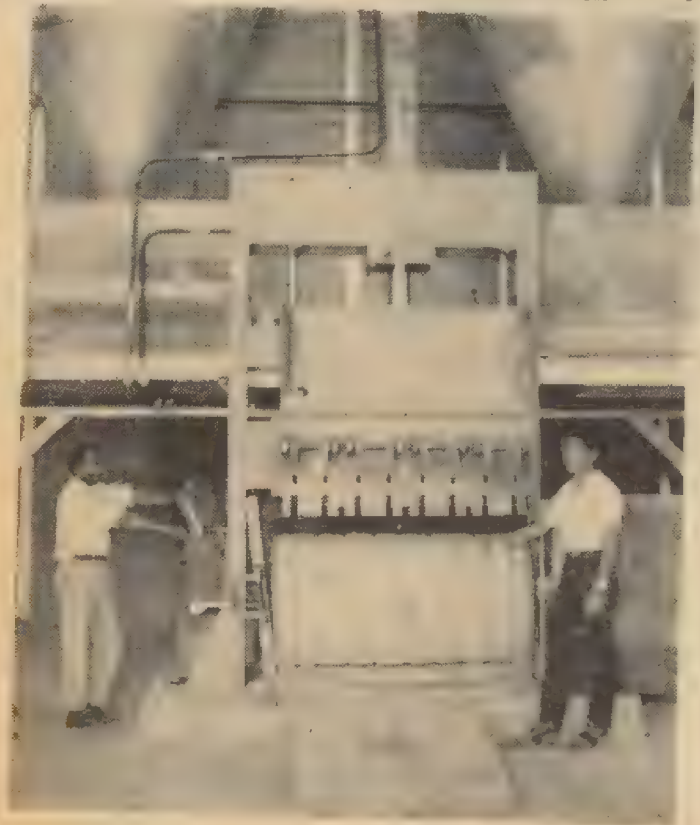
اکنون با استفاده از این ماده حیاتی نه تنها چرخ‌های نیرومند فابریکه‌های بزرگ نساجی کشور می‌چرخد، بلکه با تهیه و غنی‌بانی نیاز مردم مایشتن رفع میگردد و اسعار زیادی بفتح ماضیه میگردد.

این موسسه که در سال ۱۳۴۲ تأسیس گردیده است امروز گرداننده و نایب بزرگ هلالی و روغن سازی و دستگاههای گامی آن میباشد، خریداری پنبه دانه، دار جنوهری و آن به غرض تولید محلول استحصال روغن از پنبه دانه

17 ans

موسسه کمترین شکایت را نداشته اند. در سال ۱۳۵۲ که ریکارد جا صلات پنه

دوستگاه عدل بندی یخته



سفید و دشت های گسترده سبز



روشنایی در کارخانه نساجی به منظور تسهیل کار و افزایش بهره‌وری

در هلمند شکست و مقدار (۱۱۲۵۰) تن پنبه دانه دار بدست آمد مخلوط حا صله ازان که به (۳۴۸۴) تن بالغ می‌گردد درحدود (۱۶۴۸) تن آن به نساجی بگرامی تحویل داده شد و قرار است (۱۵۰۰) تن عنبریب و اتحاد شوروی صادر گردد .

— پرستی طرح میگرد و آن اینکه در صورتیکه فابریکه های داخلی بالاترین ساز را به پنبه مخلوط و پنبه دانه دارند چرا بجای استفاده از آن در این فابریکه ها بکود های خارجی صادر میگردد ؟

— جلب اسعار خارجی به منظور تحکیم زیر بنای قوی تر برای اقتصاد ملی ما برترین دلیل این اقدام است ، از آن گذشته در سال گذشته یعنی در چهره یان اولین سال استقرار نظام نو کشور همان طوریکه به بخش های عمده زیربنای اقتصاد توجه عمیق گردید برای تولید بیشتر پنبه نیز فعالیت متمرکز صورت گرفت تا جایکه میزان تولید از میزان ضرورت فابریکه های داخلی افزونی گرفت و البته

مازمه اساس طرح ها و برنامه های هم سطح تولید و هم حجم صادرات افزایش خواهد یافت .
— در مجموع در جریان گذشته میزان تولیدات نساجی کشور نسبت به نیاز است ؟

— ۹۲۰ تن روغن ۳۰ هزار تن کنجساره پنجاه هزار قالب صابون و یکصد و نود و چهار تن لنت در سال گذشته در این فابریکه تولید گردیده که به تناسب تولیدات سال ۱۳۵۱ تا سه صد فیصد افزایش یافته است .

— برای انکشاف بیشتر فابریکه و بلند کردن سطح تولیدات آن تا جایکه بتواند جوابگوی نیاز مندی های عمومی باشد چه طرح و پروژه های دارید و بکم کدام منابع آنرا تطبیق می‌کنید ؟

همین اکنون به توجه دولت جمهوری میزان حاصلات پنبه هلمند تاجای بلندرفته است که از میزان ظرفیت فابریکه بیشتر میباشد ، برای توسعه و انکشاف بیشتر فابریکه و بکار انداختن فابریکه های مشابه در سایر حصص این ولایت مطالعاتی روی دست است و برای تحویل پولی آن نیز اقداماتی صورت گرفته که در همین زمینه می‌تواند یک میلیون پوند استرلینگ دولت انگلستان نام ببرم که همین اکنون مطالبه چگونگی استفاده از این قرضه در وزارت معادن و صنایع دوا دارد .

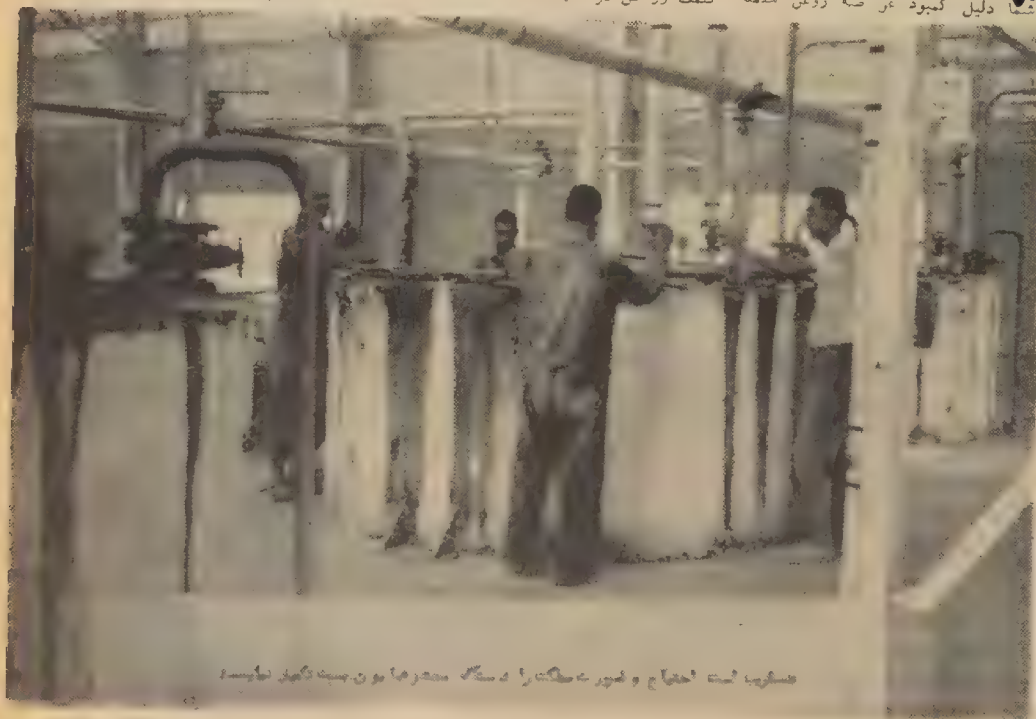
شماره ۳۳ و ۳۴

ساعتی به نساجی هلمند از جانب

روشنایی در کارخانه نساجی به منظور تسهیل کار و افزایش بهره‌وری

— من هم او را و مجله و بدو

تشریک میکنم



تشریک است احتیاج و تصویر دستگاه صنعتی به منظور تسهیل کار و افزایش بهره‌وری

معالجه امراض گوناگون تحت فشار عالی

اگر پنجاه هزار رگ های باریک وجود انسان را در پهلوی يك دیگر قرار بدهید ضخامت آنها به ۲ سانتی متر نخواهد رسید

میکند . آنها مثل اینکه نفس عمیق می کشند ازین قسم نفس کشیدن عمیق ماسیکو لری میخانیزم بیوشیمی نفس کشیدن تشکیل میشود .

شما تنگنای پریچ و خم ارگانیزم انسان را در نزد خود مجسم سازید خون باید به هر یکی از صدها قریب یلیون حجرات ارگانیزم برسد . فقط از طریق رگ های باریک خون پیر یکی از حجرات می رسد . آنها باندازه باریک است که تعجب کننده است . پنجاه هزار رگ های باریک اگر در پهلوی يك دیگر قرار بگیرد ضخامت آنها به ۲۵ سانتی متر نمی رسد .

کرویات سرخ خون که هیموگلوبین را انتقال میدهند در رگ های باریک در يك قطار قرار میگیرند ، غیر ازین این سیستم مغلق و باریک در تمام نقاط از شکست تضمین نمی نماید . مرکز تنفس نورمال نیست و کدام چیزی خالیگاه های شش ضرر رسانده کدام تألیفی با قلب و شرائین وارد گردیده است . درین شرایط حرکت او کسیچین قطع می گردد عضلات به کمی او کسیچین دچار گردیده و این موضوع سبب بروز امراض گوناگون می گردد .

این قسم نقاط باریک بسیار زیاد است مگر وظیفه اصلی در آنست که بدون هیمو گلوبین چیزی باید کرد . لازم است برای انتقال او کسیچین از پلازمای خون استفاده کرد . مفکوره بمیان آمد که جریان بیوشیمی تنفس را بجریان فزیکتی تبدیل کرد بصورت مجبوری پلازما را از او کسیچین باید مشبوع کرد . این يك عمل امکان پذیر است . این عمل در صورتی ممکن می باشد که پانسان امکانات تنفس را نه از هوای عادی بلکه از او کسیچین تحت فشار آماده سازند . در يك اتمو سفیر علاوگی در پلازما

صدهای ناهنجاری در گوش ها . تأثیر می کند . فشار آهسته آهسته پائین می آید البته شخص مریض در محفظه فشار برای مدت زیادتری باقی می ماند . فشار را بصورت بطی بالا می برند . در اتمو سفیر او کسیچین آن نه کم تر از يك ساعت تنفس می نمایند همچنان بصورت بطی و بسیار بار احتیاط از دواتمو سفیر به فشار نورمال می گذرند تماماً این فعالیت ها قدری زیادتر از يك ونیم ساعت ادامه پیدا میکند . بعد از آن رئیس مرکز محفظه فشار پروفیسور سرگی نا وویچ یفونی چنین گفت : دماغ از او کسیچین پر بسره شده است فعلاً می توان راجع به نقاط مهم علمی طب و انجینیر سخن زد .

تجسس فوق جراحی

قصه خویش را سرگی نا وویچ یفونی از حقایق اکادمیکی شروع کرد . علل و بروز يك عده امراض گوناگون و اوضاع غیر عادی و طبیعی مربوط به نرسیدن مود کفایت نکردن او کسیچین در عضلات و حجرات میباشد . او کسیچین از طریق دیوار های بسیار نازک حباب های شش ها بخون نفوذ می نماید . درینجا مالیکو لهای هیمو گلوبین آهسته مالیکو لهای او کسیچین را گرفته و او کساید هیمو گلوبین بوجود می آورد در تشکیل مالیکو لهای این مواد آهسته موجود است . در اثر موجودیت آهسته درینجا عکس العمل بوجود آمدن او کسی هیمو گلوبین صورت می گیرد آهسته در خون يك انسان کلان سن موجود است برای تهیه يك میخ پنج سانتی متری کفایت میکند .

هیمو گلوبین که دارای باربر ارزش کم شکن او کسیچین میباشد با جریان خون از شش ها به عضلاتیکه به فقدان او کسیچین دچار میباشد تقریب

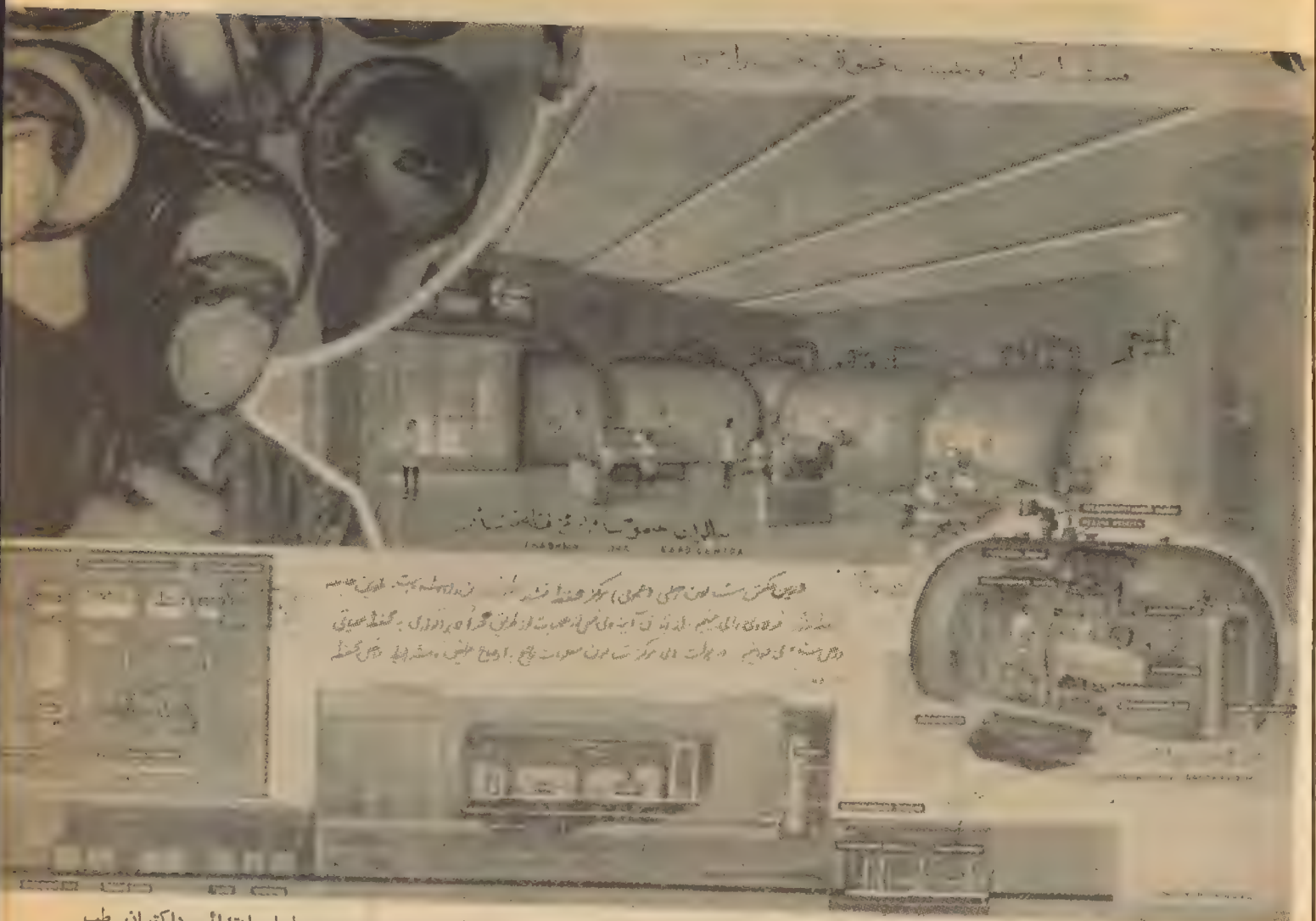
بالاست . یکی از پرسوئل خدمتی در عمق آن می نشیند محفظه بصورت نفوذ ناپذیر بوده مسدود میگردد در بالای سر يك گنبد شفاف پلاستیکی به نظر می خورد . در بین محفظه به هر شکل دل خواه قرار گرفته می تواند در پیشروی چشمان من ترتیبات لادو سبیکر قرار گرفته است . این آواز شنیده میشود بطور مناسب قرار گرفته اید؟ آیا شروع کرده می توانیم . بلی شروع کنید . يك چیزی بصدا در آمد مثل اینکه بادپکه فعال شده باشد . حسن می گتم که در گوش ها چه قسم فشار تأثیر می کند مثل اینکه در طیاره قرار گرفته باشیم . شاید قائلید فشار هنوز هم زیادتر باشد ، زیرا درینجا تغییر فشار تا چندین حصه يك اتمو سفیر می رسد .

برای من مودل عادی در فعال ساختن این نه برای اینکه من دل تنگ نشوم بلکه برای مقاصد دیگر ضروری بوده این عبارت از کنترل دواتمو سفیر صدایده است که آوا فشار به پرده های میمیان گوش کدام ضروری وارد میکند و یا خیر از طریق پلاستیك شفاف من چهره های خندان داکتران و لابرات هارا می بینم . با گذشت زمان بصورت دوام دار راجع به احوال من ذریعه تلیفون یکدیگر را مطلع می ساختند .

من خود را بسیار خوب حس می کنم . فعلاً در بالای گوش های من چیزی تأثیر نمی کند ، پاسانی نفس می کشم ، هوای داخل محفظه بسیار تازه و خوشگوار است . من صدای لابرات را می شنوم ، به پایان آوردن فشار می گذریم ، وضع شما چطور است؟ بسیار خوب به پایان آوردن فشار شروع کنید درین اثنا

علاقه روز نامه نگاران بآن اشخاص صیكه تحت فشار ذریعه او کسیچین معالجه گردیده بودند بسیار زیاد بود یا مردمان آنهایی گپی می زدند که بعد از بودن چندین مرتبه در محفظه (اتاق) فشار سنج در پیش چشم شان علاج یافته بودند . آنها برای مدت مدیدی از درد های قلبی تکلیف دهنده نجات یافتند . انستیتوت تحقیقاتی و عملیات خانه کلیکی هنوز تعمیر شفا خانه را تکمیل نکرده بود که در یکی از طبقه های عمارت مریضان را قبول کرده بودند در يك اتاق نه بسیار بزرگ محفظه فشار سنج که دارای بدنه فلزی و دستگاه های عصری الکترونی می باشد جابجا شده است . یکی از آلات مدرن و عصری رژیم فعالیت ماشین را ثبت میکند و آلات الکترونی عصری دیگر وضع مریض را تشخیص می نماید . درینجا آنها تعداد نبضان ، فشار و درجه حرارت وجود مریض را تعیین می نمایند .

بمن (نویسنده) راجع به رموز وسایط الکترونی سخن می زدند مگر در نزد من يك مفکوره وجود داشت و آن عبارت از ساختن محفظه فشار بود . پرسوئل خدمت کننده قبل از همه چندین سوال چیران کننده کردند آیا ارزش بوجود نمی آید؟ آیا قوش های ما پدید نمی آید؟ آیا کدام وقتی آب بازی کرده اید؟ بسیار و خوب اینك برای شما پیراهن ، کلاه و غیره ، شما تمام کالای خود را باید تبدیل کنید . تماماً اشیاء فلزی از قبیل حلقه انگشتری ، ساعت و زیورات را از خود دور کنید . موگان مسن (یکی از خدعه های دستگاه) رنگ شده است آیا کدام نقصی ندارد؟ جواب می شنود که پروا ندارد . سر پوش فوقانی محفظه فشار قدری



درین بخش من جمعی (عربی) کراخته شده است. در این بخش من جمعی (عربی) کراخته شده است. در این بخش من جمعی (عربی) کراخته شده است.

در مراحل ابتدائی داکتران طب با واسطه و ترتیبات محفظه های شناوران زیر دریائی و یا محفظه های که برای مشق و تمرین کار گران اعمار کنند و تونل ها و پل ها استفاده می گردید سرو کار داشتند البته تهیه کر دن محفظه مناسب و نورمال بسیار مشکل بود. اینک يك شفاخانه مكمال با این قسم وسایط مخصوص مجهز می گردد این کلینیک یکی از جمله بزرگترین و مشهور ترین کلینیک های جهان خواهد بود ساختن ختمان ها و طرح های موجوده البته به خط السیر طولانی حراکت نکرده و حل تخنیکي را از گذشته به آینده نیاورده است درین باره از تجارب و شناوران کادر زیر دریائی و از تجارب و تحقیقات طرح و بی ریزی سیستم های تامین کننده حیاتی برای فضا نوردان و هوا نوردان استفاده گردیده است. دور نمای شفا خانه به نظر اول تماما درین جامانند يك شعبه عادی بقیه در ص ۵۶ صفحه ۱۹

بود بكمك این ترتیبات هوا دهند ساده می توانست فشار هوا را در داخل محفظ فشار کم و یا زیاد بسازد. بعد از آن اختراعی بمیان آمد که نه فقط میتود های جدید طبي را بمیان می آورد بلکه خود آنها از طرف داکتران مورد استعمال قرار گرفت درین وقت محفظه های صندوقی مخصوصی بوجود آمد که از آن تحت فشار بلند در ساختن تونل ها و پل ها استفاده می کردند. این محفظه صندوقی را در سال ۱۸۵۱ (تزیگر) ساخت. در سال ۱۸۶۹ در پطر بورگس لیننگراد موجوده اتحاد شوروی ترتیبات مخصوص برای تدای در شرایط فشار زیاد بوجود آمد. ترتیبات مخصوص صراجه مبداء که تا اندازه يك برسوم و یا يك بر چهارم اتمو سفیر در محفظه داخل کرد.

تا ۳۴ گاز و دو ۲ - اتمو سفیر پلازما محلول شده تبدیل گردیده و اوکسیجن در یای حیات را به صورت قوی و صحیح می سازند. از بشكه به محفظه فشار مفهوم میتود جدید بسیار ساده به نظر می خورد. مگر برای درك حقیقت و حاصل کردن اطمینان متخصصین صد ها تحقیقات و آزمایشات را در کشور های مختلف جهان انجام دادند. تاریخچه این تجسسالات سر گذشت خود را از حادثاتی که در قرن هفدهم عیسوی صورت گرفته و بنام قضیه بشكه) مسما است شروع می نماید. هنوز در سال ۱۶۶۲ عیسوی داکتر انگلیسی هیلنشو بزرگ بود تدای کند. درین محفظه های فشار چوبی ترتیبات هوادهنده مخصوص (دم هائیکه از آن برای سفید کردن ظروف مس گر ها استفاده می نمایند) و سر پوش های ارغوانی (يك قسم چوب است) وصل شده

تا ۳۴ گاز و دو ۲ - اتمو سفیر پلازما محلول شده تبدیل گردیده و اوکسیجن در یای حیات را به صورت قوی و صحیح می سازند. از بشكه به محفظه فشار مفهوم میتود جدید بسیار ساده به نظر می خورد. مگر برای درك حقیقت و حاصل کردن اطمینان متخصصین صد ها تحقیقات و آزمایشات را در کشور های مختلف جهان انجام دادند. تاریخچه این تجسسالات سر گذشت خود را از حادثاتی که در قرن هفدهم عیسوی صورت گرفته و بنام قضیه بشكه) مسما است شروع می نماید. هنوز در سال ۱۶۶۲ عیسوی داکتر انگلیسی هیلنشو بزرگ بود تدای کند. درین محفظه های فشار چوبی ترتیبات هوادهنده مخصوص (دم هائیکه از آن برای سفید کردن ظروف مس گر ها استفاده می نمایند) و سر پوش های ارغوانی (يك قسم چوب است) وصل شده

از: م. ت. آبریک

ترجمه: ح. ح. یلدم

علیشیر نوایی

تألیفات داستانی

بزرگان آورد، همانطور در گرداب سحرآمیز افکار فرو رفته بود و فطرت هنگامیکه بخاطر استراحت و علوفه دادن به اسبها دویکی از رباطها فرو برد آمدند نشاط و مسرت خود را باز یافت موقی که با همسفران در یک حلقه نشست، از بی راه ها و خرابی کاروانسرا ها زبان بشکایت کشود و دوزخ را ضرورت ترمیم راهها و اعمار رباطهای جدید علاقمندی خود را بیان داشت پس از صرف غذا، حل برخی از معماهای خود و شاعران دیگر را بخاطر سرگرمی در معرض آزمایش هوش گذاشت و از حاضرین خواست تا اسمای نهفته در آنها را استخراج کنند، ساعتی هم بشوخی و مطایبه گذشت.

همینکه نوایی در هرات پا گذاشت، این خبر که او حامل فرمان مخصوصی از سلطان میباشد به سرعت برق در سر اسر شهر پیچید، همه منتظر شنیدن آن بودند گرچه طاهر آقا فاضل هرات مانند پیش آرام بود و همگان سرگرم کار و زندگی خویش بنظر میرسیدند اما چشم و ستیز کسبه پیشه و ران و دهقانان هنوز کاملاً فروکش نکرده بودند و هر لحظه زمینه آن وجود داشت تا طوفان بار دیگر بشدت و دهمشت و قاطعیتی بیشتر از پیش ربمقیاسی و سمیتر آغاز گردد.

شاعر در (دیوان) فرود آمد و بلا درنگ مالیاتی را که توسط خواجه عبدالله و برخی دیگر از عاملان برای تحمیل شده بود لغو کرد. تمام عملی را که درین قضیه مسئولیت داشتند، از عهده های شان بر طرف ساخت سپس بقبول عرایض اهالی پیوندا که بخاطر دادخواهی در جلو دروازه گرد آمده بودند، پرداخت، شکایت هر یک از عارضین، چه پیر و چه جوان، چه مرد و چه زن را بهر قیمتی که منسوب بودند، با ثبات و متانت شنید، از حال و زندگی عارضان جویند به تسلیت و دل داری شان پرداخت و دعاوی شان را حل و فصل نمود داد خواهانی که با چشمان گریخته و زرد شاعر آمده بودند پالان پرازیسم و عارضان خمیده قندی که بهوی شکایت برده بودند، با قاطعیتی استوار و روحی سرشار از نیروی عدالت از حضور وی خارج گردیدند.

خبر بازگشت نوایی به هرات و انتصاب او به ریاست دولت چون حادثه مهمی در سر شهر انعکاس میکند اهالی خراسان این تقرر را با قبال نیک میگیرند و چشم امید به سوی او میوزند.

روزی بمذاق آنکه نوایی در دیوان حضور مییابد حسین با یقرا او را نزد خود فرا خوانده، نظرش را در باره میرزا یادگار - یکی از شهبزادگان تیموری خواستار میشود، اما هنوز دیری نگذشته، شهبزاده مذکور علم بغاوت بلند میکند و بعد از اشغال جرجان، در صدد تسخیر خراسان بر می آید.

حسین با یقرا با سپاهی بزرگ بروی هجوم میبرد و به عزیمت و ادواش میسازد. در همین آوان خبر میرسد که مردم هرات از رویه خشن و تطاول عاملان پستوه آمده علیه آنان شوریده اند و اضطراب و نااطمینانی در آنجا حاکم است. مصاحبان، سلطان را تشویق میکنند تا این غایله را به ضرب شمشیر فرو نشاند، اما نوایی برای او مدلل میسازد که در این حادثه، حق بجانب اهالی است و این عاملان اندک آنرا برای رانگیخته اند، در آن باید این گره با انگشت گشوده شود، نه با شمشیر.

حسین با یقرا نظر نوایی را می پذیرد و خود شرا برای حل این معضله موظف میسازد.

همراهانی درباره زبان، عرف و عادات و طرز معیشت آنها صحبت کرد. در طول راه، سنگ بزرگی که در کنار آب قرار داشت، توجه او را به خود جلب کرد و اثر نوعی تصویر روی آن احساس نموده از اسب فرود آمد سرا پای سنگ را دقیقاً بررسی کرد. تصویر نمایشگر مرد جنگی مسلح بود که گذشت زمان روی آنرا سائیده بود.

همراهان را گرد آورده، نظر خود را در این باره بحث و این احتمال این تصویر از بقایای دوره اسکندر (ذوالقرنین) است توضیح داد و با ارتباط به این موضوع در اطراف اهمیت آثار و آبدیه های تاریخی حرف زد. مشاهده این سنگ طوفانی از افکار گوناگون پیرامون جریان بادی و انقطاع ناپذیر زمان و عمر کوتاه انسان که نسبت به این ابدیت شباهت به درخشش گذری برق سبکسیر دارد و همچنان پیرامون مفهوم و اسرار زندگی برانگیخته بود.

شاعر از آفتابا چشمان مشحون از نوعی علایم آلوده حرکت کرد مدتی بدون آنکه حرفی

میگرفت و چاهه هایی میسرود. کوههای که در فواصل دوردست از عقب می آبی رنگ جلوه پیرایی داشتند، چنگلزار هایی که از مسافت زیاد چون سایه انبوهی بنظر میرسیدند با دهای ببقاری که گویی از شدت سوزش پای در حرارت گدازنده ریگستانها هر سو میدویدند، آبهای زلالی در سنگلاخها از میان سنگریزه ها، آرام و جوشان بیرون میشدند، نظیر اینها تمام چیزهای دیگر قلب و روح شاعر را بر می انگیزت و او در تمام این چیزها نیروی بس عظیم و آهنکی زیبا با عظمت احساس میکرد. نوایی به مزمارع میوز و خرم، با عستانهای پراز میزه مناطق معمور بدقت چشم دوخت، به گله های مواشی که روی تپه ها مشغول چرا بودند، به بزهایی که جست و خیز زبان از فراز مستیخ های مهیب میگذشت و از بالای سنگها برای خود علف میجستند، به غبطه و حسرت نگاه کرد.

چادرهای قبایل کوچی و... و خصوصیت های زندگی صحرا را دقیقانه از نظر گذرانید، با

نوایی به آرامی به چادر خود برگشت، چپن خود را بدر آورد تا کمی استراحت کند در آن لحظه با تمام هستی خود در هرات بود، اندیشه ها و نقش های گوناگونی بر مغزش هجوم می آورد. ملازم از دیک عمو می که برای همگان طبع شده بود، طعام آورد. شاعر اندکی گوشت تناول کرده، کاسه را از نظرفتر گذاشت و بجای شربت، کاسه ای دوغ سرد خواست بعد از آنه های شطرنج را که روی قاین کلگون پراکنده بود، گرد آورد و خواست یکی از استادان شطرنج باز و از چادرهای مجاور طلب کند، اما بزودی ازین تصمیم منصرف شد و ترسید که بمبادا بر سبیل عادت به بازی سرگرم شود و در نتیجه، سفر به تعویق افتد...

او را قاجلدار رنگین و سفید گونه ای را که

دولای کتابهای چیده شده بربک کرسی نسبتاً پست گذاشته شده بود گرد آورد و مرتب ساخت و آنها را در لای قوطی عاج کوچکی که در او دروش با نقوش برجسته تزئین گردیده بود گذاشت. اینها چاهه ها، معماها و وچستانهایی بودند که در طول سفران یاد گردیده، اما هنوز (پاکتویس) نشده بودند.

و سایل سفر آماده شد شاعر متن فرمان سلطان را از نظر گذرانید، مضمون آن طرف قناعتش واقع شد سپس آنرا لوله نموده رویش را مبرگرد و بگوشه ای از دستار خود خلانید ملازمان اسب گیمت سبکسیر و قوی بیکر او را پیشرویش آوردند. سایر همسفران نیز که میبایستی یکجا با شاعر حرکت کنند، آماده شدند. در بین آنها باباعلی چاکر صادق و وفادار شاعر که جوانی موزون قد، خردمند و مصلح بود نیز به نظر میرسد همیشه شاعر و وی دوستش (ابریشمین) زین قرار گرفت، اسب تکان موزونی به سر خود داده گام برداشت، از عقب نوایی عدای از ملازمان دربار و صاحبان مناسب براه افتادند.

شاعر، اسب سواری، تماشای مناظر دشتیهای گسترده و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی دوی اسب در حال سفر الهام

بشتابند و باشکوه و دیده وارد شهر گردد.
اما چنین بنظر میرسد که پایتخت از بازگشت
او هیچگونه اطلاعی ندارد. هرات پسردی گراییده
و ششواهی خرد را دوست داده است. رنگ از رخ
حسین بایقرا پرید. شایعانی در بین قشون
پخش گردید. «آنایک» برای کشف حقایق
گسیل شده بودند. مایوسانه برگشتند و اطلاع
دادند که راه پایتخت مسدود است و بیگهای
قلعه به چانداری از میرزا یادگار برخاسته اند
هیجان و سراسیمگی باز دیگر بر قشون مستولی
گردید.

نوایی به چادر سلطان وارد شد و کوشید تا
روحه سلطان محزون را که رنگ از روی باخته
بود تویه کند.

حسین بایقرا سرخود را بآورد و تانر تکان
داده گفت:

این چه خیانت است! این موجود
ناسیاس و بی وفا، بروی من دروازه حصار را
بسته اند!

نوایی با اعتماد و اطمینان گفت
بقیه در صفحه ۵۷

هرات بغالیت آغاز کرده بودند.

حسین بایقرا در تشویش و نگرانی بسر
میرد همینکه نوایی مشوره داد تا بسرعت ممکن
به هرات برگردند و با جمع آوری نیروی جدید
تمام دسایس و فعالیت های دشمنان را نقش
برآب سازند. بلا درنگ با قشون خویش راه
پایتخت را در پیش گرفت.

وقایع بسرعت برق آبی هم روی دادند.
حسین بایقرا شب و روز راه در نورید و بفاصله
۳-۲ منزل از هرات توقف کرد. «بر طبق معمول
انتظار داشت تا یزدگان هرات با مستقبانفس

در خانقاه مسجد جامع بزرگ هرات،
در ایوانهای پراز نقش و نگار آن که پر پایه
های مسطری استوار بود، دو صحن عمارت و وسیع
آن بر فراز مناره ها و روی بام قطار حجره هایی
که سه طرف جمعیت را احاطه کرده بود توده
های مردم موج میزدند.

شاعر با متانت و گامهای شمرده بر منبر رفت
ناگهان تمام جمعیت بیاستاده شد کوچکترین
صدایی هم بگوش نمیرسید تمام چشم ها آکنده
از شور و هیجان یک نقطه دوخته شده بود.

نوایی از فراز منبر با احساس صمیمانه و نوعی
هیجان پسوی توده بزرگ مردمی که خشک
در چارزده بردن نگاه میزدند، آنگند، چنین
بنظر میرسید که شاعر ضمن این نگاه بادرک
عمیق که خاصه روی بود، به ژرفترین زوایای درد
آلام و نیاز مندهای مردم پی برده است. تحت
تأثیر احساساتی که در اعماق قلبش بیدار شده
بود نفسی عمیق کشید فرمان را کشود و در دستان
خود که لرزش خفیفش احساس نمیشد، آنرا
گرفته، بی آنکه بر خود فشار آورد، به صدای بلند
تراز معمول، توأم با آرامش و وقار قرائت کرد.

غریب صلابتی از مردم برخاست آنها را وچ
شور و هیجان، افکار و احساسات سرکوب شده
خویش را برآز میداشتند و صدای (ای عدالت)
(انصاف الله) (غفرین بر مستمگران) و (آفرین از هر
طرف طین انداز گردید.

مضمون فرمان از دهانی به دهانی گذشت
و در یک لحظه کوتاه حتی به (خانه نشینان) نیز
رسیده بود.

همینکه شاعران نطق موجز آتشین اما پر محتوا
و صمیمانه خود را به پایان رسانید، هزاران دست
و دستان زبر و آتومند دهقانان پنجه های نیلگون
رنگریزان، انگشتان باریک و استخوانی بافتدگان
و دیگر پیشه واران در هوا بلند شده صدای
خیر در حق نوایی از هر طرف طین انداز گردید
و در پشتگاههای شکوهمند مسجد جامع انعکاس
کرد.

مردم پادلهای پراز امید و نشاط در کوچه
ها سرازیر شدند شاعر که اعتقادش به مردم و
نیروی عدالت مستحکم تر شده بود و در ترازو همه
حرکت کرد و بعد از آنکه با علما و مدرسن بزرگ
شهر درباره احوال طالبان و وضعیت مدارس
صحبت کرد، بدون کوچکترین تشریفات، تنها
به دیوان برگشت. نام آئینه از عاملان را که بر
مردم بیدار و ستم روا داشته بودند روی ورق
نوشت و تصمیم گرفت تا هریک را متناسب به
جرم و جنایتی که مرتکب گردیده مجازات و
محکوم نماید.

تمام هرات در سایه عدالت شاعر میزیست.
نوایی در خلال یک هفته تمام امور مربوط را
به انجام رسانیده به بقرارگاه حسین بایقرا
برگشت.

میرزا یادگار پس از نخستین عزیمت یاز
هم نیروی زیادی جمع آورده، استرا را در اشغال
کرده بود برای یورش بر هرات آمادگی میگرفت.
گروهی از گماشتگان وی مخفیانه در اطراف



سپين گل سور گل شو

— ماورته په خواب کی وویل :

خدای زده پوښتنه می ونه کړه ، ما وویل چی چیرته کو م لیری خای ته بی استولی وی ، کنه سپین گل خو چیر ته شپه نه کوی .

مونږ په خپلوکی سره دا خبری کو لی چی لور می (گل خانکه) زمونږ په خبروکی سره را گډه شو ، او خپلی مودته یی کړل .

— آدی ! لا لا خو چیرته شپه نه کوله

چی دا څنگه پری شپه شوی ده ؟ ته لاره شه ، د خان کور ته او له بی بی پوښتنه وکړه ، چی دی خان چیری لیری دی ؟

اوس نویا چوپ شو ، او بسوی مایته یی چی مغلخ ورته ناسته وه ، او یو زوړ تور زړوکی یی پر سر و ، دا زړوکی نو داسی سوری سوری و ، چی د پوی د سر سپین وپښته تری له ورايه خلیلد ماته یی مخ را واپاوه اوواته یی کړل :

— زویه ! گل خانگی چی دا خبره وکړه نو زه سملاسی له خپله خایه پاخیلم اوځان کړه وردهی شوم .

د خان کور ته چی ور ننوتم ، نو زویه څه به درته وایم — بدی ورخی نه دی وینم چی یی بی (بی بی دی نه شی) ، له ورايه را باندی بوکي ، او راته یی وویل :

— مریی ! داڅو ور څی چیری وی ، لکه چی په کور کی مو بیا ارگانه را پیدا شویده ؟

تاسی خلک چی څه مایه گډی پیدا کړی نو بیا هرڅه درنه هیو شی ، اوچی ولېره در باندی زور وکی ، نو بیا مو مونږ په یاد شو !

ما ورته په ډیره عاجزی وویل :

— بی بی جانی ! نه داسی نده ، مونږ خوستا سو لمنی ته پراته یو ، تاسو کله هیرو لای شو ، خو ورکه غریبی کړی ، پدی ووخو کی دلو لور وخت دی ، سپین گل مود مری لوکوی ، زه پلار یی او گل خانکه پس وپی ټولوو ،

نوخکه دلته راتلی نشوم ، ښه نو بی بی گلی پوښتنه می کوله ، چی سپین گل خان پایا چیری استولی دی ؟ هماغه پروډ مازیگر چی تللی تر اوسه مالوم نه دی ؟

— بچی ! څه به درته وایم ، زه لا دځان بنغی سره په خبرو اخته وم ، چی خان دخپلی ینغی په بغارو ویني شو ، په بنغی یی چپه کړه :

بیادی څه شورو بگت جوړ کړی دی خوبه دی له وایستم .

بنغی ورته کړل :

— دا هر یمه راغلی دسپین گل پوښتنه کوی ، چی پروډ خان چیری استولی

خو ... یوه شپیه چوپ پاته شو خوما ژر بیا تری پوښتنه وکړه .

— ښه نو بابا ! سپین گل څه شو ؟

— بچی ! په کور شول کی یو ملا پسر هماغه ساعت سپین گل ستری ستوهانه د شولو له اخیستی څخه راغللی و ، زه

دی او مو د یسی دری سره دگور په غولی کی په کمپ کی څنگ په څنگ ناست وو ، گل خانکه لگیا وه سپین گل ته یی جای پغا وه ، چی پدی کی دځان کشری زوی راغی ، او ښغ یی کړ :

— سپین گل ! وسپین گل !

سپین گل ! ژوله کته هسک شو ، اوچی وپاندی ورغی ، نو د خان زوی ور ته کړل :

— د پلار می د دسره کار دی ، چیری دی استوی .

بودالا خبری کولی ، چی ټوخی ودغی او د جوزا په هغه تودو ښه کی یی دو چی خلی د یو سینه بغل ناروغ په څیر وټوخل ، خراشکی ، ماشکی یی توی کړل او بیا یی شروع وکړه .

ځوانه څه به دی سر خون وم ، سپین گل چی هماغه مازیگر له کوره ووت .

ما ښام شو ، ماخوستن شو ، خودده هېڅ پته ونه لکیده ، شپه هم تیره شوه ، خو بیامدی مالوم نه و .

— ښه نو بابا ! ځان سپین گل چیرته

لیرلی و ؟

— ته خو گوره کنه ! سهار چی زه له جوماته کورته راغلم ، نو گل خانگی په نغری کی اوږبل کړی و ، او چا یغویښی یسی پرا ښی و ، خوږه لاناست له وم ، چی دی (خپلی میرمنی ته چی مغلخ ورته ناسته وه اشاره کړه) راته کړل :

— دسپین گل پلاره ! سپین گل چی

پروډ مازیگر تللی ، تراوسه مالوم نه دی

ن دادی له لونه هم پاتی شوو .

په چو مات کی پدی دځان له ناظره پوښتنه کړی وه ، چی دی ځان چیری

استونی دی ؟

گونجی مخ ، او دین دیلو نکي لاسونه ولیدل نو په مغزو کی می د پوښتنو توبان سر هسک کړ ، له ځانه سره می وویل : بابا خو د ډیر عمر سړی دی ، دایه نو مشران زامن ونه لری ، چی پدی ضعیف ځان

لو کوی ؟

کله می وویل : چی زه څه یی کوی ؟ خوبیا می طالت ونه شو ، زده می غوښتل تری پوښتنه وکړه ؟ بابا !

پوښتنه وکړه ؟

پوښتنه می کوله ؟

— آبیچه څه وایی ؟

زر ځله بچی ، څه پوښتنه کوی ؟

— بابا ! ته خود ډیر عمر یی ! مشران زامن نه لری ، چی ته لو کوی ؟ ته خو د لونه یی ؟

زما خبری لا خلاصی نه وی ، چی می دده وضعی ته کتل ، نو دوچولی او مخ گونجی یی زیاتیدی خو چرینه ورته څیر شوم ، دستر گو په کو نجو کی یی دنی او ښکی هم را پیدا شوی ، او ورو ورو یی دده په سپینه ډیره لای وکړی .

زه د بابا په دی وضعه هک اویان شوم اوپه زده کی می راوگرخیدل چی سپین ډیری یو درانه غم خپلی دغی .

ده سملاسی خپل ملاوستن له ملا پرانست او خپلی اوښکی یی پرپاکی کړی ، اوواته یی کړل :

— بچی ! ستا په شان می یو ځوان زوی درلود ، خو خدای را روزی نه که ، چی د گڼی وتی شو ، او ښایسته یی زه له دغو کړاوونو خلاص کړی وم ، چی خلک پر ظالمان شول او ...

بیای ستونی ډک شو . او سترگو یی او ښکی وکړی ، خودا ځل یی ژد خپله وضعه بیرته سمه کړه ، د غاړی تر تازه کولو وروسته یی راته کړل .

— بچی ! دری کاله دمنغه سپین گل ځوان شوی و ، او له ټولو چارو یی بی غمه

کړی وم ، د غنمو او شولو لویی راته کاوه په ژمی به یی له غره لرگی راډول ، چی د هغو له پلورلو به مو په منی گوزاره کیده

سهار لا لمرنه وختی چی له کوره ووتم او له کلی بهر د کورند خوا ته دهی شوم په کورند کی ولاړ غم پسرلی دوروستیو شپو دڅوړو وډمو په څپو کی یو خوا بل خوا را اوښتل .

په ځینو پخو غنمو کی لوگم شوی و ، او د لوگرو میرمنو د سبا ناری لپاره د شرو مبولو ښی په سرو ایښی وو ، او ډوډی یی په لاسونو کی نیو لسی وی ، ځینو له ډو ډی د خپلو وډو ماشومانو په شا پوری وی ، او مخ په کورندو دهی وی .

د پتوپوه منځ کی گرځینم چی له یوی خوا را باندی ښغ شو ! دځوانه ! راشه موږ سره سبا ناری وکه !

دده آواز په اوریدو سره می دلوکرونو لری وشلیده ، اوچی دابلی ځوانه می وکتل ، د غنودییو لوښی کورندی د یولی ترڅنگه یو بوداچی یوه زده او څیرنه څوله

یی پر سر وه ، او په یوه زده تړانگه یی خپله ملا تړلی وه ، او لور یی خپلی ځوانه ایښی و ، مغلخ یی ورته سپین سړی

میرمن ناسته وه . دواړو دشرمبو لوستی په منځ کی ایښی و ، او د لرگیو یوه کا چوغه یی پکی اچولی وه او دواړوپه وار سره له لوستی شرو مبی اخیستی

او ډوډی یی پر پوری کوله . زه هم راغلم ستری مشی می ورکړه ، دواړو په یوه آواز راته کړل : « عمر دی ډیر شه ! خبر یوسی !

راشه دلته گڼینه . د دواړو تر څنگه گڼینا ستلم . د دوی د خوشحالی لپاره می یو کپ ډوډی واخیسته پدی کی سپین ډیری راته وویل :

— ځوانه څنگه راهیښی شوی ؟ ما ووله وویل :

— بابا جان ! سهار چی لمخوبه راویش شوم ، زده می وغوښتل ، چی یوه شپه په پتو کی وگرځم او د لوسیل وکړم .

— سپین ډیری ، ښه ډیر ښه ، ډیر ښه ! ښایسته مېا ل چوپ ناست وو ، خوما چی د ده د باغوندی په شان سپینه ډیره کړه . په ملا ، لو یه لی غاښونه

دی ، او تر اوسه مالوم نه دی .

وژلي ...

زویه ! خان بیا سرله بالینه را هسک
گر، او په غضب بیراته کړل :

هغه خو پرون مادبرکلی په بزگرانو

پسی استولی و ، خو موږ لادکلی تر مسخه

دگنیو په کړونده کې ناست وو ، چې دی له

بزگرانو سره یو ځای بیرته راغی ، بیا نوموړی

پرڅېړنیدو ، چې دی چیرې ولاړ ؟

تاسو دخپل زوی له کړېدونده خبرته یاست ،

چې هغه څه کوی ؟

توله ورځ په مردانو پسی سروی ، بیا

پوری غاړه په کوم کلی کې سیل و ، دی په

همه تللی وی . هغه اوس نوی ځوان شوی ،

نژدېا خبر منی ، نه دېل چا ، رښتیا یی ویلی

چې «مصلی ځوان شویایی مخی ته مه ورځه» .

زویه ! ماچې دخان خبری واوریدی

سودای یوپه دوه شوه ، او ددوی ستوغه ،

سپوږمه می هېڅ پام ونه کړ ، زږ بیرته

کورته راغلم ، اوده تمی کړل :

سپیه ! خان خو ویلی چې برون می

سپین گل دېری کلا بزگرانو پسی استولی و ،

له هغوی سره یوځای بیرته راغی ، ته ورشه

په کلي کی لهچا پوښتنه وکړه ، چې دی بیاڅه

شو ؟ او چیرته لاړ ؟

زماله خبری سره دی اوچته له خپله ځایه

هسک شو ، اوکلی ته وووت .

زویه بلادی واخل ! چې دی وووت ، نوږه

په کپ کی هکه اریانه کښیناستم ، او په نږه

کمی سودا وه ، چې خدایه دازوی په می

چیری تللی وی ؟ په دی چورت کی دم ، چې

دی بیرته راغی ، نوله ورايه می پری

ږغ کړ :

سپیه ! لهچادی پوښتنه وکړه ، هغوی

خموویل ، چې سپین گل بیاچیرته ولاړ ؟؟

ده راته کړل :

له ټولو هغونه می چس - له خان سره

ناست وو پوښتنه وکړه ، هغوی ټولو وویل :

چې موږ له خان سره ناست وو ، چې دېری

کلا بزگران یی راوستل ، بیا مو ونه لیدل چې

دی چیری ولاړ ؟

زویه بلای دی په ماشه ! دواپه په

کپ اریان دربان کښیناستو ، پدی کی گل

خانگی چای واپری پپالی مولانه وی ډکې کړی

چه په کلي کی شوو زوږ پیداشو ، موږ دواپه ږغ

له ځایه پاڅیدو ، او کلي ته ووتو ، گل ځانکه

هم په موږ پسی راغله ، دکلی منځ څلانسه

وورسیدلی ، چې ډوډی زوی می پایک چی

غواپی پیوانی ته بولی و - په چغو سردی

اومخ په موږ راغلی و . سملاسی یی زما

غاړی ته ځان واچاوه ، له وار خطایی یی ځان

ریددی ، او زبون یی وهل شوی دی ، موږ

چې مرغه ورته وایوڅه خبرمه ، څه خبره ده ؟

دی ، موږگونا ، موږگونا کیږی ، خو دومره

یی وویل : چې لالا - لالامی - چا - چا - وژلی -

له دی خبری سره می یوه بی ترا چیغه کړه

اوپه ځای چه شوم ، بیا نو په ځان یوسه

شوی نه یم .

بودی ادی چی دا خبری وکړی ، نو په میڅی

خولی را ماتی شوی وی ، او ژباتی چوپښو ،

بیاسپین ټیږی بابا واته شروشو .

زوانه ! بابک چی دا خبره وکړه ، مورخو

یی بی سده شوه ، زه او گل ځانکه له نورو

کلیوالو سره په مننه مننه هغه ځای ته چې له

کلی کوژ ډولو دڅنگلو په منځ کی دی ، او پکښی

دخان یوه ژرنده هم ده ورغلو له ورايه مو

ولیدل چې سپین گل ځوانبرگ کی خښت بیشت

په کپ اچولی ، خلک اولوگری - چې په شاموخوا

ځمکو کی یی دشولو لوکاوه - نری ډاټول دی

ماچې دی ولید ، نو په کپ می یی ځان وغور

ځاوه ، خوری هم ځان پرغوژاو وکړ ، چیغی

می ووهلی - توبه ، توبه هغه ساعت هم خدای

که - (بیایی په سترگو کی اوښکی تاورانو

شوی) ، خو کلیوالو ښځو نرو موږ له می

جنگ کړو ، او می موکلی ته راووت ، دگور

گلن پیسی می نه در لودی ، اوله ځان نه می

دغاو په اعتبار خو پیسی په غوږیو واخیستی

اودکلی هلکان بازار ته په گلن او نوروشیانو

پسی لاړل ، داڅو لا پرېږده چې دکلی ملک

تړولود مسخه ، حکومت تللی ، او حکومتی

مامورین یی دسپین گل له وژل کیدو څخه

خبرکړی و . هلکان لاله بازاره نه ووراغلی چې

له حکومت ماموران راغلل ، طیبهم ورسره

وو .

طیب می مایانه (معاینه) کړه ، او موږنه

یی وویل : «چې می ښځ کړی» .

پدی کی هلکان هم له بازاره راغلل ، چنازه

تیاره شوه ، او می مو ښځ کړه . چس له

هدیری راوگرځیدو نو په جومات کی راته خلکو

دعاو کړه . کلیوال خپلو کوږوته لاړل ، او

دلیری ځایو هیلجانه لا ناست وو ، چس

مامورانو زما وغوښتم ، زموږ خان هم ورسره

ناست و ، پوښتنی یی راڅخه پیل کړی .

خوی دغه کار کاوه ؟ پرسونه چیری

تللی و ؟ لهچا سره پدی کړی ؟ اوس دی زوی

قاتل څوک دی او په چا دعوه کړی ؟؟

ماورته په خواپکی کړل : چې زوی می

لکه ماغوندی بیوزلی او مسکین سړی و ، شیه

اوورځ په خپلی خورای او مزدوری پسی

روانو ! پرون ماژیکر هماغه ساعت سپین -

گل خواو له اخیستی راغلی و ماسره یوځای

په کپ کی ناست و ، چې دخان بابا کشرزوی

راغی اودی یی له خانه سره بوت ، بیاسی

نوپه سترگو ونه لید ، ترڅوچه یی نن سهار

په می وړغلم ، لهچا سره پدی هم نه گرو ،

ځکه چې نمی پوله له پتی شته اونمی څه بل

څمچی له چاسره به موپری بدی راغللی وی !

دزوی قاتل هم نه پیژنم اوپه هیچا دعوه

هم نه لرم ، هر چاچی وژلی وی دخدای زود

ته می پرېږدم !! اوس به څه پدی سپینه ټیږه

خپله غاړه بندوم ، یوبل به ناڅه رېږوم .

زوانه ! مالاخبری کولی چی ځان سملاسی

زمونږ منځ ته راو دانگل ، او حکومتی

کسانو ته پدی کړل :

دی سپین ټیږی دی ، هماغه یی شهرومی

شوی دی ، له خپل زوی نه هېڅ خبر نه دی ،

چې هغه څه کارونه کول .

صاحب ! هغه سره له دی چی کاریگر

هلوک و ، خپله خورای او مزدوری یی کوله ،

مگر په بدو کارونو پسی هم مگرځیده ، چیرته

پهچی په دی اطراف کی سیل پیدا شو ، دی به

ورته روان و ، هلته په سیل کی یی سل نوردی

مردار خوری کولی ، چنگونه به یی جوړول .

له څو چنگونو څخه یی زهڅیر یم ، بروږ چی

دی مایه خپلو بزگرانو پسی ولېږه ، هغوی

یی راوستل ، دادی ټول کلی شاهان دی ،

(کلیوالو هم شاعدی وکړه) بیادی له سترگو

رپ سره والوت .

صاحب ! نن سهار چی خبر شوم چی

سپین گل چاؤلی دی ، سملاسی می ملک کاکا

راوغوښت ، او ورته می وویل : «چې ټول

شی ، حکومت ته هم خبر ورکړی ، او ورسره

دقتل د څرنګوالی تیوس هم وکړی » .

هغه و ، چې ملک کاکا تاسو ته هم خبردرکړ

او ورسره یی دقتل په هکله پوښتنی کړی

وی ، ملک کاکا چی بیرته راغی نو داته یی

کړل :

«چې بیګا شپه په پوږی غاړه کلی گسی

سیل و ، سپین گل هم تللی و ، هلته په سیل

کی یی دباؤگل له زامنو سره څه شوو کړی و .

چې له سیله را او ښتی وو ، نو په لاره کی

یی دغو هلکانو سره خبری کښته پورته کړی

چې په نتیجه کی یی سره وهل کړی و ، او دی

په چاکو لگیدلی و او می شوی دی ، بیاسی

ورته می په چرکی اچولی دی » .

زوانه ! ډیری خبری می درته وکړی :

موږ څوم اخیستی یو ، هرچاته خپل زړه

تشوو !

نه ، نه په پلاره ! ماته هېڅ تکلیف نشته .

اوڅو یی یم ستا ټولی خبری واوړم !

زوانه امامورانو بیا له ملکه پوښتنه وکړه :

ملک هم بیا دا خبری وکړی دکلی تواجی اوڅو

نوردخان ډوډی خودو پری شاعدی ووهله ، او

هغه خواران په دام کی کړو تل .

بېجه ادبازگل زامن نوداسی خواران دی چی

په کلی کی سیل وی هم نه ورځی نو هغه و ، چې

مامورانو هغوی راوغوښتل اودمعاینم په توره

څه یی دسپین گل دقاتلانو په توره حکومت ته

یوتلل زموږ خبره هم چانه اویدله ! ځان دسپین

گل وارن هغه خواران یی په حکومت کی سېل کړل

او څوڅو کاله یی پری قیدونه وڅېړول .

خوځوانه ! دخدای گړوته گوره چی خدای انا گل
په ځان کېږ کړه ، او ټولی خبری یی حکومت ته
ورسولی او . . .

ښه نو بابا انا گل مامورانو ته څه وویل :

زوانه ! پرېشیا چی حق نه ټیږی د هغوخوا

رانو - به چی دسپین گل په مرگ تورن وو ، خدای

حیرانو ته کتلی وی .

انا گل ته چی ټوله کیسه له سونه تر آخره

مالومه و ، چی سپین گل چاؤلی ؟ اوڅنگه وژل

شوی ؟ او بیا داخواران څنگه ناڅه په زندان کی

ولیدل نویو ورځ حکومت ته تللی و او هغه سړی

دسپین گل دمړگ پورځ کلی ته راغی د هغه یی

بیادکړی او ټوله کیسه یی ورته کړی ده انا چی

حقیقت ویلی و نو هماغه و چی بیا کلی ته نه راغی

اوبل چیری و ټیښتید .

ښه ښه پلاره انا گل مامورانو تمویلی و چی

سپین گل چاؤلی دی ؟

زوانه ! دا انا گل چی می یادکړه - خدای یی دی

د هر ټبرگی هر چیری چی وی خدای دی یی

خو نتحاله لری سادخان باغوان و .

اصله کیسه خوداسی وه چی زما لود گل خانگی

دخان په گورکی کارکاوه خو چی پیغله شوه نو په

سپین گل باندی دخان کوږته ددی تګوښه نه

لگیده یوه ورځ یی ماوخلی مورته کړل پلاره

د انجلی دی نسود دخان بابا کوږته نه څی

دخان خپل ځامن هم ځوانان دی او بله داچی په

کورکی یی نوکران مزدوران نورهم وځی داننوځی

نوددی پیغلی نجلی ووتک به ښه خبره نه وی .

بېجه ااماوموږی دده خبروته چندان پامونه

کړو ځکه چې موږ ځان او بی بی خپګان نشو منلی

خو خبر دی چی یوه شوچی موږ او پلار می د بی بی

اوخان خپګان ته گوری نو په خپله دخان کوږته

ورغلی و او بی بی ته یی دا خبری کړی وه .

خوڅه بهی سرخوږوم چی بی بی پدی راضی

کړی وه چی دی اوموږ به یی دخان په گورکی کار

کوی اونجلی به نوږ نورځی .

وروسته تردی موږ او زوی دخان کوږته دکار

لباره تلل اونجلی به کور وه .

زوانه ! دا زموږ سپین گل چی و - خدای دی و

بغښی - (بیایی سترگو اوښکی وکړی نه وژوږد

بی په بارځوګانی راتوی شوی ډیر سکه من

هلوک و ، اودخان دمشری لوږ پری سترګی خوری

شوی وی زموږ سپین گل هم پری پوهیده خو

مخه یی نه وړکوله ځکه هغه تخدای داسی چا

ورکړی وه چی دچا نمک به یی چی وڅوږ دهغه

ناموس به ورته که خپل ناموس بریښیده خو

وډی بی بی به ډیر کوبښ کاوه چی دی چیری

یوازی گیرکړی .

خودخدای «ج» گړوته گوره چی یوه ورځ له

ورځو نه سپین گل دخان په باغ کی یوازی خېشاده

کوله اودانجلی خوبی په گهښ کړه نوچی یوه

شوه چی سپین گل په باغ کی یوازی دی ژړدرباغ

ته ورغلی اودسپین گل ترڅنگه ناسته وه کومه

پاتی په ٦٠ مخ کی

در بزرگترین نبرد بوکس محمد علی

جورج فورمن کلی را باری در کنار
رینگ میخکوب کرد ولی موفقیت
از کلی بود



محمد علی کلی

سنگین وزن بوکس که بنا بر
قرن معروف شد دروند هشتم
جورج فورمن قهرمان جهان را نقش
بر زمین نمود و بعد از هفت سال
لقب قهرمانی سنگینی وزن دنیا را
حاصل نمود.



محمد علی کلی در مسابقه که برای
بدست آوردن لقب قهرمانی جهان
صبح روز ۸ عقرب در کینشاسا با
جورج فورمن انجام داد، بار دیگر
بمقام قهرمانی سنگین وزن بوکس
جهانی رسید.

حکمت مسابقه این دو مشت
زن سیاه پوست آمریکایی را یک
ریفری سیاه پوست دیگر آمریکایی
نموده داشت.

محمد علی کلی ۳۲ سال دارد و به
سال ۱۹۴۲ در لوئیز ویل، کناکی
آمریکا تولد گردیده است.

فورمن ۹۸ و ۲۷ کیلو گرام و کلی
۹۷ و ۹۷ کیلو گرام وزن دارند.

قد فورمن ۱۹۰ و ۴ سانتی متر
و قد کلی هم ۱۹۰ و ۴ سانتی متر و
عرض سینه های هر یک در
حالت عادی ۱۰۹ سانتی می
باشد.

کلی به پسرش: عزیزم من دروند ... غلبه خواهم شد.

سر انجام نبرد افسانه ای بوکس
روز چهارشنبه هشت عقرب در
کینشاسا صورت گرفت. در پایان
جدال که هشت روند بطول انجامید
بار دیگر افسانه مردی بنام محمد علی
کلی اوج گرفت و پیروزی حیرت
انگیز کلی و شکست فورمن بوکسر
حرفه ای جهان را به لرزه آورد.

مسابقه محمد علی کلی قهرمان
سنگین وزن بوکس جهان و جورج
فورمن موقعی صورت گرفت که جهان
به پیروزی فورمن می اندیشید. فتح
تاریخی کلی به پایان رسید و پسوند
تورید علی توانست فاتح رینگ و قهر
مان بوکس جهان شود.

شیوه که محمد علی کلی از آغاز

کلی و فورمن از معیار عادی آن
علی اثر تیب به ۱۱۵ و ۰۵ سانتی متر
متر و ۱۱۴ و ۰۸ سانتی متر تو سعه
میانت
محمد علی کلی بالاخره در مسابقه

فورمن ۲۵ سال دارد و به تاریخ
۱۹۴۶ در شهر مارشان تکزاس
به دنیا آمده است.
در وقت اجرای مسابقه عرض سینه



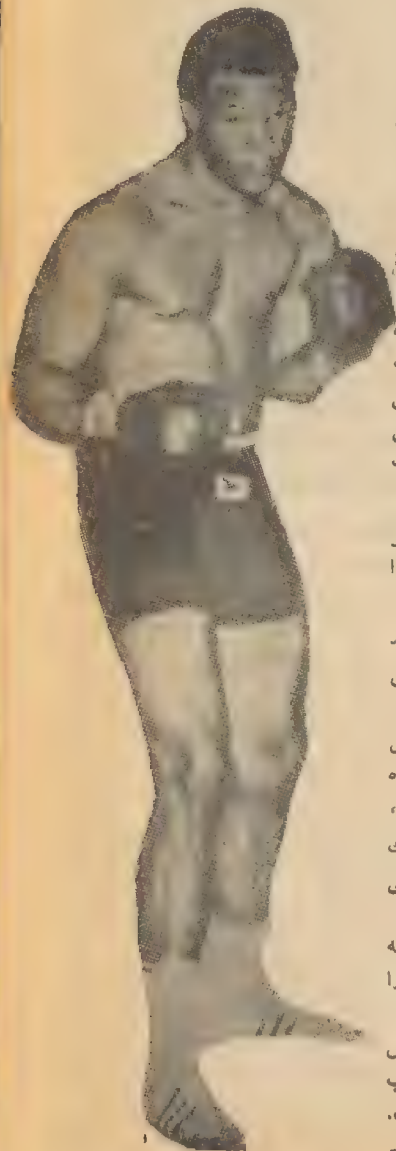
جورج فورمن میگفت: مشت های من یک گاو را از پای می اندازد.

محمد علی کلی با رقیب دیگر قهرمان بوکس جهان شد



پیروزی حیرت انگیز محمد علی کلی دنیای بوکس جهان را به لرزه در آورد

محمد علی کلی، همسر و پسرش
گنج شده بود و خیلی رنج میبرد و از
وارد شدن ضربات کلی کمتر ول
بقیه در ص ۶۳



جوج فورمن

بودند اگر کلی تاروند هفتم و هشتم
در مقابل فور من مقاومت کند شانس
پیروزی به طرف اوست، ز ما نیکه
کلی از کنار رینگ در وسط رینگ
برید با مهارت خاصی که داشت با
سرعت سرسام آورده و ضربه داشت
و چپ به صورت فور من وارد ساخت
او را به کف رینگ نقش ساخت و
فریاد های تماشا چیان استند بوم
کنشاسا را به لرزه در آورد.

فورمن در روند چهار با حملات
شدید وارد نمودن ضربات بدو
تأثیر کلی را سخت به مخاطره
انداخته بود و چند ضربه راست و چپ
به طرف کلی حواله نمود که تماشاچی
اثر بود. اگر ضربات فور من به کلی
اصابت میکرد، بدو شک مقاومت
در برابر ضربات وی دشوار بود.
تماشا چیان با وجودیکه علی زیر
ضربات فور من قرار گرفته بود او را
تشویق میکردند و فریاد مینمودند
بگذار کلی نوبت با توست باید کار
کرد تا این مرده به سر نوشتش
برسانی.

علی با وجودیکه ضربه های پی
در پی فور من را دفاع میکرد بر علاوه
آن امتیازات را بخود نصیب میشد،
قریب یک دقیقه کلی در کنار رینگ
به چنگ فور من گیر مانده بود و کلی
مطابق به نقشه که قبلا در موردنا ک
اوت نمودن فور من در نظر گرفته
بود بعد از روند پنجم ضربات اش را
به فور من آغاز کرد. با آغاز شدن
این ضربات حرکات مخصوص
اش نیز آغاز نموده بود که به جالب
شدن مسا بقه افزود شده میرفت.
فور من که در روند پنجم ضربات
کلی را مانند باران می دید از خستگی

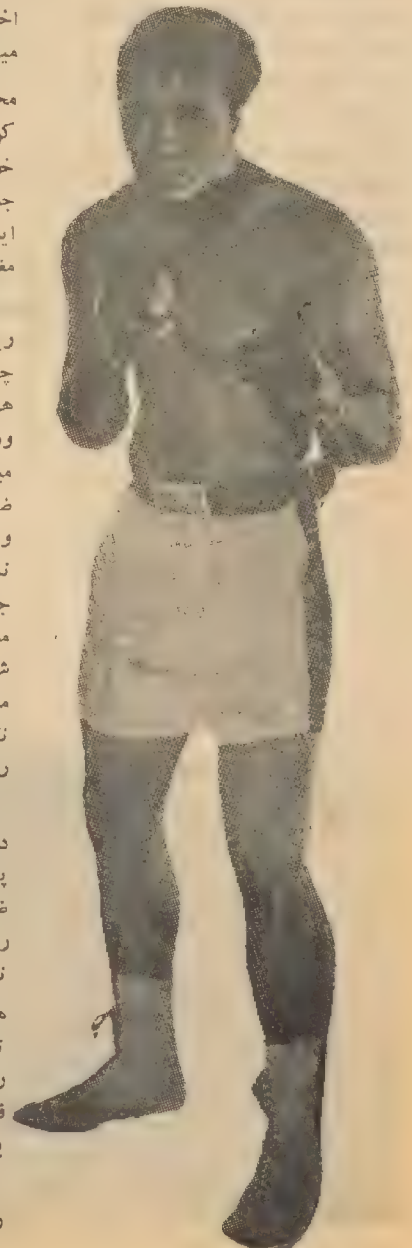
مسا بقه با حریفش جورج فورمن یکا ر
بود. یک جدال حسابی شده و در عین
حال شکل دفاع و خسته کردن حریف

محمد علی کلی زمانیکه اطمینان حاصل
کرد، از کنار رینگ به چپ دست
خاصی که داشت در وسط رینگ پریده
جای خود را به فورمن خالی کرده و
این لحظه بود که فورمن به سر نوشت
مغلوب شدنش رسید.

فورمن زمانیکه کلی را در کنار
رینگ میخکوب کرد فریاد تماشا
چیان استند را به سرور داشته بود
هر تماشاچی با احساسات شان
ورزشکار مورد علاقه شان را تشویق
میکردند فورمن در این فرصت
ضربات متعددی به کلی حواله کرد
ولی هیچ یک از ضربات او کاری
نبوده ولی سر انجام با خالی نمودن
جای اول کلی با تجربه و
مهارت، یکبار دیگر شگفتی آفرین
شد و فورمن نسبت به اثر ضربات
متعدد محمد علی کلی در روند هشتم
نقش بر زمین شد و دیگر قدرتش
را از دست داده بود.

فورمن از زمانیکه تابحال مسابقه
داده، در حدود ۴۰ مسا بقه را با
پیروزی های چشم گیر، انجام داده
ضمن اینکه در ۳۷ مبارزه اش حریفان
راناک اوت نموده بود ولی قدرت او در
نبرد چهل و یکم کار ساز نشد و
همانطوریکه پیش بینی های صاحب
نظران نشان میداد، کلی پس از ۸
روند مقاومت به پیروزی باری
فورمن دست یافت و لقب قهرمانی
بوکس جهان را نصیب شد.

فورمن تمام قدرتش را در چند
روند اول تمام کرد، چنانکه کار
شناسان ورزشی بوکس جهان گفته



محمد علی کلی

«رشد شخصیت از دامن مادر آغاز می یابد»

از بیانات بنیاد غلی رئیس دولت و صدرا عظم

(مساوات، انکشاف، صلح) شعار سال

پیوسته به شماره گذشته

مملکت سعی نمایند تا نسل آینده واقعا يك نسل روشن و فهمیده در جامعه ما عرض اندام نماید.

میرمن صالحه نظام در مورد حقوق و نهضت زنان در افغانستان چنین گفت:

در افغانستان زن چادر نشین و چادر پوش بود، نه تنها حقوقشان در نظر گرفته نمیشد بلکه از منحیت يك موجود حقیر دیده میشد، اما چهارده سال قبل از استقرار جمهوریت و یا رژیم مردمی به اثر توجهات رهبر ملی ما بنیاد غلی محمد داود رئیس دولت و صدرا عظم نهضت زنان بوجود آمد و با اینکار حقوق وحیثیت طبقه زن اعلا شد و زمینه را برای سپهگیری زنان منور مساعد ساختند و زنان اکنون سپه گیری فعالی را چه بحیث معلم و مربی و چه بحیث مدیر و رئیس و چه بحیث وکیل و داکتر پرورش گرفتند ما یقین داریم که در آینده فعالیت زنان که نیمه از نفوس کشور را تشکیل میدهند در ساحات مختلف کشور بیشتر گردد.

موصوف در مورد بر گزاری این سال گفت:

سپه گیری موسسات از نظر وظایف فرق میکند اما تمام موسسات

زن موجودیست سزاوار احترام و دارای توانایی و قدرت آفریدن و سهم گرفتن در تمام امور حیاتی و اجتماعی، البته این حق مسلم آنها است که بایست زنان بانبر و مدی فکری خوش درامور زندگی سپیم شوند.

اما چرا امروز دوسری از نقاط جهان و بخصوص در ممالک اروپا، انکشاف خالی محسوس از ظرفیتهای اجتماعی و سهم گرفتن در کارهای فکری بین زن و مرد وجود دارد؟ دوسری تاریخ بیشتر دیده شده که زنان کمتر در کارهای فیزیکی و جسمی حصه گرفته اند و این امر تا اندازه از فعالیت های اجتماعی آنها کاسته است. قسما در اعصار شکوفان و ترقی علوم نیز زنان کمتر در کارهای فیزی و فکری سپیم میشوند و هم عوامل گونه گون دیگر نیز که بطور متداول در تاریخ ادامه داشته مانعی در راه سپیم شدن زن در کارهای اجتماعی بوده است. ولی آن زمانیکه مغز شانرا با کارهای فکری عمیق بکار انداخته و محک زده اند نتیجه بدست آورده اند که زنان به عین دست آورده مردان متفکر بوده اند. و امروز که زن در اجتماع جای برای خود باز کرده و موفق خاص و شایسته یافته بخصوص در کشور های مرقی، بطور واضح و روشن می بینم که قدرت کار و اثر آفرینی و فعالیت های مختلف اجتماعی زنان همسان با مردان است.

از اینرو امروز در تمام جهان تلاش های جدی صورت میگیرد تا زنان موفق و حقوق متساوی با مردان را دارا باشند. تجلیل سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن بهترین شاهد مثال این مدعا بوده و بزرگترین اعتراف تاریخی است به این نکته که زن واقعا موجود والا و بر مزیده است.

در فیصله نامه سال بین المللی زنان در ملل متحد چنین تذکره شده (برای سپیم گیری کامل زن در تمام مساعی انکشافی مخصوصا با تاکید مسوولیت زنان و نقش مهم آنها در انکشاف اقتصادی - اجتماعی و کلتوری به سوبه های ملی منطقه و بین المللی مخصوصا در انانی دومین دهه انکشاف ملل متحد - برای درک اهمیت سپهگیری روز افزون زنان در انکشاف همکاری و روابط دوستانه بین دول و استحکام صلح جهانی)

بنای تجلیل سال ۱۹۷۵ عیسوی بحیث سال زن اقدام ارزشمندی است که از طرف ملل متحد و بدست گرفته شده و اینک در کشور ما از این اقدام ارجمند استقبال بعمل آمده و ما مصاحبه های خود را با زنان کشور در مورد این سال ادامه میدهم.

د نیاله مصاحبه های گذشته را که در شماره گذشته بنابر تر اکریم مضامین انشور با خواننده بود اینک قسمت اخیر آن با مصاحبه که با پروین علی مدیره کوچیانوس بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم می نمایم.

وایور از رشید آنتی

صحی و تعلیمی تهیه و مورد تطبیق قرار گیرد، مخصوصا توجه بحال آن عده زنانیکه در اطراف و اکناف مملکت ما به صنایع مختلفه دستی مشغول اند و لی امکانات میسر بودن مزایای تمدن امروزی برای اکثر آنها تابحال تدارك نگردیده است.

آمره جوایز مطبوعاتی پیا سخی سوال دیگر گفت:

یکی از اهداف مهم اینکار اینست تا آنها نیکه بنابر فقدان تسهیلات لازمه در خصوص تعلیمات متوسطه و یا بخاطر رسم و رواج های معمولی مختلف از تعلیم و تربیه باز مانده اند دو باره با تاسیس کورس های مختلف، تعلیمات شان تکمیل شده و یا در جهت احیاء نمودن يك زندگی بهتر و عصری و معقول تشویق و

میرمن معصومه استاد لیسه ملالی در خصوص ابتکارات و زارت اطلاعات و کلتور در تجلیل از سال زنان تعجید نموده گفت:

سپه گرفتن ابتکارانه و زارت اطلاعات و کلتور در تجلیل از این سال به حکم اصل و وظیفه که مرجع خدمات اطلاعاتی و کلتوری در کشور است، مورد تقدیر و تحسین بوده و امید است تمام موسسات مربوط خصوصا و زارت پلان، معارف و انکشاف دهات و موسسه نسوان در این راه بیش از همه نه تنها در تجلیل آن سپه بگیرند بلکه پروگرام های همه جانبه و عملی از طرف مقامات مسؤل خصوصا در چو کات فعالیت های معارف و موسسه نسوان در دهات و قراء با تدویر کنفرانس ها و فرستادن هیئت های سیار،



زنان کشور مادر تقویه صنایع ملی نقش اساسی دارند

ژوندون

مرجه درگشور مایه نسوان دوماکتب
وبوهنځي ها پيش از نهضت نسوان مصروف
تحصيل وتعليم بودند ولي ساحه خدمت بوطن
فقط درچار چوبه بعضی آږوهنځي هاوموسسات
نسوان منحصر بود وهم چنان توازن بين
تعلیمات ذکور واثان وجود نداشت *

بهذا نهضت زنان دوشوورتطبق موفعانه
آن وتوجیحات حکومت آنوقت درتامن این آرزو
زنان توانستند عملادراومور اجتماعی سپیم شونند
دختران توانستند بابراادران شان مشترکادر
پوهنتون هاو دیگر موسسات تعلیمی شامل

موسسه ملل متحد درتجلیل ازاین سال
بیشتر برسه موضوع تاکید مینماید .
الف: گسترش مساوات زنو مرد *
ب- سهم گیری زنان در تمام
ساحات انکشافی
ج: بهرسمیت شناختن اهمیت ونقش زنودر
تقویه صلح جهان -

عمواره امید های زندگی ، ازجیش های احساسات پرومندان مایه میگیرد وایسن باشد .
مادرانند که آنان را تربیه میکنند .
...
درآسمانهای پرین :
فرشتگان ، هنگامی که به یکدیگر زمزمه میکنند.
نمی توانند درمیان کلمات سوزان عشق خود کلمه که بقدر «مادر» مقدس باشد بیابند.

۱۹۷۵ سال بین المللی زنان



پروین علی مدیره کو چنیا نوانیس

شوند وازامکانات تعلیم وتربیه سکالر شپ
هاوبورس هایمالک دوست استفاده کردهودر
مجامع بین المللی اشتراک نمایند .

ولی متاسفانه دردهه اخیر اقدامات متمم
دیگری دراین مورد واماده ساختن ذهنیت عامه
درتمام افغان نستان برای پذیرش نهضت ومجادله
بلرسم ورواجها وعنعنائات که مانع سپیم گیری
زنان دراومور اجتماعی میشد بوجود نیامد از
اینرو این نهضت فقطدرشهر ها تشهادرشهر
تعلیم یافته منحصر ماند وژنان دهات وقراء
ازاین نهضت محروم ماند.

گسترش وبوجود آوردن کودکستانها
پروورش گاهها ، بخاطر تربیه بهتر فرزندانش
وامکانات تهیه محیط آرام برای مادران درفعالیت
های اجتماعی ،مساله ایست که دوتعمیم نهضت
زنان در کشور سپیم اوزنده دارد .

امید است درپرتو نظام مردمی جمهوریت
درمساعادت ساختن زمینه برای تساوی حقوق زن
وقد بزید

پروین علی مدیره کوچنیانو انیس در
مورد نهضت زن درگشور گفت :



از سالهاست که زنان افغان در مؤسسات علمی مصروف تحصیل اند دراین عکس عده از محصلان
دارالمعلمین هرات در حین تجر به علمی دیده میشوند .
شماره ۳۳ و ۳۴

بایست در بزرگداشت از این سالپردازند
که جنبه تشویقی داشته وحقایق روشن را
برای تمام مردم بسند و درپیداری طبقه زنان
سهم فعال بگیرد ویک بار دیگر زنان باید
موقف اصلی خودرا در جامعه امروزی واجامه
فردا بدانند .

اکنون که پالیسی کلتوری کشور روشن
وواضح است وحسرت های مارا واضح
وروشن میسازد وزارت اطلاعات وکلتوربعیت
ارگان نشراتی وتبلیغاتی باید بسیار فعال
باشد وازاین سال از طریق نشر کتاب ها ،
وسایل ، درامها ، دیالوگ ها وامثال آن
تجلیل نمایند.

پروین علی مدیره مجله کوچنیانو
انیس درمورد اقدام موسسه ملل-
متحد در تجلیل از سال ۱۹۷۵ بحیث
سال بین المللی زن گفت :

موسسه جهانی بخاطر اینکه بتواند توجه
جهانیان را به یک موضوع خاص جلب کند ،
همیشه بعضی ازسالهارا مختص به یک موضوع
ساخته است چنانچه سال ۱۹۷۴ بحیث سال
نفوس مسمی گردیده بود والبته ششامی فهمیده که
علت آنهم موضوع انفلاق نفوس وخطراتی بود
ازاین ناحیه متوجه امروزی فردای بشر میگردد
به همین سان سال ۱۹۷۵ را موسسه ملل متحد
نظریه نقش زن در انکشاف ، به سال زن اختصاص
دادوالبته این سال آغازدهه دوم انکشاف ملل-
متحدی باشد.

و مرد توجهات لازمه بعمل آید و چنانچه در بیانیه تاریخی خطاب به مردم افغانستان تبلیغی رئیس دولت و صدراعظم در مورد موفقیت زن فرموده اند :

« دولت نظریه ایجاد وضع مالی مملکت رایشگاه ها شیر خوار گاهو کودکان پناهیه منظور حمایت داران و کودکان ورشد سالم تربیت جدیداً ایجاد خواهد کرد . امید است دوبرو این توجهات وضع زنان در کشور ما بهتر و با مساعد ساختن امکانات نهضت زن سیر تکاملی خود را پیماید .

پروین علی در مورد سهم گیری موسسات در تجلیل این سال گفت :

در قدم اول سهم وزارت عدلیه و موسسات قضائی در تجلیل این سال مهیتر و ضرورتی به نظر میخورد . مطالعه و بررسی قوانین که در کشور مادر مورد زن نافذ است و بررسی خلاصه های آن و هم صورت بهتر تطبیق آن قوانین در اجتماع کاریست که اقدامات لازمه بکار دارد

در قدم دوم سهم موسسه نسوان بهیثیک کانون نهضت زنان در کشور با اهمیت تر است مراجعه به افکار و نظریات زنان پیشقدم و متور

در گسترش فعالیت های موسسه نسوان در قرا و دهات تهیه و تدارک امکانات سهم گیری زنان در موسسات مذکوره از جمله اقدامات است که

بایست موسسه نسوان با آن توجه نماید .

بفهم سوم سهم وزارت اطلاعات و کلتور بهیثیک ارگان تنویری و کلتوری در تنویر افهام مردم نقش عمده دارد . در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور تشییت رادیو در مورد گسترش و فعالیت های اطلاعاتی و تنویری بیشتر و مهیتر است .

چون اکثریت مردم خصوصاً طبقه نسوان از سواد محروم اند بنا سهم رادیو پراهمیت تر می باشد .

وزارت اطلاعات و کلتور و ارگانهای مربوط به آن بانشر و اشاعه و تالیف کتاب های تنویری و آموزنده که نمایگر چهره واقعی زن باشند و نشر آثار ادبی ، اجتماعی ، در راه تبارز استعداد های نهفته زنان و بانمایش گذاشتن فلم های مستند تعلیمی و تربیوی در دهات و قرا برای مجادله علیه رسوم و عمنات بی جا و کمر شکن که در تضعیف موقف زن نقش منفی دارد از جمله اقدامات است که نه تنها وزارت اطلاعات و کلتور بلکه همه موسسات میتوانند سهم موثر در بهبود شرایط زندگی زنان بگیرد .

بنابر همین اساس در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور کمیته انسجام پروگرام کار در مورد تجلیل بهتر از این سال تهیه کرده تا

بتواند بانشر و اشاعه و تطبیق آن خدمات براننده آنچه در خود توقع است به انجام برساند
میرمن عزیزه آمره جوایز مطبوعاتی در اخیر گفت :

توجه بحال اطفال و محبو سیدین زنانه در محابس و تفریق در نوع جرم و توسعه بخشیدن حرفه های مروجه در محابس و تدویر کورس های صنعتی در آنجا کاریست که وظیفه ما را سنگین تر و توجه جدی بکار دارد . تفهیم محبوسین به آینده شان و دو باره آماده ساختن آنها برای یک زندگی بهتر و خلق مفکوره برای علامندی شان به آینده بهتر ، کاریست که فقط از راه تهیه پروگرام های مفید و تنویری آنها توسط معلمین نسوان عملی شده میتواند .

به همین ترتیب ، امید داریم در پر تو رژیم جمهوریت عموم طبقه نسوان بتواند آنچه حقوق مسلم شان است بکف بیاورند .

باید گفت در بین زنان افغان در تمام ولایات اشخاص یافت میشود که از نظر سویه و علم و دانش قابل تعریف اند .

واگر کمیسیون تنی در مورد شناسایی موقف زنان تا سیس کرد کاریست نیکو و مفید برای جامعه زنان افغان .

میرمن صالحه نظام دریا سخ سوال دیگر گفت :

برای بزرگداشت این سال تمام موسسات باید آمادگی کامل بگیرند ، اما این آمادگی مخصوص شهر های بزرگ نباید بلکه باید کمیسیون رزیابی و معلوماتی و آنهاییکه با کلتور و رسوم مردم بلد هستند تشکیل گردد .

توجه بحال صحنی زنان در اطراف قابل یاد آوری است .

در افغا نستان اینکار از طریق گروپ های صحنی آسان میشود و اما باید در راس این گروپ ها و در عضویت آن اشخاص فعال ، پاک و با عاطفه باشد تا بتوانند قدرت فنی و تجهیزات و ادویه را برای اعاده صحت طبقه مذکور بکار اندازند .

کنون زن افغان در هر مرحله که قرار دارد باید آنها در همان ساحه بیشتر بکار انداخته شود که فعلاً مصروف میباشند پائین کار فعالیت آنها سریع میگردد .

و ضمناً د رپهلوی آن از نظر سواد زنان افغان باید تجهیز شوند ، و قتیکه آنها با دانش و متور شدند اصطکاک فکری و تبادل نظریات و با صحبت های ذات البینی هم تاثیر مثبت در رشد فکری و ذهنی آنها می کند .

ولی باید از طریق پرو گرام های رادیو این مساله جامه عمل بپوشد

زیرا رادیو یگانه وسیله است که همگان با آن سرو کار دارد .

این پرو گرام ها باید زنده و دارای روحیه قوی بوده و در آن سویه علم زنان مدنظر باشد مخصوص صا از نظر ساینکا لوجی باید بسیار عمیق و قوی باشد .

تشکیل کمیسیون برای از بین بردن رسم و رواج های یک امر ضروری است اما این کار باید از طریق اداره انکشاف دهات بعمل آید زیرا انکشاف دهات در ولایات بخوبی میتواند از عهده آن بر آید نهایت در مورد پرسونل این اداره باید غور شود .

میرمن معصومه استاد لیسه ملاکی در اخیر یاد آور شد ، بر آورده شدن این مامول یعنی بهتر شدن موفق زنان در اجتماع ما ، بدون از یک فعالیت سرتاسر امکان پذیر نیست و گفت آرزو مند است تا موسسات مسؤل در پر تو رژیم جمهوریت مسؤلیت بزرگی که در برابر زنان کشور دارند ، در عینی نمودن آن و سیع تر و بیشتر اندام نمایند .

حمیرا حمیدی در اخیر از توجهات دولت جمهوری در پیشبرد موقف طبقه نسوان در کشور یاد آور گردیده و آرزو نمود تا نسل آینده کشور در پر تو اقدامات مفید دو لت از نگاه رشد ذهنی و مفکوره رو شنترو بهتر بار آید .



سهم گیری طبقه نسوان در امور اجتماعی کشور



مترجم الف صدیقی

موتورهای شهری

کمپنی های موتور سازی جهان سعی دارند تا ساختمان موتور ها را نظر به ایجابات شهر های مدرن و جدید وفق دهند ، محاسبات نشان داده است که از اکثر موتور ها در نرد و گشت و گزار بین شهر ها

قوی ساخته شود . و از همه محترم باید گاز مضر را در فضا تولید نکند . این خواسته ها و تقاضا را موتور های الکتریکی مرفوع نموده میتوانند مدل های جدید آن شانس موفقیت



استفاده میشود ، و سرعت مو تر

بیشتر را دارا اند . برای حمل بار های کم وزن در داخل شهر سرعت حد وسط آن چهل کیلومتر فی ساعت و بعد از یک چارچ ۱۳۰ کیلو متر باشد .

در پولیند تولید موتور تیز رفتار برقی (ملکس) آغاز گردیده است . قدرت انجن آن سه کیلو وات که از طریق باتری باطاعت آن ۳۶ و لت تغذیه میشود و زن خالص مو تر ۶۰۰ کیلو گرام و وزن مو تر با راننده و سواری آن ۸۵۰ کیلو گرام میشود سرعت اعظمی آن ۶۰ کیلو متر فی ساعت و بعد رفتار بدون چارچ ۷۰ کیلو متر و امکان مضاعف شدن آن هم پیشبینی شده است . در نتیجه مقایسه « ملکس » با « فیات » ۱۲۵ پ ، معلوم گردید که فاصله هر کیلومتر آن نظر به فیات سی مرتبه ارزان تر است اما فیت بار زیاد تر و سرعت بیشتر دارد .



علایم جدید ترافیکی در امریکا

امسال در ایالات متحده امریکا استعمال سیستم لوايح تجاده های اروپایی آغاز گردید . تاکنون در این کشور لوايح جاده ها بصورت علايم نبود و این لوايح را با نوشته ها عوض کردند . اما خواندن نوشته ها در سرعت زیاد دشوار است و علايم به يك نگاه و آن هم در صورتیکه به مطالب علايم آشنایی داشته باشند ، فهمیده میشود علاوه بر این در سرحد باقی بماند .

بایسکل رانی در هالیند

* کشور هالیند با داشتن ۱۳ میلیون نفوس زیاد تر از هفت ملیون بایسکل دارد . صرف در سال ۱۹۷۲ تعداد کسانی که از بایسکل استفاده میکنند در این کشور بیک ملیون ، افزایش نموده نظر به معلومات

انتظار میرود که صادرات ملکس در سال ۱۹۷۴ در جمهوری فدرالی آلمان آغاز گردد . اما حجم انرژی بطری با حجم انرژی مواد سوخت مقایسه شده نمیتواند . بنا برین سازندگان مونر های شهری انجن دیگری راجستجو میکنند و موتور گاز در این حال مناسب تر حساب میشود مثلیکه میکرو اتو بوس « شتیر دایملر-پوخ » که برای تردد در شهر تخصیص داده شده است و از اختراق گاز فعالیت میکند . این پس برای بیست سواری (۱۰ نفر از آنها ایستاده) بسرعت تا چهل کیلو متر در ساعت که برای شهر مناسب است ، پیشبینی گردیده است .

و بالاخره دومین مو تر شهری با انجن پترو لی معمولی « لینی سیمما » این نوع موتور های خورد که جای کم در ایستگاه و تانک های بنزین میگیرد و مصرف بنزین آن هم اندک و دارای سیستم اداره ساده است میشود به زودی شکل عمومی را در شهر های بزرگ بخود بگیرد .



سنجی کیست؟

هنر پیمشه خوش قیافه که طرفدار
ابتکار و نوآوری است - او بعد از
یازده سال هنر پیشگی بالا خره

دائر کتر شد



سنجی در فلم دهند

امور دایرکشن فلم را نیز خودش
متعهده شده است .
نقش اول این فلم را خود سنجی
ایفا میکند و همدوش وی زینت امان
پروین بابی ، ونی و پران نقش
های را بدوش گرفته اند .

سنجی سه برادر دیگر دارد که
فیروز خان در سال ۱۹۶۰ وارد سینما
شد و اولین فلم وی زمانه نام دارد
سمیر برادر خوردش در سال ۱۹۷۲
دفلم ظاهر شد که اولین فلم او
«گهومتی کناری» میباشد، اکبر برادر
کوچک در سال ۱۹۷۳ دریک نقش
کوچک در فلم «انجان راهین» ظاهر
شده است که نقش عمده و اول این
فلم را فیروز خان بدوش دارد .

اولین فلمی که از سنجی در سینما
های کابل نمایش داده شده فلم
«دلنی پکارا» است که ششی کپور
بھیث سانیث هیرو ورا جشییری
بھیث هیرو یین درآن فلم حصه
گرفته اند .

سنجی در طول این یازده سال
در بیشتر از سی و هشت فلم شرکت
نموده که از فلم های مشهور
پشپا انجلی = میله = ابا سنا =
دهرکن = دهند و ایلا شا رامیتوان
یاد کرد .

در مورد سنجی اغلب ستارگان
سینمای هند نظر نیکی نداشته و به
صورت عمومی عقیده بر این است
که او جوان تند خوی ، از خود راضی
مغرور و بد دماغ است که این نسبت
ها را ناشی از ناز دانگی های ایام
کودکی و طفولیت او میدانند .

اما آثانیکی باوی معاشرت نزدیک
دارند تمام این گفته ها را در مورد
او تردید نموده علاوه می کنند که
سنجی جوان خلیق، مهربان و صاحب
احساسات نهایت شسته و پاک بوده
و بقدری خوش صحبت است که از
صحبت او شنونده هیچگونه خستگی
احساس نمیکند .

و شما خوانندگان محترم ابرازات
خرد و دسته را که متکی به خوشی
بین و بد بینی هاست جدی نگیرید .
ژونون

سخت اسپ دوانی بوده و در حال
حاضر اسپ های نهایت ورزیده دارد
که قسمت اعظم پول های خود را در
دایره شرط بندی میگذارد و از این
ناحیه او گاهی پول هنگفت بدست
می آورد و زمانی پول هنگفت را از
دست میدهد .

سنجی باو صف اینکه مقدار قابل
توجهی از پول های خود را در آزای
شرط بندی های متواتر از دست داده
است باز هم در قبال هنر نمایی های
یازده ساله خود را بقدری پول بدست
آورده که اخیرا بھیث پرو دیو سر
فلم احراز موقعیت نموده است .

اولین فلم شخصی «سنجی» که
گفته میشود پول فوق العاده در آن
مصروف خواهد شد «چاندی سونا»
نام دارد که علاوه از تهیه کننده فلم

است و لی قبل از این فلم او دریک
فلم دیگر نقش کوچکی را ایفا کرده
که باید آن فلم را فلم اول سنجی قبول
کرد . آن فلم «تارزن کام تو دهلی»
نام دارد .

نام اصلی سنجی عباس خان
است که قبلا از دواج نموده و فعلا
دو فرزند دارد . وی قبل از سال ۱۹۷۲
فعالیت هنری وسیعی داشت و از
دو سال باینطرف است که تصمیم
گرفته در فلم ها کم ظاهر شود و در
مقابل چون در هندیک جنریشن نوی
در بین علاقمندان سینما بمیان آمده
او میکوشد موافق بخواسته ها و
آرزو های همین جنریشن نو آوری
کند تا از این رهگذر خدمتی به هنر
سینمای هند نموده باشد .

«سنجی» یکی از علاقمندان سر



عکس صحنه ای از فلم «چاندی سونا» وانشان میدهد که بمول شخصی
سنجی تهیه گردیده است

«سنجی» برادر دومی فیروز خان
هنر پیمشه فلم های هندیست که در
سال ۱۹۶۱ در بنگلور دریک فامیل
مستعد پتان چشم بدنیا کشوده و
ناز دانه ترین فرزند آن فامیل
بشمار میاید .

وی پس از ختم تحصیلات و قتی
موفقیت فیروز خان برا درش را در
بازی های سینمایی دید تصمیم گرفت
او هم بروی پرده فلم ظاهر شود و
برای خود مسلك هنر پیشگی را
انتخاب نماید روی این ارازه بکومک
و همکاری نزدیک فیروز خان که عده
از پرو دیو سر های معروف بمبئی
را میشناخت وارد حلقه سینما شد
و برای اولین بار بھیث هیرو در سال
۱۹۶۳ در فلم «دوستی» نقشی را
ایفا کرد که مردم از آن سخت استقبال
کردند . چنانچه بعد از هفته سوم
نمایش فلم «دوستی» بیشتر از هشت
قرار داد نقشی های اول به سنجی
پیشنهاد شد .

«سنجی» تا حد ودی در فلم
«دوستی» و بعدا با ظهورش در فلم
های «دسلاکه و دل نی پکارا»
بموفقیت و شهرت خواستنی خود
نایل آمد .

«سنجی» که در حال حاضر سی
و چهار سال دارد از ردیف هنر -
پیشگانیست که از مکتب دلیپ کمار
پیروی میکند و با وصف اینکه یازده
سال از عمر هنر پیشگی او میگذرد
بقدری در حرفه و مسلك خود جلو
رفته و ترقی نموده که امروز از جمله
ستارگان دست اول محسوب میشود.
ناظران در مورد سنجی اظهار
عقیده کرده اند که «سنجی» اولین
فلمی را که در آن بعنوان هیرو ظاهر
شده است «دوستی» وانمود کرده

امتحان حیات

فضای سینه قفس گشت آشیان، دیگر
که مرغ دل دهد آزار سر فغان دگر
بامتحان حیات آنقدر خجل ماندم
که مرگ نیز نیامد بامتحان دگر
هریم گوی خرابات عشق باد آباد
که ما سراغ نداشتیم آستان دگر
زسوز سینه شمعیت حال ماروشن
چه لازم است درین بزم توچمان دگر
جهان اگرچه بمن حقه شد ندارم غم
خیال یاروگی بیان و صد جهان دگر
«استاد خلیلی»



جنون آشکار

شراب در سرم و دوست در کنار منست
خدی دانند و من دانسم و ندانند کسی
بجسم هست تو ساقی که امشب این دل هست
پایه را ز کف از میهنم نه هشیاریست
که مرگ منتظر نوبت شمار منست
جو گل نشسته در آتش گلشت عمر مرا
در انتظار خزانی که نو بهار منست

اگر چه بر همه عالم نهفته میگیرم
رهین خنده خویشم که پرده دار منست
«پژواک»



شگوفه نور

بمرگ روز نوا میکند پرندۀ شب
ولی غروب غم انگیز بی ترانه منم
بهر بهار گل ولاله میسر شد بچمن
کویر خشک سینه بخت چاودانه منم
بهر سبیده شگوفان شود شگوفه نور
ستخ قطب سیه پوش این زمانه منم
دگر ز کج قفس نشنوی تواله من
پی شکستن ناموس آشیانه منم
(بیرونک)

هر چند بر آئینه آثار قیود رنگ آوردم
یا بر مینای اعتبارات وجود سنگ آوردم
کم نیست که در تحیر آباد خیال از گردنفس
بروی حقیقی که جزو هم نبود رنگ آوردم
(ابوالمعانی بیدل)

گردن آزاده

قیدهستی نیست مانع خاطر آزاده را
دردل مینا برون گردیست رنگ باده را
خوابنا کانرا نمیباشد تمیز روز و شب
ظلمت و نور است یکسان تن بغفلت داده را
تا توانی مشق دردی کن که در دیوان عشق
نیست خطی جز در یدن نامه های ساده را
همچو گوهر سبزه یکدانه دل جمیع کن
چند چون کف بر سر آب آنگنی سجاده را
نیست سر وای بی مئون احسان بهار
بار منت خم نسازد مسردن آزاده را
آب در هر سر زمین دارد جدا خاصیتی
نشه باشد مختلف در هر طبیعت بساده را
اشک یاسی آلوده بود از دیده بیرون ریختیم
خاک بر سر مردم این طفل ندامت زاده را
هر کجا عبرت سواد خاک روشن میکنند
خجلت کور یست چشم از نقش پانکشاده را
«بیدل» از تسلیم ، مام صید دلها کرده ایم
نسیستی با زلف میباید سر افتاده را
«بیدل»

تومرو

آفتاب و فلک
اندر کف سایه توست ،
گر رود این فلک و اختر تابان ،
تو مرو
دست طومار دل من

به درازی ابد ،
بر نوشته ز سرش ،
تاشوی پایان :
(تو مرو !)

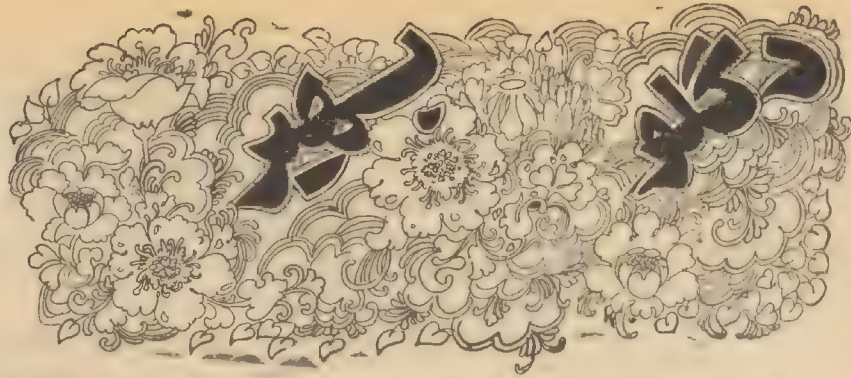
(مولوی)

برگ گل

در پای ملی دامن میبایست بدستم
هر سبزه برقص است در آغوش نسیمی
امشب ز خوشی هیچ سرا پا نشینام
در لانه من باد خزان راه ندارد
از هر گاه لذت خاصی است نسیم
اضطراب که منم مواله از غرق تنم
یکدسته گل از گلشن فرداست بدستم

جمهوری بیرغ ته

داولس دآرژومانو می سپاشه
دوطن دستقبل دگل مسکاشه
اید خوانو افغانی اوانو نغښی
په فضاکی په رپاشه، په مېواشه
اجمل خټک



متصدی ژ،س

لرغونی ادب :

دنتکی تصور

تقاضی می د زړگی دیوکوکی شی
چی را یاد می تصور ستا دنتکی شی
زما غزنندی په په زپه ټولې ټولې شی
لکه پورته چی له خوبه یوکلی شی
کله کله آسویلی کله سلکی شی
خوږه ستا غوندی همیشه ډاډه خیزی
چی په ژوندی راخوږی تودی کوخی شی
«همیش خلیل»

زما یار شه!

سرمی سلخله ترقا دلپره ډار شه
په درست عمرکی کنار واخه گرشی
پرهغه چی ستا خاطر پی آزاد پی
چی په میان ددو مینو چدایی که
دوصال شپه دشب قدرده «اناره»
پردغه شپه چی اوده نشی بیدار شه !
(انار، ددوولسمی پیری شاعر)

اوسنی ادب :

دچایاد

اندیشمنی تلوسی می خوروی بیا
تیری هیری خاطری رایادی بیا
ژپوی هسی دینی بیوسی می
بیا ددیزنی زخمی زپه ته مایوسی می
بیا په زپه می ددشک سری لمبی بلدی
پری می سوی دغمونو تازه کیری
بیا زخمونه دخیگر وهی غریکی
تیر یادونه پکښی باسی دغملیکی
بیامی هیلی دژوندون غمونه ډاری
راسپیری می دغوش شوی زړگی نوایی
بیامی لگی دامید په سر مملونو

ادبی ټوټه :

ماهیره کړه!

هغه رانه ولاړه اومروړه ولاړه .
دادهنی وروستی پیغام ژ :
نورنو په ما پسې لټه کړه ، ماهیره کړه هسی چی انسان دوخت په تیریدوسره هرڅه
هیروی .
سره ددی چی وایم ته بی گتی مالغوی خوزه لاهسی ستا دلیدو او راتلو په هیله دنړه
وینی خورم ، لایم هم سترگی ستا په لاره زبیتی اولام مات زړگی ته می داوا وکړم
چی ته په راشی ... کله هم چی مورویم . خوته باید پدی پوه شی چی زه لاهم داهیل
په زپه کی نخرم چی ته په راشی .. اود زکندنه پوخت بهی په هغو سترگو ورو خپلی گوتی
کیردی چی کلونه کلونه یی ستا لار خاوه اوستا دلیدو په امید روښانه وی .
خوته ! لکه چی هیرکری دی یم .. او زه هم پدی خوښه یم
نوخکه اوس ددرته وایم . چی که بیاهم زما دلیدو لپاره هڅه اولته کوی نوبی گته ده ...
هر ! په ډاډ درته وایم چی بی گتی ده .. ته مانور نشی موندلای .
نوخکه چی درپه یاد شوم . هغه ورځ درپه یاد کړه ، هغه ورځ چی :
هوا ترخه وه ، ډیری ډیری دریځو دآسمان مخه پوښلی وه ، زپه در دونکی
بادهم چلیده او زما ویشته یی ستا په سروامخ شیندل ، باران هم وریدی ... خوزد او
ته ورو ، ورو په هغی رښتی کی سره روانوچی له صحرا یی گلانو څخه یی لټه ډکه
وه .. زما زپه هم دغم وریځو پوښلی وو او اوښکی می دباران دڅاشکو سره سمی
توښی ... ماتاته زړلی اوستا د بیستون لپاره می ژړلی .
خودا توی چی گومان دکاوه چی زه درسره اړکی کوم . هغه کړی وه چی پراخه دنسیا
را باندی تنگه شوه نو درڅخه ولاړم .. اودتل لپاره درڅخه ولاړم .
نواوس غواړم چی ماهیره کړی اوما پسې لټه وکړی څکه بی گتی ده .
ښایی چی ته ما پیل کړی . هو .. خو هغه ورځ چی پښی می ډیری ډیری خاوری
اورښتوری مرور روح بهی په آسمانونو کی کرشی اوما په خپله خپه او غم لری غبره داند
لپاره له تاته پټه پیری وی .
مصطفی جهان

ملک ته !

ستاد خانی په کلی واغی څر سیلاب ملکه
شی به خراب ملکه!
ستاد خانی کلی بر باد وینمه
دغریبانو گور آباد وینمه
غټ څیخی واره په فریاد وینمه
ستاکله خیالو، چی به راشی انقلاب ملکه !
شی به خراب ملکه!
تاکله خیال په غریبانو گرو
ظلم دی تل په مظلومانو گرو
څنگه ستم دی په خواوانو گرو
اوس راشه وودی کړه داتول حساب کتاب ملکه!
شی به خراب ملکه!
اوس راشه وگوره داحال پخپله
ځان ته دی پیتی کړو داجنجال پخپله
ښکیل شوی اخر پدغه چال پخپله
دخپلو کړوله لاسه تهنوی په غدا ملکه!
شی به خراب ملکه!
دخپلو کړو دی هیڅ علاج نشته
زمونږه تاته هیڅ احتیاج نشته
شکر په مونږه دی خراج نشته
ته خواخه کړی چی خراب دی شه نواب ملکه!
شی به خراب!
قلندر مومند



مترجم: نیرومند
قسمت دوم

نوشته از: نورو ما شیر

قربانی در معبد

یک مرد، در ایام اختیارات و اوقات
آکادمیک، این روش را میسر
نمی‌تواند. اما من می‌توانم
بسادگی همسر را تعقیب کنم
بدنبالش می‌روم و سه مرتبه دیدم
که همسر در داخل عمارت باستان
شناس از نظرم نا پدید شد.

اما به چه دلیل با ستان‌شناس
تصمیم می‌گیرد همسر شما را به
قتل برساند؟

پرو فیسر با لحن تمسخر آمیزی
پاسخ می‌دهد: برای چه؟ غالباً کدام
زن دیگر را پیدا کرده است و همسر
من سد را هوش می‌دهد. این باستان
شناس مرد محلی است. جلد می
خواهم توجه شما را به این نکته
جلب بدارم که با ستان‌شناس
دارای روح خبیثی می‌باشد.

فاکتر دست خود را در جیب
بالا پوش فرو برده، کارود را بیرون
آورد.

چرمیچل با صدای تیز فریاد زد:
قتل توسط همین کارود صورت
گرفته است؟ این کارود متعلق بخود او
می‌باشد، آری، این کارود کاوش
دونات است! مدتی زیادی از آن تاریخ
نمی‌گذرد که یک روز همین کارود
بما نشان داده بود. این کارود دلیل
کافی برای محکومیت او بشمار
می‌رود. حقیقت ندارد؟

فاکتر وعده کرد: ما در اسرع
وقت این موضوع را معلوم می‌کنیم.

در راه رفتن به لندن فاکتر جریان
را با هوک پرینی معاون خود مطرح
کرد. هر باری که سر جنت پولیس
از شنیدن ما چرا به هیجان می‌آمد
فاکتر را سرگرم می‌نمود. سرندی
همیشه به شغلش طوری می‌انداختم
بقیه در صفحه ۵۶

بایک یا ستان‌شناس در لندن
روابطی داشت.
مرد باستان‌شناس سال گذشته
به آنجا آمده بود، تادریاره معبدشون
هیگ تحقیق کند. و خانم چرمیچل
که در نجوم دیلوم دولتی داشت،
درین پروژه با او همکاری میکرد.

دکتر برای معلومات انسپکتر
پولیس اظهار داشت: ابتدا با ورم
نمی‌آمد. تلبستی - نی. او جدا مدعی
بود همین بار اولست که او را می
شناسد و روابطش با این باستان
شناس محض جنبه مسلکی دارد.

من سعی نمودم این مطلب را بحیث
یک حقیقت قبول کنم. اما آندو باهم
بسیار نزدیک و صمیمی بودند. اکثر
اوقات این احساس بمن دست
میداد که اینها از مدت‌ها پیش
همدگر می‌شناختند و تحقیق
در معبد شتون هیگ محض یک بهانه
برای تجدید دیدار و یک اختراع
دکتر متفکرانه بحر فهایش ادامه
داد: شاید آنها با این کار به نتیجه
نمی‌رسیدند. اما آنچه را من
بسانتو در یافتن، بسیار واضح
و آشکار بود. آقای انسپکتر!
فلیسیتی هر هفته یک بار به ملاقات
باستان‌شناس به لندن می‌رفت.
این رفتار و حشمتناک بود.

فاکتر پرسید: شما این مطلب را
از کجا میدانید؟

پرو فیسر در جواب گفت: او به
لندن می‌رفت و بمن در باره علت
رفتارش توضیحاتی میداد که بسا
حقیقت وفق نیداد. فلیسیتی دروغ
می‌گفت. دیروز عین عملش را تکرار
کرد. شاید شما مرا نسبت به این
رفتار ملامت کند یا لااقل این کار را
شایسته مردی به موقع من ندانید.

مجلات مسلکی فرو شد او میرود
میان قفس بود و سرش را به پشت
گردنش چسبیده زده بود تا صورت
رئیس پولیس را نتواند بهتر
بیند. طوری معلوم میشد که نسبت
به همسرش بسیار پیرتر یا شد.
دکتر چرمیچل اضافه کرد:
اورا کشته اند؟ شما مطمئنید که او
به قتل رسیده است؟

فاکتر پاسخ داد: میترسم که
بگویم بلی. بهتر است شما خود
اورا از نزدیک ببینید. آنکا اطمینان
شما حاصل خواهد شد.

وقتی فاکتر پرو فیسر متقا عد را
در مرده خانه رهنمایی کرده، جسد
همسرش را به روی تذکره به او
نشان داد. دیگر تردیدی باقی نماند
گریه راه گلوئی پرو فیسر را گرفت
و فاکتر او را سرانجام با مو ترخود
به منزلش برگرداند و در آنجا یک
گیلاس مشروب کنیاک برایش
ریخت رئیس پولیس اظهار داشت
دکتر، شما چه حدس می‌زنید؟
چه کسی ممکنست مرتکب این
جنایت شده باشد؟

چرمیچل زیر لب زمزمه کرد:
اوه، بلی، چگونه توانسته نسبت
بهمن بچنین کاری دست بزند.
در زمانی که فلیسیتی هنوز زنده
بود، وضع بقدر کافی بد بود، اما
حال اکنون دیگر او را برای همیشه
از دست داده‌ام و برای من بسا
نخواهد گشت.

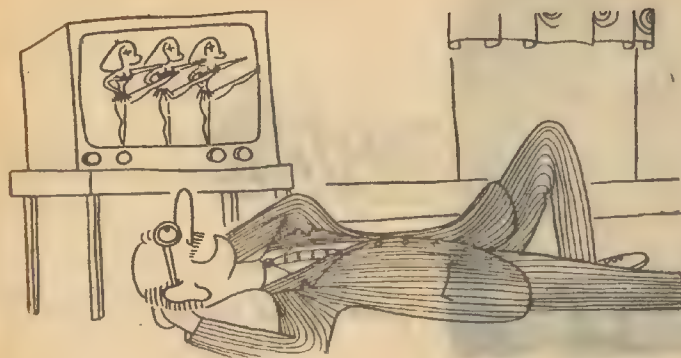
دکتر چرمیچل که به فکر حفظ
حیثیت و شهرتش بود، با لاخره
حقایق را فاش ساخت همسر قابل
پرسش و شرافتمند پرو فیسر
یک روح لطیف و شیرین چنانچه
دکتر ویرا بهمین صفت یاد میکرد

فاکتر به سرعت از آنجا دور
شد و از وسط حلقه از سنگهای
سلیتی و لوحه های بالای قبرها
ویا هر چه پس از مرور چهار هزار
سال درین حلقه باقی مانده بود،
قسم زنان عبور کرد. سپس به طرف
خیابانی که مو ترش را پارک کرده
بود، روان شد.

دکتر الکساندر چرمیچل،
پرو فیسر در ریا ضیافت بود و در
حال تقاعد بسر می‌برد. چشمپایش
از زیر مژه های غلو غم آلود و
عصبی جلوه مینمود. وقتی فاکتر
خبر غم انگیز کشته شدن همسرش
را به اطلاع او رساند، صورت
پرو فیسر مانند ما سکی در آمد که
تغییر افسردگی و اندوه فوراً از آن
خوانده شد. آندو در اتاق کو چک
نشیمن خود پرو فیسر نشستنند

یادداشت ها و کتا بهای باز در
اطراف چرمیچل به روی میز و
چوکی ها و حتی به روی زمین
پراکنده افتیده بود. به روی بعضی
اوراق و نوشته ها یک طبقه نازک
از گرد و خاک وجود داشت. چند
بوته زینتی در اتاق گذاشته بودند
که بر گهای زرد و پرمردۀ آن
از آنها آویزان بود. رویه اکثر موبل
فرسوده و سو راخ سو راخ بنظر
فاکتر آمد. زن مقتوله با در نظر
گرفتن وضع اتاق نمی‌توانست یک
زن منظم خانه دار بشمار رود.

دکتر چرمیچل با صدای نازکی
دوباره سوال کرد: فلیسیتی مرده؟
دکتر چرمیچل در دوران تقاعد
سرگرم معضلات ریاضی اساتیری
در منزل شخصی اش بود و تلاش
میکرد نتایج حاصله از مطالعات
علمی و تحقیقاتش را به جراید و



بدون شرح

بدون طفل زندگی بکلی شکل دیگری دارد هیچ تکلیفی، هیچ درد سری، و هیچ ترسی وجود ندارد. خانم اولی از پرگونی او پستوه آمده بود و ریزه کاری های زندگی خصوصی خانم دومی او را بکلی گیج کرده بود.

این چه زندگی ایست که من دارم، به کجا شکایت کنم، هارتمان یزرگی که من دارم همه از اشیای زیقیمت پر است. آیا درین عصر ممکن است خدمتگارسادق و راستکار سراغ نمود؟ یکی هوش پرک و پی سر رشته، دیگری دزد و فریبکار. فقط و فقط همین باقی می ماند که انسان تمام اشیاء و لوازم منزل را یکسر بشکند و یا دور بیندازد خوب شما خود قضاوت کنید سه دانه قاشق چای خوری نقره بی مرا از بین یک سرویس مکمل بیست و چهار نفری آن دزدیدند. سه دانه قاشق در حقیقت تمام سرویس چای خوری هیچ! شما اموال قیمت بهای تانرا کجا نگهداری می کنید؟... خوب شما اموال ذیقیمت ندارید؟

شما خوشبختید، واقعا بهتر آنست که انسان هیچ چیزی نداشته باشد.

تمام زندگیات را وقف این کن که لوازم منزلت را نگهداری کنی و همواره درمورد آن فکر کنی بالاخره انسان حق دارد یک کمی در پاره خود هم فکر کند و به سرو پر خود رسیدگی نماید، زندگی من همواره در تلاطم است و همیشه در هیجان و اضطراب پسر می برم...

در همین زودی ها دانسته شد که پای خانم اولی را درست بسته اند و کج جوش خورده لازمست تا د و باره پایش شکستانده شود و از نو

بدون شرح

زوندون



مترجم: ژوف بین

از مجله کاریکا دیل

حسرت

همینکه او پشوش آمد، خانمی که کنار بستر وی بستر بود گفت: شما خوشبختند بر خورد بسا همچو تصادمی و فقط با شکستن يك بانجات پیدا کردن عجب می نماید. اگر من با این حادثه مواجه میشدم حال دیگر نام و نشانی از من در صفحه روز گار باقی نمی ماند. خود این خانم که چند یست در شفاخانه تحت تلداوی قرار دارد. در روز های عیادتش شوهر وی میایدو آنقدر گل با خود میاورد و روی او می پاشید که همه تعجب میکنند در روز های دیگر يك شخص دیگری می آید و همان کاری را که شوهرش

میکند او نیز به تقلید تکرار می نماید. به عیادت خانم اولی هیچ کسی نمی آمد، این موضوع را خانم دومی متوجه شد: شما خوشبختید. مرد ها برای ما فقط هنگامه جوئی میکنند و سرا سیمگی می آورند، آیا شما طفل دارید؟ خانم اولی نخواست راجع به اطفال حتی سخنی هم بربان بیاورد، هیچ چی نگفت فقط کمی سرش را تکان داد. شما خوشبختید. و در حالیکه آه ازسینه برون میکرد ادامه داد.



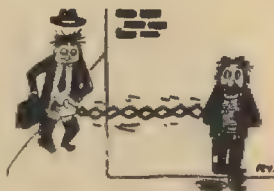
بدون شرح

صفحه ۳۶

کتاب و شفاخانه

سوزی با سرعت سرسام آوری گذشت و هروی را زیر گرفت .
 وقتیکه پو لیس ترافیک اسم او را یاد داشت کرد و علت تصادم را
 جویا شد ، سوزی با تبختر گفت :
 - خیلی برایم عجیب است که علت تصادم چه بوده ؟ من با آنچه
 که راجع به دریوری میدانم ، میتوانم يك كتاب بزرگ را پر بسازم .
 پو لیس ترافیک اظهار کرد :
 - درست است ، ولی با آنچه که راجع به دریوری نمیدانید ،
 میتوانید يك شفا خانه بزرگ را پر بسازید .

گدای عصری



« بدون شرح »

سیلی پدرانه

پیتر با صدای بلند میگریست .
 مادرش پرسید :
 - چرا گریه میکنی ؟
 پیتر در حالیکه صدای گریه اش
 بلند تر شده بود ، گفت :

- پدرم میخ را بدیوار میکوبید و
 چکش خطا خورد و انگشتش را افکار
 کرد . . .
 مادر با مهربانی گفت :
 - اینکه گریه ندارد ، تو باید
 میخندیدی .

پیتر با لحن گریه آلود گفت :
 - منم خندیدم ، ولی . . .

وقتیکه زنان شوق دریوری میکنند!



منطق کودکانه
 هنگام عصر ، وقتی پو هان بخانه برگشت ، خانمش حکایت نمود
 که کودک شان قبل از آنکه میبایست يك دندان کرم خورد هاش کشیده
 شود ، از صبح تا چاشت گریست .
 شوهر پرسید :
 - خوب بالا خره چطور حاضر شد که دندانش کشیده شود ؟
 مادر کودک گفت :
 خواهرش برایش گفت :
 برادر عزیزم ، اگر اجازه بدی دندانانت را داکتر بکشد ، فردا يك
 دندان کمتر را پرس خواهی کرد!



انتظار

خانم بشوهر :
 - اگر تصادفا موتر ما تصادم
 کند ، اطمینان داری جورج که
 شرکت بیمه برای مایک موتر نو
 میخرد ؟
 - چه میکنی ؟
 - ساعت را بلعیده ، منتظر م تا
 مسترد کند !

از روی نسخه طبيب!



مادر - داکتر صاحب گفته بود که
 بعد از استحمام ترا بزیر شعاع
 آفتاب خشک کنم . دیگر بهتر اس
 صدايته نکشی !

همسر خوشنود

به « اريش » اطلاع دادند که خانمش در غیاب وی با يکتن از
 سرایندگان جوان سروسری دارد . وی بر افروخته بمنزل آمد و خانم را
 دید که روی کوچ لمیده ، با آرامش تمام مجله میخواند .
 اريش فریاد کشید :
 - بگو با کدا م سگ ارتباط عاشقانه داری ؟
 خانم بدون آنکه از مطالعه دست بکشد ، گفت :
 - با تو . . .
 اريش با صدای بلند تر گفت :
 - من همه چیز را میدانم .
 خانم سگرت خود را روی خاکستردانی گذاشت و گفت :
 - اگر واقعا همه چیز را میدانی پس بگو : اسم مکمل یکی از شاخه
 های دریای راین چیست که با «ام» آغاز میشود و با «ان» ختم ؟

اطفال امروز

- نول بزنی .. دلم يك گدی گك
 نو شده .
 ؟
 - وقتیکه تو نول زدی ، من گریه
 میکنم و ما درم برای من يك گدی
 جدید میخرد .



هیجان

- از لطف شما تشکر . عداي
 بر کیفی بود! . . .



عادت

پدر - چه میکنی فریتس ؟ آب
 تو همیشه باید انگشت به بینی خود
 و دیگران کنی ؟



ستارگان

مودل موفق هنر پیشه موفق

«پیتا مارین» مودل بیست و دو ساله انگلیسی که او را صاحب زیبایی خیره کننده می گویند گذشته از اینکه يك مودل فوق العاده بخاطر زیبایی و اندام کشیده و موزون خود بحساب میرود. چون ارتباط نزدیک فامیلی به ملکه انگلستان دارد این موضوع هم بمحبوبیت و شهرت او افزوده است.

این دو شیزه صاحب موهای نیمه طلایی و چشمان میثی بوده و تبسم گیرانی دارد که هر بیننده را در نگاه اول تسخیر میکند، چنانچه وقتی او در آخرین نمایش مود سال حصه گرفته و مصروف نمایش بود که برود بوسه کارگردان معروف انگلیسی «جان هستون» متوجه اش گردید. سرانجام این توجه عمیق نتیجه بار آورد که «مارین» با جست دوم خود از جهان مود بسوی سینما کشیده

شود چه «جان هستون» با او يك قرار داد طویل المدتی را امضا نموده است که برویت آن «مارین» مکلف است در ۲۲ پارچه فلم تلویزیونی «هستون» شرکت کند. علاوه بر «مارین» دريك فلم بزرگ انگلیسی نیز شرکت میکند که این فلم بشمول فلم های تلویزیونی در اسپانیا و روم تهیه و فلمبرداری خواهد شد. این مودل خوشگل بجواب يك سوال گفته است با ظهور در پرده فلم گذشته از اینکه خودش رافوق العاده خوشحال احساس میکند یکی از آرزوهای دیرینه خود را نیز برآورده میخواند و یقین دارد در هنر پیشگی هم بموفقیت های نایل خواهد آمد.

ستاره سینما و خبر نگاری

را نیز در فلم ها بازی کرده تصمیم گرفته هرچه زود تر حرفه خود را تغییر دهد و از جهان فلم و سینما يك قلم خودش را کنار بکشد. «کاندیس برگن» که آخرین مشغوقه «سنا تور بوب کنیدی» بود شغل آینده خود را که بدان منبهم خواهد شد خبر نگاری خوانده است از اینرو فریدا در مورد توضیح داده گفته است «روزی که ماهیان میاید» آخرین فلم او در جهان سینما خواهد بود.

کاندیس برگن ستاره مشهور و بنام رسیده هالیود که تازه بیست و هفت بهار عمر را پشت سر گذاشته است و بزرگترین نقش های ارزنده از خلال نشرات بزرگترین مجلات امریکائی که در این مورد سلسله، بچاپ رسانیده است این حقیقت



کاندیس برگن ستاره که میخواهد زور نالیت شود.

حاصل میشود که «برگن» برای حصول شغل خبر نگاری تلاش های فراوانی نموده بود و این مسلک رؤیا کهنه «برگن» محسوب می شود و از اینکه زمینه مساعدی پیش آمده که او رؤیای خواستنی خود را در آغوش میکشد فوق العاده مشغوف و خرسند است.

کاین در جال ازدواج دوم:

«میشل کاین» هنر پیشه چهل ساله انگلیسی که معروفیت بین المللی را با بازی های هنری خود در سینما بدست آورده است بعد از چهارده سال زندگی با «پاتریسا» هانیس، بالاخره جدا شد و او را رسماً طلاق داد.

«پاتریسا» که خودش از ستاره های بنام رسیده در سینمای انگلستان بشمار میاید از کاین يك دختر سیزده ساله هم دارد در خصوص این جدائی کدام ابراز نظر بخصوصی نداشته و گفته است اینکار را بخاطر خوشی «کاین» قبول نموده است.

زوندون



«روت ماریا» ستاره چهل ساله آلمانی که برای بازی در فلم های تلویزیونی اطریش جلب شده است

افسانه ساز



هورست با همسر واطفالش در شهرپاریس

شوخی همسر يك هنر پيشه :-
«هورست بو خپلس» هنر پيشه
چهل ساله آلمانی که در حال حاضر
هنر پيشه بين المللی شناخته شده
است در اين اواخر در پاریس زندگی
میکند ولی در فرصت های مساعد
برای تفریح های سالم به سویس
هم میرود . اما در این باریکه او
مصرف بازی در يك فلم آلمانی بود
وبا استفاده از فرصت میخواست
مدت کوتاهی را در سویس سپری
کند ناگهانی بسوی پاریس پرواز
کرد .

چه او از مدت‌ها قبل میدانست که
«کاین» ارتباطی بایک دو شیژه
«گوانائی» داشت .
این دوشیزه «شاکره شیلابخش»
نام دارد که در سال ۱۹۶۷ ملکه
حسن هم شناخته شده بود که
«کاین» بعد از جدائی از همسرش
«پاتریسبا» فوراً با «شیل» از دواج
نمود .
«شیل» در يك مصاحبه گفته است :-
«کاین» مرد ایده آلی او بوده و
میتواند بگوید که اوستاره بخت
برایش خواهد بود .

« روت ماریا » در حال حاضر چند
اگر کار فلمش را شروع نمیکند
و دو عد مهینه بسر میرسد هیچگونه
مسئولیتی در برابر آن نخواهد
اشت .

محمد رفیع بیمار است :-

محمد رفیع معروفترین سراینده
فلم های هندی از چندینست گرفتار
يك تکلیف شدید مزاجی گریده که
حسب توصیه دوکتوران باید مدت
طوبلی را با استراحت بجز دازد از
اینرو او دو « گهنداله » با استراحت
پرداخته و بهیچگونه فعالیت هنری
دست نمیزند تا طران گفته اند که
غیابت محمد رفیع میدان را برای
فعالیت کشور کمار بیش از پیش
مساعد خواهد ساخت .



میشل کاین

علت این پرواز غیر متر قبه این
بود تا «هورست» از زن واطفالش
که برای باز دید او بیاریس آمده
بودند دیدن کند و چون عزیمت زن
واطفالش بدون اطلاع قبلی صورت
گرفته بود از اینرو در نخستین
بر خورد با «هورست» گفت :- کار
های را که زن يك هنرمند اجرامیکند
باید هنری باشد . آیا در اینکار او
هنری ملاحظه میشود ؟

«هورست» به بیجو صالکی تما
گفت :- اینکار کوچکترین شمه از
هنر ندارد اما يك شوخی کا ملا
خسته کن و کسل کننده حتمی شمار
میشود .

ستاره چهل ساله و بازیهای شوخ:

«روت ماریا» ستاره تلو یز یون
وسینما که موفقیت های او در بازی
های هنری چشم گیر و متپارز است
اخیرا بسوی تلو یز یون اطیش جلب
شده که بزودی نقوش زایل ناشدنی
در تلو یز یون اطیش جاه خواهد
گذاشت .

جلب همکاری « ماریا » به تلو یز یون
اطیش با هتمام «فریتس اکارد»
صورت گرفته است چه این مرد
خودش مدت طوبلی را در راه نگارش
درا م ها ، تمثیل درامه ها و ژیسوری
صرف نموده و یکی از چهره های
موفق در تمثیل شناخته میشود .



پینا مارین مودل زیبای دیروز و
ستاره موفق امروز

احمد ضیاء خواننده آواز فلکوریک «دلبیر شیرین»

سیک و هنر نمایی بخصوصی دارند. علاقه ام به همه آنها به خصوص هنرمندان و رزیده و جوان‌ها، آقای مسحور جمال، احمد ظاهر و ظاهر هویدا بیشتر است. در زمره خانمها به آواز «ناهید» علاقه مفرطی دارم.

احمد ضیاء در مورد تحصیلش

احمد ضیاء میگوید:

تاکنون از کسی پیروی نکرده‌ام، می‌خواهم روش خاص خود را داشته باشم.

احمد ضیاء میگوید:

به نواختن آرمونیه، اکور دیون، نیو تنبور، آشنایی دارم. به سبب اینکه شرایط نا مساعد بوده است، بقیه در صفحه ۶۱



میگوید: زادگاهم شهر زیبا و خوش آب و هوای چاریکار است. تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در لیسه نعمان (پروان) به پایان رسانیدم. پس از فراغت تحصیل دوره بکلوریا، تقریباً یکنیم سال بحیث عضو فنی فو تو ژور نالیزم مدیریت عکاسی و زارت اطلاعات و کلتور رسماً ایفای وظیفه نمودم. یکی از آرزوهای دیرینه ام، تحصیل در رشته هنر و ادبیات بود تا آنکه خوشبختانه در امتحان کانونکور بو هنتون کابل موفق شدم و فعلاً در صنف سوم بو هنتی ادبیات و علوم بشری مصروف تحصیل میباشم.

احمد ضیاء از هنر مندان موسیقی و مورد علاقه اش چنین میگوید: باید گفت که هر يك از هنر مندان موسیقی رادیو افغانستان از خود

تقریباً یکنیم سال قبل برادری افغانستان مراجعه کردم و برای اولین بار آهنگ اصیل فلکوریک «دلبیر شیرین» را که در مرکز و محلات پروان و بعضی جا های دیگر وطن عزیز ما شهرت داشت در ستدیوی رادیو افغانستان ثبت نمودم. که پارچه مذکور را بناغلی فقیر محمد ننگیالی با آرکستر بزرگ رادیو افغانستان هارمو نیزه کرد.

بعد از طریق دیپارتمنت موسیقی آهنگ های دیگر ثبت نمودم، اولین آهنگم که از طریق این موسسه ثبت شد، بنام: (میروم باحسرت حرمانها) که شعر و آهنگش از خودم است. پارچه دو هم، (چون ابر توبهار بهر جا گر یستم) و پارچه سوم که درین اوا خبر ثبت شد است، که مجموعاً تاکنون چهار پارچه خوانده ام.

تدریس موسیقی به شیوه های جدید

مادامیکه تشخیص گردد که بعد معقول تعقیب موسیقی برای اطفال ممکن است و طفل استعداد آنرا دارد که به موسیقی رو آورد و یاد بگیرد معلمین و مسئولین موسیقی با درک این مسایل بتدریج در آموزش موسیقی و پذیرش آن از طرف اطفال زمینه آموختن موسیقی را به سیستم جدید برای شاگردان مهیا می سازد. البته باید در نظر داشت که ذوق و علاقه شاگرد به موسیقی او اثر از همه مد نظر باشد و تدریس موسیقی به شیوه هاییکه برای شاگردان کم سن و سال ثقیل نباشد باید به تدریج صورت گیرد تا از یک طرف شاگرد آهسته آهسته به موسیقی علاقه گیرد و از جانبی هم نتیجه که بدست می آید قناعت بخشی باشد، و شاگرد بتواند در آینده موسیقی را به معنی واقعی آن بداند.



در جستجوی دوستان قلم

بنده علاقمندم با هموطنان خویش در ولایات و مرکز مکاتبه نمایم . اسم منصور اهل .

در چه تحصیل : بکلوریا .
علاقتمند : تکت پوستی و دیدن
فلم های هنری .

زبان : بنستو، دری، اردو .
انگلیسی .
آدرس ترجمان سفارت هند در
کابل .

* * *

بنده میخواهم در مطالب ادبی، مخصوصا شعر و موضوعات اجتماعی با تمام خواهران و برادرانیکه مایل به مکاتبه اند نامه بنویسم .

آدرس : لیسه نادریه، فقیر حسین
اندو هگین معلم صنف یازدهم دال .

* * *

اینجانب عبدالنبی میخواهم درباره موضوعات مختلف اجتماعی مکاتبه نمایم .
آدرس : هرات - عبدالنبی معلم
صنف یازدهم لیسه جامی .

* * *

مایلم درباره سینما و هنر فلم برداری معلومات جدید داشته باشم .
کسانیکه درین قسمت علاقه مند باشند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .

کابل - لیسه نادریه، محمد زبیر
معلم صنف نهم .

* * *

آرزوی مکاتبه را با خواهرانیکه درباره یافت ماشین معلومات دارند میتوانند درین باره کمک نمایند .

لیسه عایشه درانی، نجیبه معلم
صنف دهم .

* * *

اینجانب محمد طاهر میخواهم در قسمت جمع آوری و کلکسیون جیک قطعه یا کسانیکه در این قسمت علاقمندی داشته باشند مکاتبه نمایم .
آدرس - لیسه استقلال، محمد
طاهر معلم صنف نهم .

* * *

جوانان و روابط خانوادگی

در این هفته از میان نامه های رسیده این یکی را انتخاب نمودیم امید است که مورد دلچسپی تان قرار گیرد .

موضوع نامه ازین قرار است که پسر جوان خانواده از دراج نموده و صرف چند ماه از ازدواج آنها گذشته که باز هم جنک زبانی و کنایه های همیشگی که در بعضی از فامیل ما متأسفانه رواج دارد در میگیرد . این جنک و دعوای خانوادگی از جای شروع میشود که یکی از دختران جوان فامیل باتازه عروس اختلاف

نظر پیدا میکند مثلا تازه عروس میخواهد که شوهرش را از خرج های بیجای که در گذشته داشت منع نماید و میخواهد که شوهرش کمتر سگرت بکشد اما یکی از اعضای خانه که در گذشته تقریبا همه کاره منزل است و قتیکه می بیند صلاحیت های او تا اندازه محدود میشود بنای مخالفت را باتازه عروس که خانم برادرش است میگذارد و میخواهد که برادرش مانند گذشته آزاد باشد هرچه را که دلش میخواهد بکند و نباید آزادیش سلب گردد .

این اختلافات و ده ها اختلاف کوچک دیگر منجر به جنک زبانی و بعد از مدتی این سلسله مسایل باعث میگردد که شیرازه خانواده از هم پاشد .

حال بایک نظر اجمالی بر اعمال

وسيله کم کردن وزن اضافی برای جوانان

در بسیاری از ممالک اروپایی جوانان ازین وسایل برای کم کردن وزن اضافی استفاده میکنند و نتیجه که از آن بدست آمده خیلی مفید و مثبت بوده است، اما اگر جوانان ما به مشکلی چاقی گرفتار اند و میخواهند که وزن اضافی خود را تا اندازه از بین ببرند میتوانند با ورزش های سالم از چاقی جلوگیری نمایند .

باید توجه داشت که اندام متناسب آرزوی هر جوان است چه این جوان زن باشد یا مرد، بهر حال آرزوی شان داشتن اندام متناسب و موزون میباشد .



و کردار این فامیل ها نظری اندازیم و میبینیم که آیا کدام يك از طرفین حق بجانب است .

آیا جوانان ما باز هم مانند گذشته در آن زمانیکه متاهل نبودند و لخرج باشند یا معنی اقتصاد خود و خانواده خود را بدانند ؟

آیا يك زن حق دارد که شوهرش را از بعضی مصرف های بی مورد منع نماید ؟

و آیا مرد باید به گفته همسرش توجه کند یا دلایل خواهرش را بشنود؟ اگر به گفته همسرش کند، خواهرش آزرده نخواهد شد؟ این ها مسایلی است که باید جوانان ما به آن توجه داشته باشند . ممکن است که بعضی با این چنین مسایل رو برو

با بکار بردن وسایل ساده ورزشی میتوانند به این آرزوی خود برسید و اگر باز هم کمی مشکل پسند هستید میتوانید که مانند این وسیله ورزشی که در عکس دیده میشود

بقلم هریا

بسازید و از آن استفاده نمایید، البته نباید شما به شیک بودن و خارجی بودن و سایل و ورزشی فکر کنید تنها فکر شما به ورزش داشتن و اندام زیبا و صحت خوب باشد .

با بکار بردن وسایل ساده ورزشی میتوانند به این آرزوی خود برسید و اگر باز هم کمی مشکل پسند هستید میتوانید که مانند این وسیله ورزشی که در عکس دیده میشود



شگوفان شدن استعداد های نهفته در روند تکامل

نسرین اصغر دختر یست محبوب و آرام
نسمی که ناشی از موفقیت و پیروزی تیش دو
بازی های خرافی است بیروی لبانش نقش
بسته است و او کاپیتانی تیم باسکبال رابه
عهده دارد از او می پرسیم:

اگر در بازی باسکتبال توفیقی نمی یافتی
بعدا چه رشته های ورزشی را بر میگزیدی.
اومیکوید:

و آنوقت به اسب سواری و شنا او میاوردم که
البته در انصورت پامشکلات ومخالفت های
فامیلی وضع اقتصادی که نمیتوانست به
آرزویم جامه عمل بپوشاند و روبرو می شستم
ملیحه کیتان والیبال که دختری آرام ولی نسبتا
جدی به نظر می رسد در این قسمت مستخان
مکارش را تأیید کنان میگوید :



پیغله نسرین اصغر

و آنچه که میخط برای ماساخته است
و آنچه که فامیل مارپرورش داده است به

محتاجه نمی دهد تا از حدی که خود تعین کرده اند
قسم فراتر بگذاریم اما باید یادآور شد چیزی را
که در تمام دوران زندگی اذان مجرم بودیم
و همیشه طبقه زن و فعالینش از چار دیواری خانه
بیرون نبود تحرک عظیم و جنبش که همه رابه
تلاش و کوشش و داشته است و فردای روشن
و پرشکوهی رابه آنان نوید میداد بدون شک
در فعالیت های ورزشی طبقه زن نیز اثر خواهد
کرد و سالهای آینده ماصاحب چهره های درخشان
در رشته های ورزشی از طبقه زن خواهیم شد
البته ورزشهای که زنان می توانند از عهده آن

بقیه در صفحه ۶۲



پیغله ملیحه سرتیم والیبال

و اکنون در پرتو شرایط جدید و امکانات
تازه ای که در تمام شئون زندگی ما پدید
آمده است ورزش نیز از حال رکود آن که
ظاهرا فقط اسمی داشت بیرون کشیده شده
و جنبش چشم گیری که نمودار فرداهای روشن
ورزش در کشور ماست در رشته های مختلف
بچشم می خورد. زنانین زندانی احصار و قرون
که استعداد ها و ظرفیت های فطری اش در همه
فعالیت های اجتماعی و مخصوصا ورزش که
در طول دهه اخر بکلی می خشکید کاز بین
میرفت، اکنون در این دوره پرافتخار جمهوری
یکبار دیگر موقع میباید تا توانائی و استعداد
خود را بروز دهد و در زندگی اجتماعی امروز
همگام با مردان آنچه را که بدو سپرده شده
است بخوبی از عهده انجام آن بر آید و این
چیز است که با ما نوید میدهد که ورزش پس از
از این به انجمن های ورزشی مخصوص مردان
محدود نخواهد ماند و در آینده ای که زیاد دور
نخواهد بود چهره های ممتازی از میان زنان و
دختران علاقمند به ورزش خواهیم برداشت.

برای تشویق و معرفی استعداد های
ورزشی دختران جوان و ادج گذاشتن به تلاش
و کوشش گروهی شان مصاحبه ای داریم
با دو سرتیم ورزشی لیسه ملالی که در این
صفحه از نظر تان میگذرانیم.
این دوازده جمله ورزشکارانی اند که مدت
مدیدی است کاپیتانی گروه های ورزشی
باسکتبال و والیبال خود را به عهده دارند.



تهیه از : مریم محبوب

دخترها به زیبایی اندامشان علاقه دارند

پس اگر میخواهید اندامتان برازنده باشد این ستون را
مطالعه کنید .

صبح قبل از ناشتا در هوای آزاد بروی فرش آرام قرار بگیرید شرطش این است که لباس
آرام و راحت به تن کنید البته به خاطر داشته باشید که این سپورت برای خورد شدن شکم و کمر
بوده و همچنان برای زیبایی باهامید تمام میشود یا مارا دراز کنید خود را خم نمائید طوری که کمر
و شانه منحنی شود انگشتان دست چپ رابه پای راست برسانید و انگشتان دست راست رابه پای
چپ
ناگفته نماند که باها به تناسب قد شما از هم فاصله داشته باشد این عمل را هر روز صبح
چندین مرالیه اجرا کنید .
بعد از جابج می خیزید دستها را بطور آزاد تکان میدید و نفس عمیق می کشید .



چاپ انداز ما هر

یا قهرمان امسال بزکشی

امسال ، باز هم ، چاپ اندازان ماهر و اسپان قوی و تنومند ، از آنسوی کو هپایه های هندوکش ، در مرکز کشور شان هیا هوی سردادند و جاده های شهر را سم باران کردند . شهر یان کابل ، شاهد مسابقات بزرگ بزکشی در چمن منطقه جشن بودند . و از نزدیک به عظمت این بازی اعتراف کردند .

بر دباری ، حوصله ، حزم ، متانت ، و خوش طبعی ، خصایل است که نه تنها در چهره چاپ اندازان دیده میشود ، بلکه فقط گویی اسپان تنومند و با همیت شان نیز این خصایل را بخود دارند .

در این مسابقات که تیم های ۹ ولایت کشور اشتراك دارند روز اول عقرب باشکوه ترین مسابقه در چمن منطقه جشن در حالیکه هزاران نفر در دندانه های غازی ستو دیم گرد آمده بودند انجام دادند . در این روز بین تیم های ولایات مختلف کشور مسابقات آغاز یافت و در نتیجه تیم ولایت تخار با اخذ سه نمره ، درجه اول شناخته شد ، و بپیرق و کپ قهرمانی نصیبش گردید .

کلید پیروزی تیم ولایت تخار ، فقط بدست چاپ اندازی بود که نیرو و توانیش بیشتر و اسپیش قوی و تنومند تر بود و اوتوانست پیروزی را نصیب نیم و رفقاییش نماید .

اکثراً چاپ اندازان به پهلوان مشهور اند ، و آنها آدم های هستند که از خصایل ، شهامت ، جوا نردی و بردباری و قوی دل بودن بیشتر برخوردار اند و آنها بیشتر باسواری اسپ های اشخاص دیگر در این سپورت میپردازند و یا از جانب

بزکشی ، در کابل ، تخار و بعضی ولایات دیگر میبر دازم و اکثر امو فقیهت نصیب من و تیمم بوده است ، پیروزی امسال ، که نخستین موفقیتیم در مسابقات ایام خجسته جمهریست است ، مرا بی اندازه خوش ساخته است و برای من و رفقایم ، افتخار بزرگست که کپ قهرمانی را ز عیم ملی ما بناغلی رئیس دولت و صدراعظم برای ما اهداء نمود .

او که ۳۷ سال عمر دارد ، و لی مسن تر معلوم میشود ، گو یا این سپورت او را پخته تر و تنومند تر ساخته است گفت : در ولایت خود و دیگر ولایات بعضا بخاطر موفقیهت داشت .



پهلوان حفیظ چاپ انداز ماهر ولایت تخار

مسابقات

تورنمنت خزانگی

نسوان دوباره

آغاز شد

تورنمنت خزانگی مكاتب نسوان که بنا بر آمدن ماه رمضان به تعویق افتاده بود دوباره آغاز یافت این مسابقات که به سیستم لیک آغاز یافته بود . باید هریک از تیم های شامل تورنمنت باتمام اشتراك کنندگان مسابقه را انجام میدادند که به این اساس در اخیر هر مسابقه هر يك از تیم های که زیاده ترین نمره را گرفته باشد قهرمان شناخته میشوند .

قبل از عید نتایج معلوم نگردید که ما میتوانیم منتظر نتایج نهایی مسابقات دو هفته آینده باشیم .

(عکس مقابل صفحه جریان مسابقات نسوان را نشان میدهد .)

چشمهای شما، سخنگویان عا طفله شما اند



چشم ها حرف میزنند شادی میکنند اندوهگین میشوند پس اگر میخواهید چشم های شما به قشنگترین شکل قصه بگویند به سفاقت آنها به زیبایی آنها و به عواملیکه باعث خرابی آن میشود توجه کنید .
نگهداشتن چشم

اطراف چشم هارا با کریم یاروغن مخصوص چشم چرب کنید . تا پوست اطراف چشم به اثر خستگی پوست چین و چیلکی پیدا نکنند زیرا پوست اطراف چشم خیلی لطیف و حساس است خارش پلك های چشم به احتمال قوی در اثر حساسیت است اگر بعد از استفاده واستعمال آرایش چشماتان خارش پیدا میکند از آن استفاده نکنید اگر خط چشم میکشید باید راه درست و معقول آنرا بدانید خط

چشم را باید از گوشه داخلی چشم تا گوشه خارجی آن کشید و خط چشم باید خیلی باریک و ظریف باشد .

سایه را در رنگهای گو ناگون و انواع بودر بدست آورده میتوانید اما پیش از استفاده باید دانست که سایه چشم همانطور که از نامش معلوم است سایه است از یک رنگ پس باید از آن به مقدار کم و خیلی با دقت استفاده کرد . سایه چشم باید از حدود گوشه خارجی ابرو تجاوز نکند در زیر ابروها از سایه کمترنگ که براننده صورتان باشد استفاده کنید قبل از این که منزل راترک میکند نگاهی به صورت خود بیندازید تا اگر نیاز به ترمیم داردا و راتجديد کنید .
ایمل :-

همانطوریکه ویمیل زدن درست زیبایی چشم هارا دوچندمی سازد عکس آنهم از زیبایی چشم به همان اندازه می کاهد .

کوشش کنید که برس رابه نولک مژه هاتماس دهید تا به طول مژه ها پیافزاید باید کوشش کنید که به فرم مژه هاریمیل انتخاب نمایداگر موهای فصولی دارید از ویمیل قهوه ای رنگ استفاده کنید و اگر مژه های تان سیاه است از ویمیل معمولی کاربگیرید تا آرایش جعلی جلوه نکند .

قطعه مژه هارا برجسته می سازد اما مواظب باتسید که مژه زود می ریزد . کوشش کنید که آرایش لب با آرایش چشم و ابرو هماهنگ باشد در پوست های گندمی لیسوین تیره بزنید و در پوست های روشن (کلاهی) از

روژ قهوه ایاطلائی تیره استفاده کنید . اگر جلد صورتتان سبزه تیره است از رنگ های روشن که براننده لب است استفاده کنید .

کوشش کنید که موها در روز بسیار ساده و بی آرایش و بیچ دربیچ باشد چون احتمال دارد بدون تافت خراب شود و از طرف دیگر زود خود را باز نهاید که ترمیم دوباره آن وقت زیك راد بر میگيرید اگر هر قدر موهای تان به شکل ساده آرایش داده شود شاید به صورتتان زیبنده تر باشد ظرافت و زیبایی طبعی زن و دختر را هموم در ساده گی و بی آرایش جلوه میکند اگر ممکن است از آرایش غلیظ صورت جدا بپرهیزید چون در غر آن لب ها و چشمها بارنگ های غلیظ به نظر مردم بسیار زننده جلوه میکند
فرستنده : سیده شامل

اگر میخواهید لکه های لباس را پاک کنید این ستون را بخوانید

لکه شمع

برطرف کردن لکه زردی ۱ طو

اگر لباس در اثر کشیدن اطوی بسیار داغ زرد شده باید لکه آنرا با آب اکسیژنه معمولی بالا کنید اگر امکان آن نبود با پراکس که ماده سفید رنگی است پاک کنید این ماده را از دواخانه ها میتوانید بدست آورید .

استفاده از بودر رختشویی آنزیم دار

اول بانانخن ویا پشت چاقو شمع را از روی پارچه بتراشید بعد زیر و روی آنرا دو تکه تر را گذاشته اطوی داغ را روی آن قرار دهید اینکار در اغلب موارد لکه را بکلی از بین میبردا اما اگر مشا هده کردید که هنوز اثری از آن مانده است پنجه ای رابه انگشت آغشته کرده با آن بقیه لکه را پاک کنید .

پاسخ ها به نامه ها

خواهر عزیز فاطمه از شاه شهید :

نامه پرور لطف شمارا گرفتم از احساس نيك تان در مورد مطالب این صفحه سپاسگزاریم . درباره مشکل تان باید گفته شود که اگر خودتان زحمت کشیدید به اداره ژندون تشریف بیاورید شاید بتوانیم به کمک هم گروه مشورتی خود گروه از مشکل تان باز کنیم

و دیگر این که شما آنطور موضوع را که اتفاق افتاد برای مانوشته نکرده اید که ما اصل مطلب

داداییم و برای شما پاسخ بدهیم :

الله یارتان

دوست عزیز یقینا فریده سعادت :

مضامین جالب تانرا را چاپ میکنیم شما تاحد توان کوشش کنید مطالبی برای ما بفرستید که مطابق روحیه مجله بوده و هم آموزنده و مفید باشد البته مجله ژندون به همکاری شما دوستان

سخت نیاز دارد

موفق باشید

بقیه در صفحه ۶۲

تورنمنت خزانى با سكتبال در جمناز يوم پوهنتون كابل

تورنمنت خزانى باسكتبال به اشتراك تيم هاى پوهنځي هاى مختلف پوهنتون كابل به سيستم دبلنك اوت آغاز يافته و تا هنوز دوام دارد اين مسابقات تا اخير طوري دوام دارد كه باو بخت يك تيم از مسابقات خارج ميگردد، اين مسابقات در روز هاى شنبه دوشنبه و چهارشنبه صورت ميگيرد .
با وجود آنكه امتحانات نهايي پوهنځي ها رو به نزديك شدن است ورزشكاران به مسابقات شان ادامه داده و علاقمندان سپورت با ذوق و علاقمندى به تماشاي مسابقات مي آيند.



در اين روز مسابقه باسكتبال همچنانى تر بود و گروهى زيادى از علاقمندان سپورت ، دو جمناز يوم پوهنتون كابل گرد آمده بود .

نتايج مسابقات اين هفته :
تيم پوهنځي حقوق ۵۸ مقابل ۴۴

بر تيم پوهنځي ادبيات تيم پوهنځي انجنيرى ۵۴ مقابل ۴۵ بر تيم پوهنځي علوم ، پوهنځي اقتصاد ۶۰ مقابل ۴۹ بر تيم پوهنځي طب ، پوهنځي پولي تخنيك ۵۳ مقابل ۲۳ بر پوهنځي زراعت، همچنان پوهنځي علوم ۶۴ مقابل ۶۳ بر تيم پوهنځي اقتصاد و تيم پوهنځي انجنيرى ۴۱ مقابل ۳۴ بر تيم پوهنځي طب و تيم مسابقات كشيده شد .

ژيمناستك در اتحاد شوروى

دولت اتحاد شوروى ۶۴۷۰۰۰ نفر به ژيمناستك اشتغال دارند و ۱۲۰۰۰ موسسه تعليمي ژيمناستك براى نوآموزان افتتاح شده است تقريباً پنج هزار معلم به علاقمندان اين نوع ورزش در بي بردن برآموز آن كوك ميكنند. ژيمناستك بهمنوان وسيله اى جهت تكامل جسمي جوانان وهم بعنوان كسترده ترين و دسترس ترين وسيله بسيار ميسر در زمينه قاير تربيتى براى تماشاگران وهم كسانيكه به ژيمناستك مي پردازند ميباشد.

ميرمن لاريسا لاتينيا معلم جوان تيم انتخابي زنان اتحاد شوروى دم ورزش چيمناستك كه سه بار عنوان قهرمان المپيك را بدست آورده است، ميگويد:

در مسابقات مانه تنها پيروز شوندم گان بلكه شكست خوردگان نيز وضع چلبى دارند. دليل اين حرف آنست كه بسيارى اين شكست خوردگان ميتوانند درآينده به پيروز شوندگان مبدل گردند.

ولى پيش از اينكه سفر فردا را شروع كنيم ، نگاهی به سيمى آن آدمهاى ميناليم

كه امروز پيروز ميشوند.
در خزان سال ۱۹۷۲ در ميونيخ المگار «زن جادوگر المپيك» ميخواندند ولى در حين بازي وقتيكه از لباس ژيمناستك چدامشود معزون ميگردد وحتي به گريه درمياندهنگاميكه على ترين امتياز ها را در يافت مى كند از خوشحالى مى پرد وچهره اش برافروخته ميشود. الگا اندام كوچكى دارد قدش ۱۰۰ سانتيمتر است ميتواند ودوست داود پسر اى خودش عداى طرفدار ودوست بدست آورد، وى هميشه آماده است با حركات فوق العاده سخت باعث تعجب ديگران گردد معلمين عقيده دارند، پيفله الگا كوال چنان ژيمناستي است كه ميتواند راه ورسم پراختناركتيب ژيمناستك شوروى را در باره ميسر ترين رشته اى كه اكزون خيلى مورد علاقه جوانان ميباشد يعنى در باره حركات آزاد ژيمناستك ادامه دهد، در عين حال اين دختر ك طرفه كه داراى روش ملايم و گرم است و وضع مطمئن براى خود كه تنها روى تشك بلكه روى پارالل نيز احساس ميكنند. او در سال ۱۹۶۱ در شهر المان متولد شد. مادر و پدر الگا كسه سابقا ژيمناست بودند ويرا وقتيكه شاگرد صنف اول بود وارد درس ژيمناستك گرده بودند.





معمای منظوم

ازین معما که سراینده اش مولیناجامی است . اسم (نجم) استخراج میشود .
 کمی دقت کنید ، راه حل آن پیدامیشود و اگر موفق نشدید باید تا هفته آینده صبر کنید .
 بکنج مدرسه آن ماه صرف خوان با من
 نهادگوش به نی دوش جام می بر کف
 برای نام چو کرد م سوالش ازنی و جام
 بخنده گفت که نی ناقص است و جام اجوف

يك معمای جالب حسابی

يك عدد كه از چهار رقمی كمتر نباشد (اگر بیسز باشد برواندارد) انتخاب کنید ، همان عدد را بطوری بنویسید كه اولین رقم سمت چپ آن زیر چهار مین رقم واقع شود آنگاه هر دو را جمع کنید و این حاصل جمع را ابتدا بر عدد (۷) تقسیم کنید ، خارج قسمت آنرا بر عدد (۱۱) تقسیم کنید و خارج قسمت ثانی را بر عدد (۱۳) تقسیم نمایید ، همان عدد انتخابی اول بدست می آید .
 آیا میدانید چرا ؟
 اگر جواب این پرسش را یافتید به ما اطلاع دهید و گر نه تا هفته آینده صبر کنید و در همین صفحه بخوانید .

ولی این معما مشکلاتر است

به این تقسیم توجه کنید ، بجای تمام اعداد آن بجای یکی كه عدد (۸) است ، ستاره گذاشته شده است مقصود علیه هم معلوم نیست تصو و نشود كه قیمت ستاره هایك سان است ، يك ستاره ممكن است صفر باشد ، دیگری يك باشد دیگری پنج باشد یعنی همه آنها يك چیز نیستند ، آیا می توانید اعداد اصلی را پیدا کنید ؟ شاید بتوانید ولی از شما میخواهیم كه بنویسید چگونه آنها را پیدا كردید ؟

صورت حل جدول اطلاعات عمومی شماره قبل .

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴
۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱
۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸
۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳				



این هفت شکل، هر کدام نمایشگری از اقسام ورزش است، اگر شما علاقه مند به سپورت باشی بدون شك، از ملاحظه شكلها فوراً و ورزشی را که با ترسیم هر شكل اراده شده است، تشخیص خواهید داد و البته برای ما نیز خواهید نوشت. دوهفته آینده برای اطلاع کسانی که نمی توانند نوع این سپورت ها را تعیین کنند، توضیح داده خواهد شد.

جدول جغرافیایی

آیا این دانشمند وطن را می شناسید

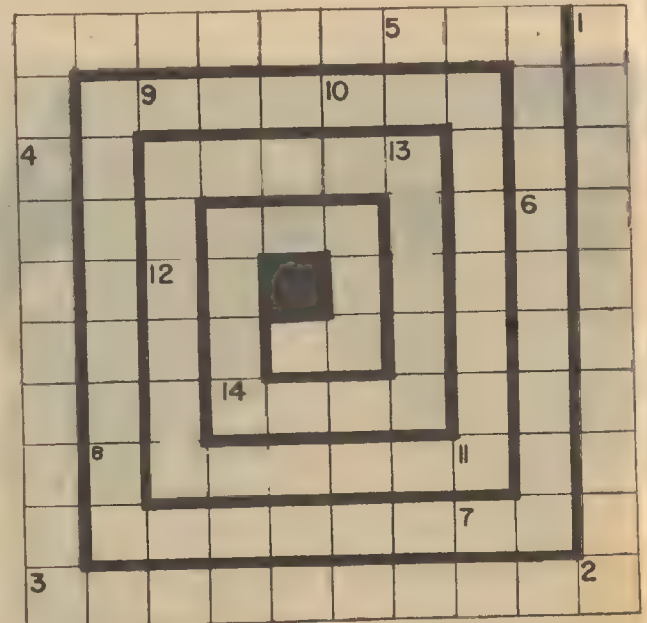
۱- سال تولدش معلوم نیست ولی وفاتش در سال ۹۱۰ واقع شده است.

- ۲- زندگانی در هرات میگذشت و قبرش نیز در آنجا است.
- ۳- سخنران زیر دستی بوده و آوازی خوش داشته است.
- ۴- مؤلف جیب السیر درباره او گفته است: «در علم نجوم و انشا بنی مثل زمان خود بود و در سایر علوم نیز با امانت و اقرار دعوی برای می نمود».
- ۵- از کتابهایی که نوشته است جواهر التفسیر، مواهب علیه، روضة الشهداء، انوار سهیلی، مخزن الانشاء، اخلاق المحسنین، ولب لباب مثنوی بسیار شهرت دارد.
- اگر او را شناختید اسم و شهرتش را برای ما بنویسید و گرنه تا هفته آینده صبر کنید.

- ۵- همانطور که در مقابل شهر کهنه شهر نو وجود دارد، این کلمه هم در مقابل آبا دیهای کهنه در محلات مختلف کابل مانند ده افغانان، بریکوت، باغ بالا و غیره وضع شده و تازگی عمارات آنجا ها را می رساند.
- ۶- از مناطق مشهور در ولایات مرکزی افغانستان است.
- ۷- یکی از بنادر مهم جاپان.
- ۸- یکی از شهر های مهم ترکیه که قبل از انقره مرکز آن کشور بشمار میرفت.
- ۹- از جمله دریا های فرانسه است که به بحر اطللس میریزد.
- ۱۰- در ناحیه شمال غربی هند واقع شده و صحرای بزرگ تار هم در آن قرار دارد.
- ۱۱- این کشور در سال گذشته بزرگترین تحول نصیبش گردید و نظام نوینی را اختیار نمود.
- ۱۲- از آبشار های مهم و بزرگ جهان.
- ۱۳- از بحیره های بزرگ اروپایی که تریست و فیوم از بنادر مهم آن بشمار میروند.
- ۱۴- یکی از ایالات غربی امریکا که وادی و خلیجی نیز به آن اسم مسمی می باشد.

کسانی که درین هفته به ارسال جواب صحیح موفق شده اند، عبارتند از محمد ظاهر ناصر، زین الدین جمیلی، عزیز الحق کارگر مطبوعه دولتی، پیغله سیما از لیسه زرغونه، شریف الله و عبدالخلیل از لیسه نادریه، عبدالسبحان از لیسه تالقان، محمد قاسم، محمد نوروز و عبدالله از لیسه خان آباد و احمد جاوید امینی از خیر خانه مینه.

مجله ژوندون برای سرگرمی خوانندگان عزیز، در این هفته جدول جدیدی را نشر میکند که با جدولهای دیگر فرق دارد، باین معنی که کلمات از عدد (۱) شروع و به عدد (۲) ختم میشود و حرفی که کلمه اول با آن ختم میشود، حرف اول کلمه دوم است و بهمین ترتیب تا آخر که روی هم رفته چهارده کلمه در جدول بطوریکه در فوق ذکر شد، بقسمی باید قرار بگیرند که دور یکدیگر چرخیده سرانجام به مرکز ختم شوند. جدول را بناغلیغ، که گدای فرستاده اند و از ایشان ممنو نیم.



S. Reza'i

این هم شرح تعریفی کلمات است تا بتوانید آنها را پیدا کنید:

- ۱- یکی از ایالت های صناعتی جنوب شرقی استرالیا است.
- ۲- یک کشور جزیره ای دارای رژیم جمهوریت است که از هر طرف وسیله آقیانوس آرام محدود می باشد.
- ۳- یکی از شهر های مهم و صنعتی آلمان فدرال.
- ۴- کوهی است در غرب آفریقا که ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد.

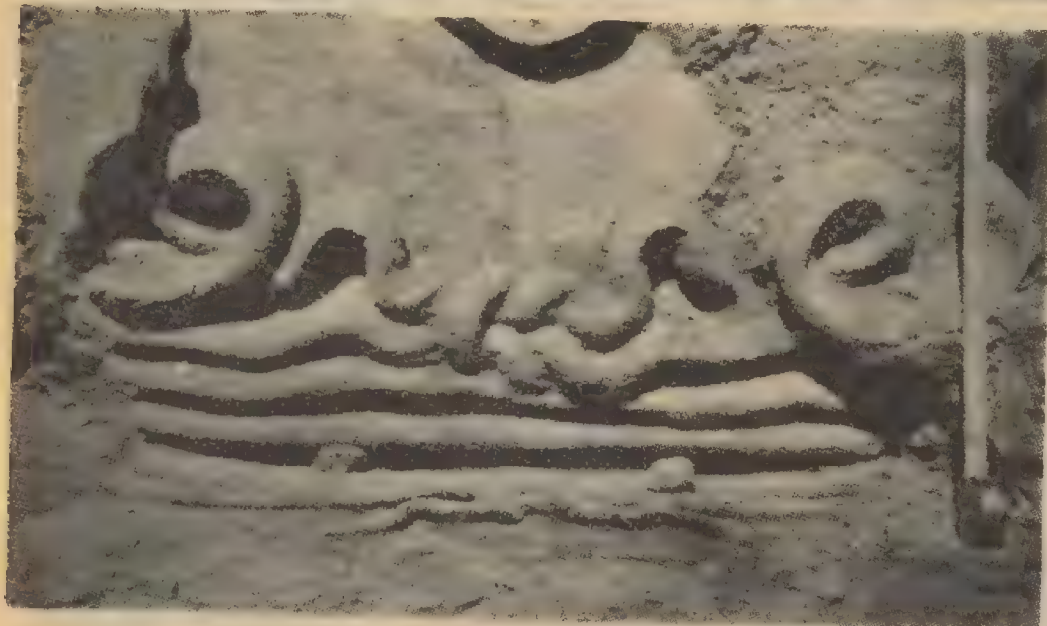
این محل تاریخی؛ از شهرهای
کهن سده‌های دوم تاریخ بشمار
می‌رود

و دیگر شادمانه به آنجای نگرند...
به زیر بیل باستان شناس...
نقطه یی بعد در برابر آن هاخمره
سفالینی قرار دارد... سفالی رنگ
پاخته که از زش علمی فراوانی دارد
گو آن بهاست ویسی ناباب... خمره یی

A black and white photograph of a stone carving of a seated Buddha figure, likely from the Gandhara region. The Buddha is depicted with a serene expression, wearing robes that fall in stylized, wavy folds. The carving is set against a dark, textured background, possibly a rock face or a dark frame.

ژوندون

از هده کشف گردید



تخت بوداء با شکل دو وارد هلیز عمومی معبد

این محل، در زمان کوشانی ها آرت یونانی با هنر محلی این منطقه در هم آمیخته و یک مکتب خاص گریکو بود یک را بوجود آورده است .
از مدیر عمومی باستانشناسی دربارۀ آغاز تحقیقات علمی در این منطقه می پرسیم، وی میگوید :
- ما دوره مطالعه و حفريات را در هده به سه بخش تقسیم می کنیم بخش اول مربوط به زمانی است که سیاحین در قرن نوزدهم، آثار و سکه هایی ازین محل بدست می آور دند. شارل مسون سیاح فرانسوی درین قرن سکه هایی از هده بدست آورد که مربوط دودمان های گریکوباختری، سیتی و پارتی، کوشانی ها و امپراتور رومن و روم شرقی بود .

بخش دوم آغاز حفريات قانونی درین منطقه است که در ۱۹۲۲ توسط هیئت باستان شناسی فرانسه صورت گرفت . . .
آثاری که درین زمان از هده کشف شد در موزیم کابل و موزیم پاریس موجود است .
بقیه در صفحه ۶۰



رواق معبد به شکل یک عقاب

وی می افزاید :

- کشف این آثار ، از نگاه باستانشناسی اهمیت به سزایی دارد و شاید نظیر این جعبه تا حال در آسیا ، بدست نیامده باشد . . .

در شماره گذشته و عده داده بودیم، که کماکان طی گزارش هایی، درباره تمدن های باستانی بعضی نقاط تاریخی افغانستان روشنی می اندازیم و شما را در جریان مطالعات دانشمندان علم باستان شناسی قرار مید هیم به همین سلسله ، در این شماره شما را با «هده» یا محلی که قرن ها قبل از امروز ، در آن شهر «نگاهارا» با عظمت و وسعت خود قرار داشت و در این منطقه آسیا شهرت بسزایی کسب کرده بود . . .

داکتر ز مریالی طرزی مدیر عمومی باستانشناسی و زارت اطلاعات و کلتور میگوید :

- ساحه مخروبه های هده بسیار وسیع است و تحقیقات باستانشناسی صرف در چند نقطه محدود آن صورت گرفته است . . . در تپه های کلان، باغگی ، و تپه شتر . . . تپه یی که امروز هیئت افغانی در آن به تحقیقات خود ادامه میدهند .

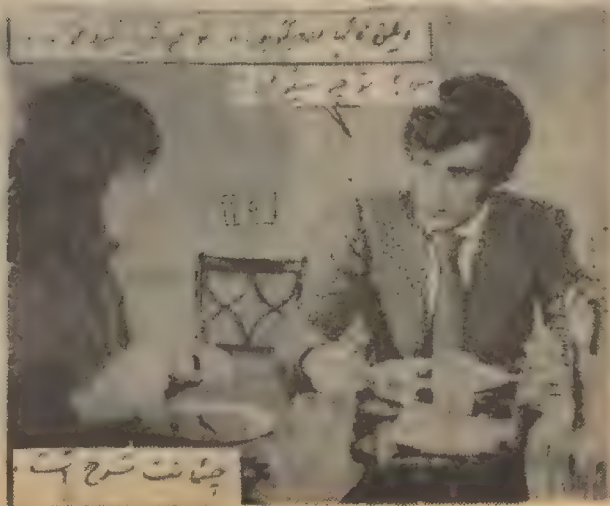
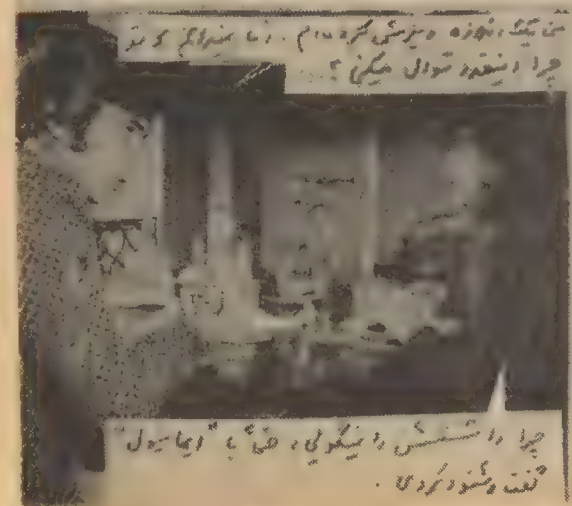
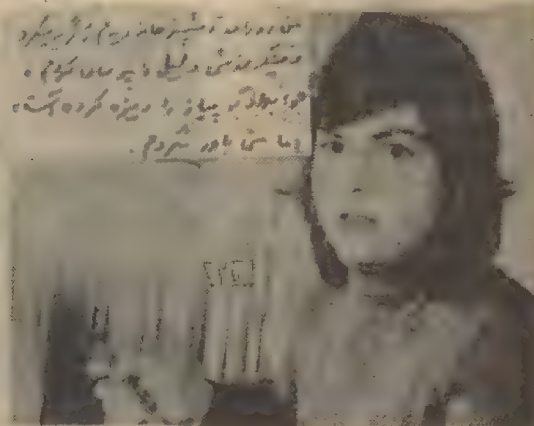
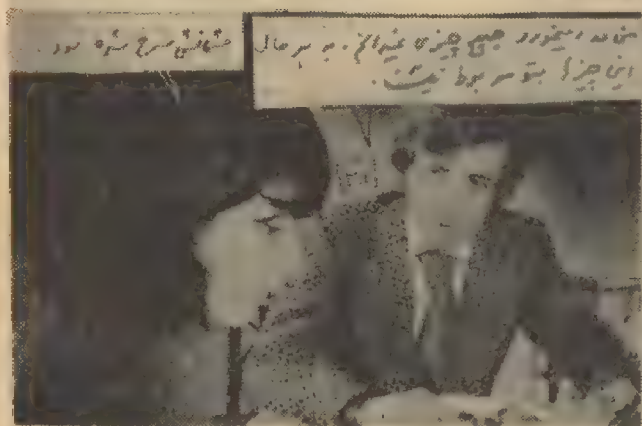
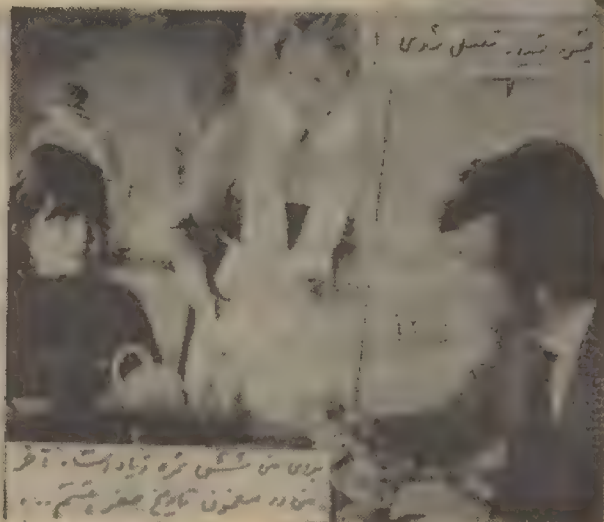
تپه شتر در قسمت شمالی سطوح کم ارتفاعی که از کانگیاو میرا - (رسوبات دوره سوم جیولو جیکی) ساخته شده قرار دارد و فعلا فارم جدید هده ولایت ننگرهار نیز ، در نزدیکی این تپه موقعیت دارد .
تاریخچه هده ارتباط مستقیمی با تاریخ شهر « نگاهارا» دارد ، که روز گاری در نزدیکی این منطقه وجود داشته است . این شهر در بین بلخ به سمت «تکسیلا» موقعیت داشته و نظر به بعضی اسناد باستانی در زمان لشکر کشی های اسکندر اهمیت خاصی پیدا کرده بود ساکس ها، پارت ها و کوشانی ها، در طی قرن اول تا چهارم ازین سر زمین عبور کرده اند و در آنجا مستقر شده بودند .

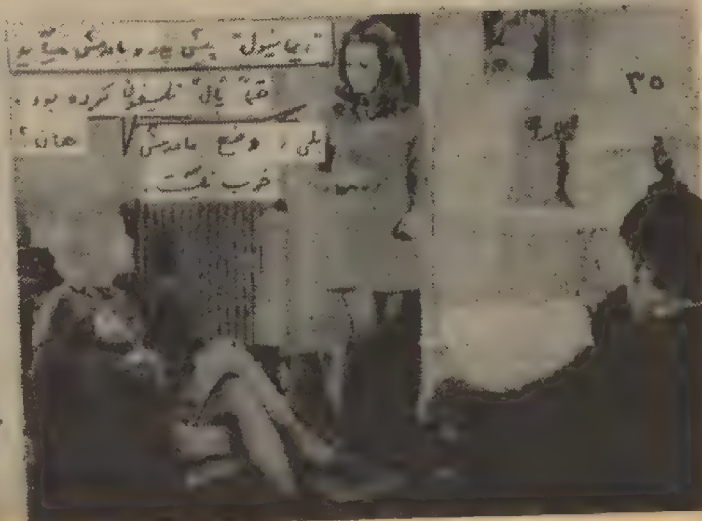
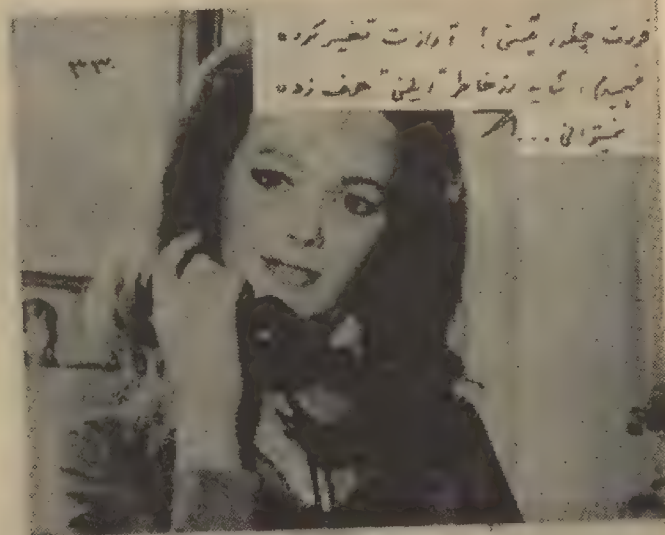
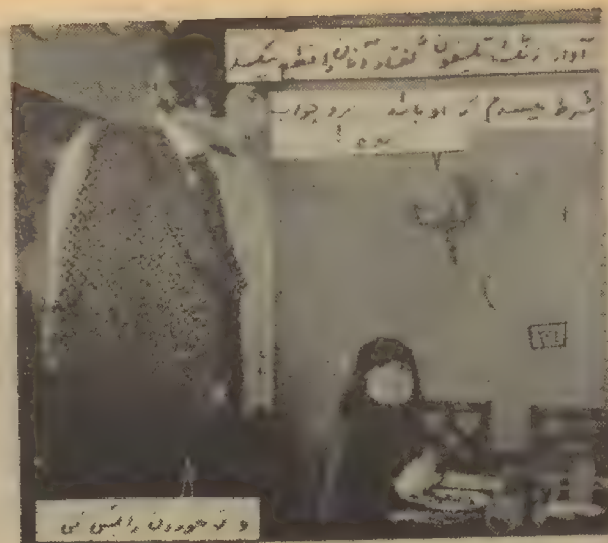
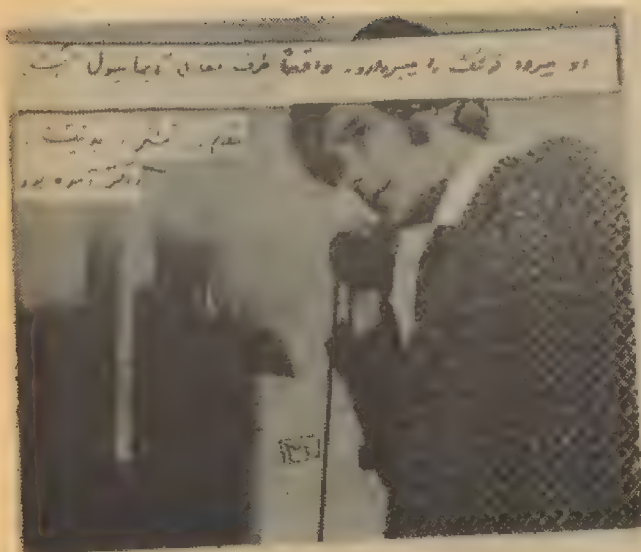
نظر به مطالعه طرز ساختمان های شماره ۳۳ و ۳۴

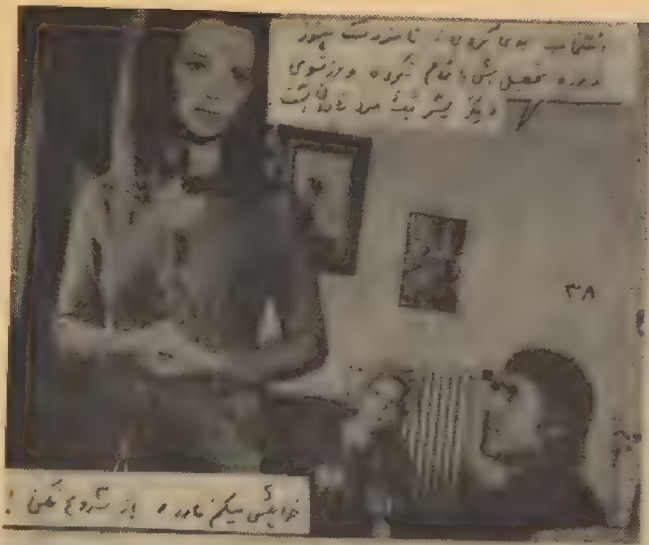
آخرین نوآزش

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل در شماره گذشته خواندید :

از چندی به اینسو، مادر «پال» مریض است و داکتر وضع صحتی او را خیلی خطرناک خوانده است البته عاتق‌همده مریضی او بخاطر بست که همسرش وی را ترك گفته و بازن دیگری زندگی میکند : «پال» درصدد آنست که برود ، پدرش را مجبور سازد تا دو باره بخانه اش بر گردد. و اینك بقیه داستان :



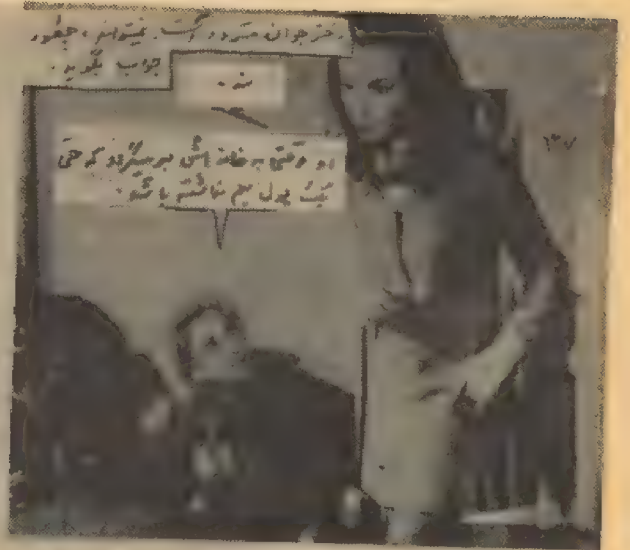




دستار به روی سر نهاده تا حضرت پیروز
در راه تعظیم پیش انجام نکرده و از شوکی
و یکریشتر به سر نهاده است

۳۸

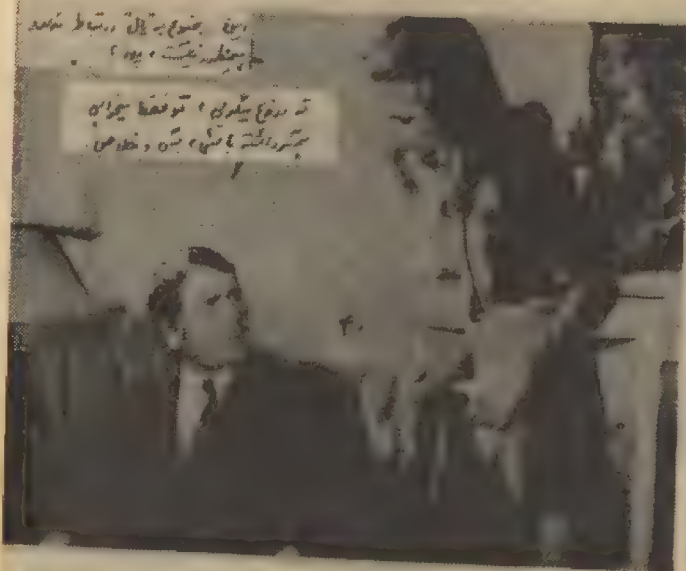
خواهی یک سیگنر نهاده از سر و عین



خیز جوان سر نهاده است. بختی است، چطور
جواب بگویم

او وقتها به خانه اش بر میگردد که حق
بیک پدر هم نداشته باشد

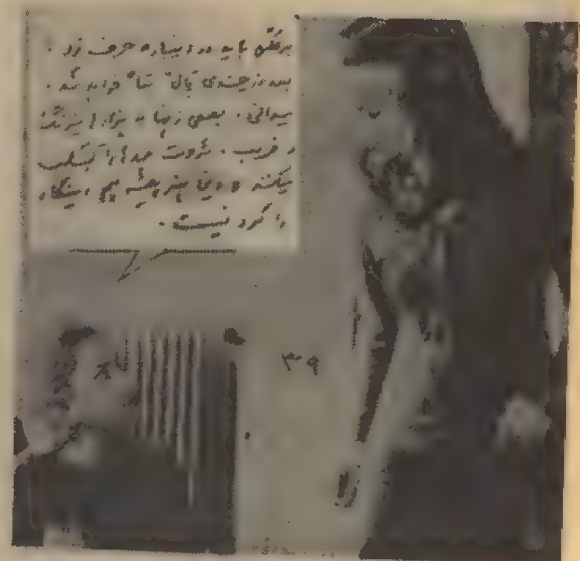
۳۷



این صحنه به آینه در شباط نهاده
چراغی نیست و به

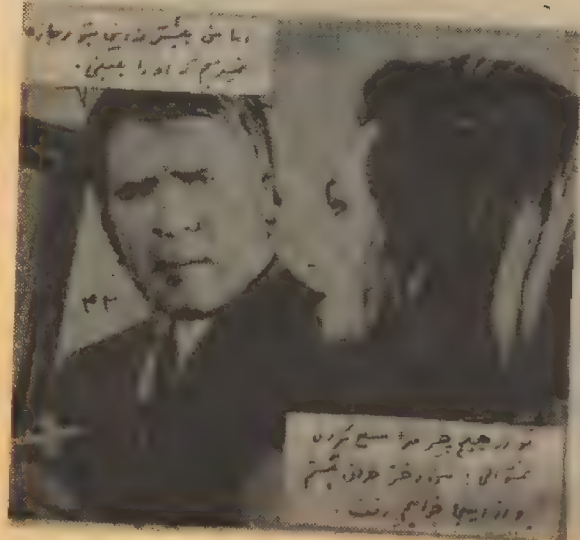
که دروغ بگوید، توقف میزبان
بشود و نشسته باشد و به

۴۰



بر طبق باید در بسیار حرف زد
بسه در چند کمالی تا فراموش
سیدانی، بعضی زبانی به زبان
در فریب، شکر است عهد آتشک
نیکه و در این هنر به هم ایستاده
را کرد نیست

۳۹

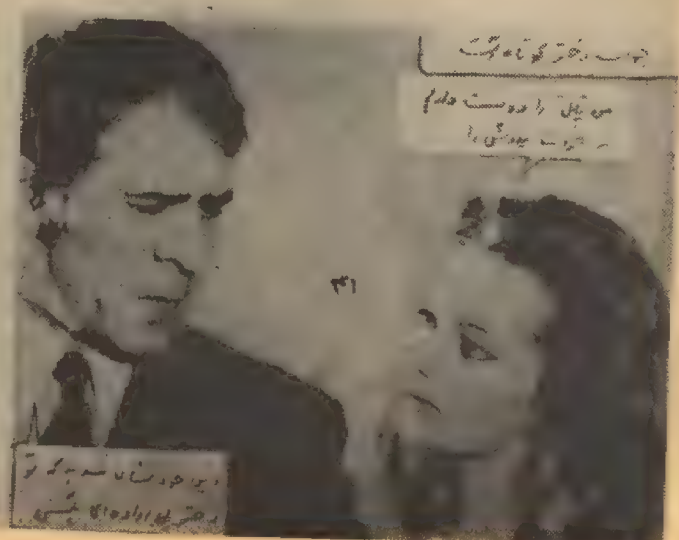


و اما من بیشتر از این بهر و چاره
تصور کنم که او را ببینم

۴۲

تا در هیچ چیز مرا هیچ نکرد
نمونه ای: سر و خیز حرفی بهر
و از اینجا خرابی رفت

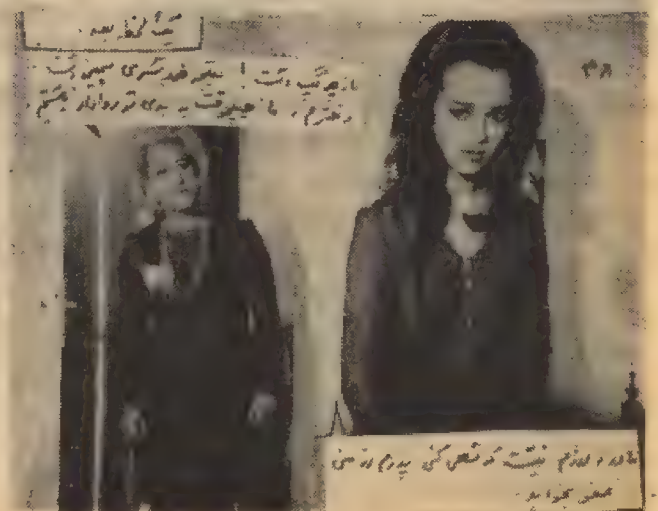
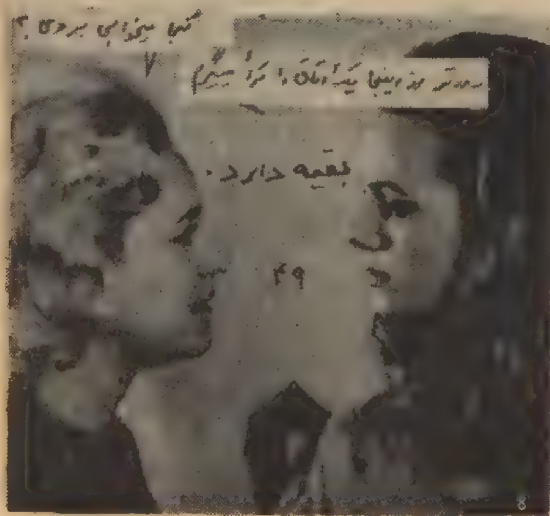
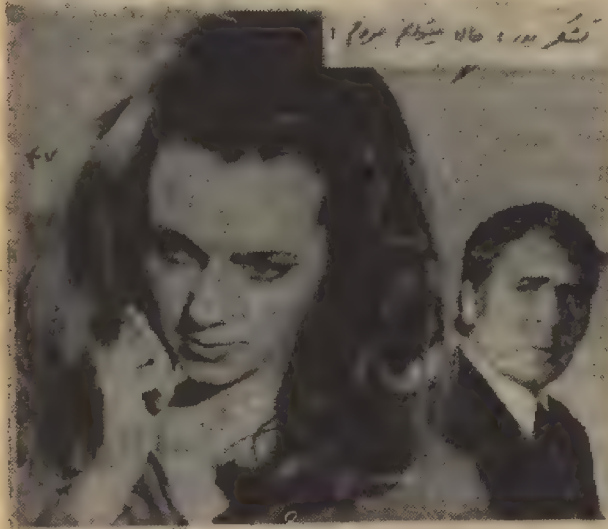
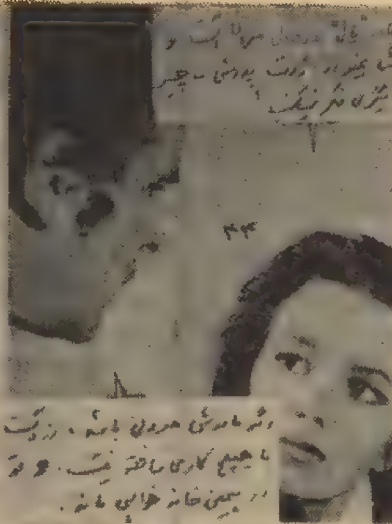
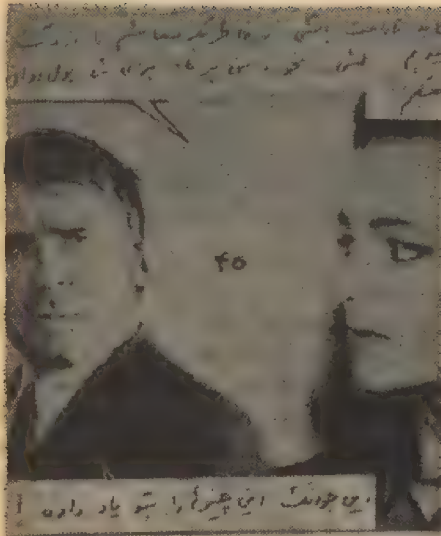
صفحه ششم



چند دختر که تا به وقت
من نیکی را دوست دارم
به هر دو بهر و

۴۱

از هر دو سال به هر که تو
در هر دو بهر و



منه چاره

رئیس دولت و صدراعظم

شخصی از مربوط بوده است از مهمان نوازی که از عن بعل آمده خیلی متعجب شده ام میخواهم یک بار دیگر تکرار کنم با افغانستان روابط یکدست و دوستانه برقرار می شود. دکتور هنری کیسینجر وزیر خارجه امریکا و همراهانش ساعت ۲۰۰ دقیقه بعد از ظهر ۱۰ غروب از کابل عازم تهران گردید.

دکتور عبدالجبار وزیر عدلیه بنیافلسی وحید عبداللہ حسین سیاسی وزارت امور خارجه بنیافلسی عبدالجبار فوٹ مدیر عمومی سیاسی دکتور ریس محبوب رفیق مصطفی ریاست شریفات بنیافلسی میرحسین الدین مدیر شعبه سوم سیاسی و بنیافلسی محمد انور نوروز معاون ریاست شریفات بنیافلسی ایلیوت سفیر کبیر امریکا و بعضی اعضای آن سفارت کبیرا در میدان هوایی بین المللی کابل بدرکتور کیسینجر و تاج گردید.

قبل از ترخیص جانب ایران ایوم متاجر مسافرت وزیر خارجه امریکا و همراهانش که از طرف شعبه عکاسی باختر گزاشی تهیه شده بود توسط رئیس آن شعبه به مشاغلایه اعزام شد.

خبر نگاران باختر اطلاع میدهند که وزیر خارجه ایالات متحده امریکا ویرجین کیسینجر و سایر همراهانش ساعت ۲ بعد از ظهر از مسافرت جالب و هیجان انگیز بزمشکی گسه بودند استقبال نمودند.

بیش از شش ساعت در میان آتش

- علت حریق تا بحال روشن نشده است؟
- خیر، ولی یک حیات با صلاحیت پولیس موظف گردیده تا درین زمینه تحقیقات جدی بعمل آورد. فعلا تحقیق به شدت ادامه دارد.

- ساحه حریق را تخمین زده می توانید؟
- خنده ای میکند، اصلا وقتی برای اینکار نداشته ایم، ولی همانطوریکه مشاهده میکنید سرای عطاری با تمامی اموال آن و منازل قسمت بیرونی عمارت سه طبقه ای سرای و یک قسمت از سرای که جوار سرای عطاری قرار دارد طعمه حریق گردیده است. منازل و پارلمان های که در جوار سرای عطاری قرار دارند با درکانهای اطراف آن کاملاً بهم چسبیده هستند، و اگر قوای اطفائی اردو و پولیس اندکی درنگ میکردند و از تمام قوای دست داشته کار می گرفتند و مبارزه وسیع را با آتش راه نمی انداختند خطر آن می رفت تا آتش به سرای های اطراف و عمارت و منازل متصل سرای عطاری سرایت کند.

- برای خاموش ساختن حریق چند نفر
- همانطوریکه شما حادثه حریق را از نزدیک ملاحظه کردید، آتش بسیار مدعی بود و برای خاموش ساختن آن میبایست قوای زیادی فعالیت میکردند. ازینرو مجموعاً سه هزار نفر از قوای پولیس اطفائی با نیروی اطفائی اردو و ما مورین امنیتی پولیس جهت برقراری نظم و معین ساختن خطوط انسدادی دست بکار شدند.

- برای بررسی اموال و تسلیم دهی آن گردیده و تسلیم دهی آن چه کسانی مؤظف شده اند؟
- برای بررسی اموال و تسلیم دهی آن به مالکین دوکانها یک هیأت مختلط پولیس مبارزاتی کابل و مستوفیت ولایت کابل مؤظف گردیده اند.

این هیأت وظیفه دارد اموالیکه از حریق نجات داده شده است به مالکین آن تسلیم داده شود. باید بگویم که قوای امنیتی پولیس علاوه از اینکه در امر خاموش کردن اموال حریق به عمل اطفائی کک کرده،

بنیافلسی رئیس دولت گفتند:

رئیس ملی ما ضمن صحبت با آنها پیرامون به میان آمدن نظام جمهوری در کشور و نشانی انداخته فرمودند:

رفاه و آسایش همه جانبه مردم این سر زمین و تأمین عدالت در کشور آرزوی دولت جمهوری میباشد. برای بر آورده شدن این احوال و برابری اعتلا و ترقی کشور حکومت به همکاری دسته جمعی همه مردم این شان نیاز دارد.

بنیافلسی رئیس دولت در اخیر روسای تیم های یز که به رابطه اصلت تاریخی این ورزش ملی و همچنان گسترش آن توجه بودند.

ابلاغیه مشترک

جوانب افغانی و امریکایی با هیئت همکاری بین المللی را در ساحه انکشاف اقتصادی و تکنیکی و نقش عمده آنرا در راه تحکیم استقرار و صلح بین المللی تاکید کردند.

طرف افغانی از سبب که ایالات متحده امریکا درین ساحه از طریق همکاری های دو جانبه اقتصادی تکنیکی و علمی در افغانستان گرفته است ابراز خرسندی نمود.

وزیر امور خارجه امریکا آرموند وایمانر حکومت خود را برای همکاری با جمهوری افغانستان در راه نبل به اهدافی انکشاف اقتصادی آن ابراز کرده و باز تپا به این موضوع با اطلاع طرف افغانی رسانید که یکی از محورین عالیترتبه اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا راموطف میسازد تا در آینده نزدیک به افغانستان مسافرت کرده با مقامات افغانی پروگرام های مشترک و پیشرفت حاصله درین امر رسانیدن پروژه هارا مورد ارزیابی قرار دهد.

ساختن حریق بکار انداخته شده بود و عمل اطفائی اردو و پولیس که شدیداً در منطقه حریق فعالیت داشتند در امر خاموش ساختن بناهای حریق و کمک نمودن در کشیدن بعضی اموال که طعمه آتش نشده بود با مالکان دوکان همکاری میکردند. باید متذکر شد که فعالیت قوای اطفائی اردو و پولیس فوق العاده در حور ستایش است چه بطوریکه منطقه حریق بوسیله خیر نگار ما از نزدیک دیده شده نجات یافتن منازل و سرای ها و دوکانها بیکه در قرب وجوار سرای عطاری قرار دارد کاملاً پیوسته باین سرای بنا یافته است، که در اثر فعالیت قوای اطفائی عسکری و پولیس از گزند حریق محفوظ مانده است.

خیر نگار زونوفا که از ساعت ده الی دوازده بجه ظهر در محل حادثه حریق حضور داشت می نویسد که از طرف قوای اطفائی اردو تمام وسایل ضد حریق جهت خاموش

ازدوستان

میر قصد

دل عشاق گرد عارضت مستانه میر قصد
بلی چون شمع روشن شد و صد پروانه میر قصد
مگر نقاش دربت زده نقش جمال تو
که از شوق تو می بینم بت و بتخانه میر قصد
سرا دیروز واعظ و عطر ترک عشق و می میکرد
شکست امروز پیمان و سر پیمانه میر قصد
دل چون دام زلف و دانه خال تومی بیند
ز ترس دام میلر زد ز شوق دانه میر قصد
مگر با دصبا از چین زلفش نگهتی دارد
که بلبل به گلستان جغد در ویرانه میر قصد
که باشد در پس پرده نوایی دلبری دارد
ز آوازش پیم «سوره» را دیوانه میر قصد
«فر ستوده: یزغان»

چند دوبیتی

شب و صلیست گلو گیر شو ای مرغ سحر
پاسی از شب تگدشتست چه فریاد داشت این
امشب بوصل او خوشم ای صبح دم مز
ای آسمان تو نیز شبم را سحر مکن
شب و صال تو دانستم از چه کوتاه است
تو خود ستاره روزی چو پرده بکشایی
حرف شب و صالی که عمرش دراز باد
کو ته تراست زانکه ز دل بر زبان رسد
ما را زشب و صلی چه حاصل که از ناز
تا بیدقبا باز کنی صبح دمید است
بعد عمری شب و صلی شده حاصل مارا
مهلت ای چرخ ده آنقدر که تا صبح شود
فرستنده سنگندر «یوسفی»

از: عبدالوحید (فقیرزاده)

عید فطر

ای دوستان ببینید عید فطر رسیده
چرخ فلک ز عسرت قوس قزح کشیده
ساقی صیام بگذشت می ریزد در پیاله
عمریست چشم تو گس مل در قدح ندیده
عید است ای عزیزان صلح و صفا بپاید
انسانیت چه با شد جز خصلت خمیده
دست مرا بگیر ید برادر که اش رسانید
عمریست کار تو یم بیجا ز من ر میده
ای عاشقان بدیدار حسرت ز دل ربا بد
کان مظهر محبت نایب دگر بریده
تو هم برا ز خانه سیری بیوستان کن
بین از نوای بلبل گلشن بخون تپیده
امشب «وحید» ز حسرت داغی بدل نهفته
او را ز بزم جان نایبخت سیه کشیده

درمان

ای خدا خا موش بکن خا موش بکن
ایندل شورید و سوا ی من
آ تشی زن خرم عمر مرا
خفه بنما در گلو غوغای من
از تما شاه جهان سیرم دگر
کاش چشم بی فرو غم کور بود
کاش یارب حلقه های زندگی
از دو پای ناتوانم دور بود
همچو رودی پر خروشی زندگی
نیست در من بعد ازین تابشنا
تن بدینجا لاجرم می فکنم
کن تصبیم زین شنای رب فنا
کوهری مرگم میسر گرشود
میکنم در مان درد زندگی
(نا دری) با اشتیاق مفرطی
تا چمد پیرو ز قید بندگی
از نصرالله (پوتو، نادری) محصل پوهنشی ساینس

معالجه امراض گوناگون

کلام کلنیک دیده میشود. محل کالای کشیدن اجازه نامه مخصوص برای مریضان ساری بالاپوش های بعد از عملیاتی اتاق داکتران و همشیره ها لایر اتوار تحقیقاتی انستیتوت شعبه مخصوص برای نگهداری سامان و وسایط عملیاتی از تاثیر میکروبیها و غیره .

در یک محفظه فشار سنج بسیار بزرگ آزمایشات را در بالای حیوانات اجرا می نماید این دستگاه هاو چند دستگاه دیگر که از سه محفظه فشار سنج فلزی بزرگ ساخته شده در یک اتاق بسیار بزرگ در طبقه دوم جایگاه شده است در طبقه دوم سالون عمومی (اصلی) شفاخانه میباشد در مرکز سالون سه پولات او پرا تور ها قرار گرفته است عقربک های آلات اندازه گیری درجه حرارت فشار در محفظه هاو وضع هر یک از مریضان را نشان میدهد در اینجا مخابره تیلغونی تیلوژیونی و لار ونگو فونی تامین گردیده است از طرف مقابل در زیر سقف یک میدان دیده میشود که از آن می توان سالون عمومی را مشاهده کرد منظره آن از کدام یک

فلم علمی و فانتیزی نمایندگی مینماید در مرتبه اول وقتیکه به طبقه اول داخل شوید به فکر آن می افتید که در بین یک جنگل انبوه راه را گم گردانید. تل های فلزی هر طرف شما را احاطه کرده است کامپیوسورها، دستگاه های سرد پولات اتو ماتیک، سیستم های فشاری و مخابرات را هر طرف را احاطه کرده است تماماً این تخنیک معلق و عصری طوری تهیه گردیده است که برای مریض بالکل مناسب و مستریج بوده و برای فعالیت داکتران بسیار باطن می باشد.

ما با سالون عمومی بر می گردیم تا هر یک از محفظه های فشار سنج را مطالعه کنیم از همه اولتر ما به ساحه قبل از عملیات می رسمیم یک اتاق نه بسیار بزرگ با دیوار های شیشه ای در آنجا داکتران جراح دست های خود را شسته و بلباس مخصوص خود را ملبس کرده و بعد از آن به مجرائی که در آنجا فشار هوا به تدریج بلند می شود داخل می گردد مجرا مانند لایر اتواری که در

قربانی در معبد

که رویاهای جوانی اش بر آورده شده باشد. رویاهای که از خواب نرومان های چنانچه برایش خلق شده بود. معبد باوصف اینهمه شوق و هیجان رو مان تیک او یک ما مور لایق و پولیس فعالی پار آمده بود فاکتر ضمن صحبت به هوگ خاطر نشان ساخت: هوگ! ما باید به این حادثه درست عمیق شویم و در ست بسو ضوع بیندیشیم. بدین معنا که باید اساساً دو معبد شتون هیگ واقعی که باستان شناسان و منجمان در پی تحقیق آن سر شان را به درد می آورند و دیگری شتون هیگ رومان تیک در برابر ما قرار دارد که عده خو شیاور در باره معبد کشیش ها و دادن قربانی انسا نه با اساس خرافات پسندی به آن معتقد هستند

شکل دومی یک اختراع و تخیل محض میباشد. حتی کو چترین اشتباهاتی برای آن وجود ندارد که کشیش ها کمترین از تباطی با این محل داشته باشند. اکنون ۱۵۰۰ سال از افسانه زیا رتگاه کشیش ها در گورستان شتون هیگ میگذرد. شتون هیگ طبعاً علمی طبعاً بر تابت قابل قبولتر بوده نباید فراموش کنیم که ما در تلاش خود برای پیدا کردن سر نخ مربوط به مساله علمی گورستان شتون هیگ می شویم . اما بارها اتفاق افتید که در حلقه دانشمندان و محققان هم، گاهگاهی بعضی نیایش ها و بر سش های خرافی را به شتون هیگ مرتبط میدانند و این محل را شایسته نذر و نیاز های تلقی مینمایند و من همیشه باشک و تردید در باره دانشمندان و محققان هم، گاهگاهی

به بعضی نیایش ها و بر سش های خرافی را به شتون هیگ مرتبط میدانند و این محل را شایسته نذر و نیاز های تلقی مینمایند و من همیشه باشک و تردید در باره

باید قدری انتظار بکشند تا اینکه فشار به تدریج پایان بیاید یا نین آوردن فشار دفعتاً برای اورگانیزم ضرر داشته مثل اینست که از عمق بسیار زیاد به سرعت به سطح زمین خیز بز نید.

یک محفظه فشار سنج تحقیقاتی دیگری نیز موجود است که تحت فشار بسیار بلند فعالیت می نماید در اینجا بدون اشتراک جراحی می توان قنقره دری را اعلاج کرد.

عصر جلاید جراحی. در محفظه های فشار امید نجات از بیماری امراض موجود است. در شفاخانه

علیشیر نوایی

خائن به چاهی که کنده اند، خود فرو خواهند افتاد نباید شهادت را از کف داد. درست است که وضع خیلی دشوار است، اما هرگاه با اعتماد توام باشی و ایمان دست بکار برده شود، ممکن است هرگونه مرأی را که ستموار سید به هدف است، از میان برداشت حالا باید به سپاه توجه جدی مبذول داشت بگوئید تا افسران موجود از دست نروند باید پوسنه با آنان بود و وی بر حال حکمروایی که از سپاه خود جدا افتد! حسین یاقرا با نگاهی تفکر آهین پرسید: پلان بعدی ما را چگونه تصور میکنید؟

نوایی بدون تردد پاسخ داد:

حالا باید ازین محل خود را گوشه کرد، در پایتخت آدمهای صادق زیادند، شما میتوانید به کمک آنان از تمام اوضاع مطلع گردید... همینکه فرصت مساعد دست داد میتوان بایک اقدام قاطع به این وضع فلاکتناخیز خاتمه داد... حسین یاقرا چشمان خود را بسته، لحظه ای خاموشانه غرق تفکر شد. «باستمال عرق جبین خود را پاک کرد ساین عرق سرد حقیقت تلخ و دهمشت انگیز بود، سپس آهی کشیده از جا برخاست و با صدای لرزان به بیک های خود دستور داد تا فوراً آماده حرکت شوند»

تمام قشون شب و روز راه پیموده، در موضعی بنام (اولنگ سرتاغ) توقف کرد. درین اثنا اطلاع رسید که فعالیت سلطان محمود میرزا دواطراف بلخ گسترش یافته است. حالا حسین یاقرا در قلمرو خود بین دو آتش گیر مانده بود و دست پسوی تاج و تخت خسروانه اش دراز شده بودند میبایستی هر دو دست را از بیخ قطع کند اما هیچگونه اعتمادی به نیرومندی و پیروزی خود نداشت. او از رو برو شدن با دشمن در میدان کارزار میراسید از توقف در یک جایترسید و ناگزیر بود مانند مرغ آشیان گم کرده، هر طرف پرواز کند. از «اولنگ سرتاغ» به دشت (ساقیلمان) گذشت درینجا نیز دسته ای از سپاهیان خویش را از دست داده به (نوه تاغ) آمد و چنین سنجید که حصار مستحکم (اوغروق) را بخاطر مقابله با هر احتمالی در تصرف خود نگذارد. اما خیلی زود ازین تصمیم خود برگشت و حصار را قابل اعتماد ندانست و سرانجام خود را به قصبه (مینجه) رسانید

فصل ششم

حامیان میرزا یادگار با نهایت مهارت و استادی کار را به پیش میبردند. پاینده سلطان بیگم یکی از شاهدخت های معتبر، بر اساس تشویش و رهنمونی انشاهی چون امیر فرید الدین بلراس از منزل خود واقع در خارج از شهر هرات، به شهر وارد شد و باز خود ساختن منتقدین پایتخت بیکها و عاملان خائن، فوراً برادر زاده خود را بحیث سلطان خراسان اعلان کرد. از فراز دژهای پایتخت (شادیانه) نواخته شد و دستور داد تا خطبه نیز بنام میرزا یادگار

شماره ۳۳ و ۳۴

علاوالتین مشیدی با چشمان نیمه باز، موارنه وارد شد و سلطان مراد را دعوت کرد تا برای نزد کوغان بیک برود. سلطان مراد به پناه اینک مشغولیت زیاد دارد از رفتن بکوی معذرت خواست.

درین شهر کسانی را هم دیده ام که از اغراض در مطالعه کار شان به چگونگی کشیده است. علاوالتین با بازماندنی ادامه داد اما مصیبتی بدتر ازین وجود دارد که انسان نامید تقویه عقل از حرد بیگانه گردد؟ بیار ما هراهی کن: سلطان مراد با وضعی گرفته جواب داد: همین کتاب مایه تسلی من اند و به قطعاً از مشاهده مصائبی که بر کشور آمده است دیوانه شدم.

جای برای شکوه و شکایت وجود ندارد، این چرخ کن هر روز برنگی میگردد فرصت را مغتنم بشمار و بکوش تا دقایق زندگی را به خشنودی سپری کنی. بدون تردید، توغان بیک رنگ کدورت از لبی میا خواهد زد. درین روز ماطالع او گل کرده است... چطور؟ سلطان مراد اظهار علاقه کرد: علاوالتین مشیدی مفروانه جواب داد: مگر اطلاع نداری؟ توغان بیک در زمره قهرمانان دوره میرزا یادگار درآمده است!

بقیه در صفحه ۶۷

(بقیه صفحه ۵۶)

معالجه امراض گوناگون

خواب را قطع کرده و از نرسیدن اکسیجن بمغز سر هیچ ترس ندارد تمام این عملیات به کمک محفظه های فشاری در ظرف ۲۰ دقیقه صورت میگیرد و در قلب باز شده اجرا عملیات بسیار ساده می باشد جراحان موجوده به نسبتی عجله می نمایند که خونی را که بمپ ها بجزریان درمی آورد برای مدت دوام داری زنده نمی ماند در شرایط محفظه فشار سنج می توان زمان خاموش زیاد ساخت.

این موضوع مهم دیگر و اشما در نزد خویش محسوس میسازند: نظریه رسیدن آلام خطر پسوی یک حادثه و واقع دلخراش هالیکو پتر امبولانس با داشتن محفظه فشار پرواز می کند در انصورت کمک های اولیه برای اشخاص میض و قریانی حادثات ناگوار، گاه انداز موثر خواهد بود.

بلی طوریکه قبلا یاد آور شدیم (دریای حیاتی) درینجا عبارت از حباب ها یسست که تا مین کردن خون را میبایست می سازد. در شرایط عادی دور کردن قرومپ (لخته کوچک خون) از شا رگ خواب یک عملیات سه مرحله ای مشکل بوده و چندین ساعت را در بر میگیرد. در مرحله اول یک کار بسیار ظریف صورت میگیرد در شاه رگ مذکور یک ترتیبات کوچک را می دوزند بدین ترتیب خون باید به عضلات مغز از راه این ترتیبات علاوگی جریان پیدا کند و در آنجا که شرائین اصلی را قطع می نمایند و ترسوسپ را دور می کنند باید مقاطعه خون صورت

نگیرد دور کردن قرومپ مرحله دوم عملیات فوق الذکر و تشکیل میدهد در مرحله سوم ترتیبات علاوگی را که در مرحله دوخته بودند جدا سازند در محفظه های فشاری ذاکتر جراح با اطمینان کامل شاه رگ

خوانده شود میرزا یادگار بسرعت و شتاب از ولایت (طوس) حرکت کرد.

عامه مردم که مرکز از سلاطین روی نیکی بدیده و با تبدیل پیهم آنان کاملاً عادی شده بودند، در برابر این رویداد هابی اعتنا باقی ماندند اشراف و اعیان شهر برای اینکه خویشان را به سلطان نومقرب سازند و به آرزوی اینکه شاید تیول (۱) توصیف شان

کرد چهار چشم در راه انتظار و نشستند... بالاخره لباس های فاخر اطلس و کمخواب دربر نموده سوار بر سبهای راهوار با فاصله یک فرسنگ از هرات به پیشواز میرزا یادگار پرداختند در برابر سلطان جوان نیکار خم شده رسم تعظیم بجا آوردند و دامش را بوسیدند میرزا یادگار پس از مراسم دعا و تشریفات پر شکوه دو ساعت (سه) وارد هرات شده در (باغ زاغان) بر تخت نشست

میرزا یادگار هیچگونه معلوماتی درباره اداره امور مملکت نداشت و نمیخواست درین زمینه چیزی بیاموزد. شهرزاده فرورفته در خود ازین گذشته اوحسین یاقرا در کجا ستوجه میکند و چه تصمیمی دارد کمترین تشویشی در خود راه نمیداد (باغ زاغان) یاز دختران زیبا شد و محافل عیش و نوش اوج گرفت

امور دولت را پاینده سلطان بیگم انجام میداد. طبیب دلسوزی این خانم بخاطر برادر زاده اش با آنزوی ابر برای فزودن به حیثیت در اعتبار خودش پیوند ناگسستی داشت او چنین می پنداشت که حقیقتاً به آرهان خود رسیده است و به صفت زن خود منده و کار آزموده شهرت یافته بود. علاوالتین مشیدی و شرای دیگری پسویه او چاکمه های در ستایش او سرودند اما پاینده سلطان بیگم موفق نشد به فرورود خود سری های سرکردگان ترکمن خاتمه دهد بر عکس ناگزیر بود. با آنان راه سازش خویش گیرد، زیرا تمام نیروی جنگی در اختیار آنان قرار داشت. همچنان آنها بودند که میرزا یادگار را به قدرت رسانیدند و میبایستی ظر بر ابروینا نیز حمایتش کنند اما این سرکردگان به پسو استفاده از موقعیت و صلاحیت خود آغاز نمودند. در هرات دماحول، آن خود سری و بی بندوباری فزونی یافت، مردم تحت فشار شدید قرار گرفتند.

...

درین روزهای دشوار و پراز آتشی که بر هرات آمد سلطان مراد تقریباً از بندرسه بیرون نرفت در میان دیوارهای سنگی مدرسه بزرگ که نظیر حصاری عظیم دامن گسترده بود در کتب (۱) تیول زمینی بود که سابقاً از طرف سلاطین و پادولت به اشخاص بمنظور بهره برداری داده میشد.

— قالین های کشور ما دارای خصوصیات و مریت های خاصی می باشند که از همین سبب محبوبیت جهانی کسب کرده اند ، از جمله دست بافی استفاده از پشم خالص پختگی رنگ ، دوام زیاد قالینهای افغانی نسبت قالین های بعضی مما لك دیگر چشمگیر است و توجه اکثر خارجیان را به خود جلب کرده است .

با وجود آن ، اتحادیه قالین برای بهبود کیفیت قالین و انكشاف صادرات آن پروگرام های خاصی را تنظیم کرده که از جمله سورت و عدل بندی ، کنترل قالین های صادراتی ، دایر ساختن نمایشگاه ها ، برگزاری جشن قالین و توزیع مدال ها و جوایز برای مولدین را می توان نام برد .
وی افزود :

— همچنان تبلیغات جهانی ، نشر پامفلیت های مصور و به السنه خارجی و اشتراك در نمایشگاه های بین المللی ، از اقدامات دیگر ماست که باعث صعود قیم و تزئید صادرات آن شده است .
می پرسم :



کوشه یی از جشن قالین در کشور

در نه ولایت کشور ۵ به

صادرات قالین افغانی به خارج سالانه به چه پیمان می رسد ؟
رئیس اتحادیه قالین درین مورد می گوید :

— مقدار صادرات قالین بخارج هر سال در تغییر است ، مثلاً در سال ۱۳۵۰ در حدود (۴۵۸۴۴۱) متر مربع قالین از طریق گمرکات مربوط صادر گردید و این رقم در سال ۱۳۵۱ به (۵۰۹۱۸۰) متر مربع و در سال ۱۳۵۲ به (۴۵۳۲۵۶) متر مربع رسید .
در نیمه اول امسال (۲۶۳۲۵۶) متر مربع قالین توسط تجار افغانی به مارکیت های جهان صادر و عرضه شده است .

از رئیس اتحادیه قالین می خواهم تا کمی پیرامون نقش این اتحادیه و اعضای آن روشنی اندازد .
وی میگوید :

به سوئیس ، آلمان غرب ، انگلستان ، ایتالیا ، هلند ، امریکا ، دنمارك ، بلژیک ، اتریش ، سوئدن ، فنلند ، بیروت ، جدّه ، جاپان ، فرانسه ، کانادا ، هند ، پاکستان ، ایران ، نیوزیلاند ، تاروی ، بنکاک و آفریقا مستقیماً صادر می گردد .
ظرافت قالین های هرات و بادغیس ، استحکام قالین های فاریاب و بلخ و مقدار تولید قالین در ولایات جوزجان ، بلخ ، فاریاب و کندز حایز اهمیت می باشد .
قالین های موری هرات و بادغیس و قالین های آلتی بو لکی و آقچه یی در مارکیت های جهانی شهرت خوبی کسب کرده است .

بناغلی خان محمد رئیس اتحادیه صادر کنندگان قالین در پاسخ سوالی راجع به مزیت قالین های افغانی نسبت به سایر ممالك در مارکیت های بین المللی گفت :

از ك سر آب

در ۲۳ مملكت آسیایی ، اروپایی امریکایی و آفریقا مارکیت های فروش قالین افغانی وجود دارد .

۲۶۳۲۵۶ متر مربع قالین در نیمه اول امسال به خارج صادر گردیده است .

مزیت قالین های کشور ما ، در مارکیت های بین المللی ، توجه ممالك مختلف جهان را جلب کرده است .

برای انكشاف صنعت قالین پروگرام های وسیعی طرح گردید .
است .

.....

كلكان هنر آفرین قالین بافان افغانی ، باعث گردیده تا شهرت و محبوبیت قالین های افغانی ، بدور دست ترین نقاط دنیا برسد و این صنعت ملی قلم درشت صادراتی کشور را ، تشکیل بدهد .
همین اکنون در نه ولایت کشور در حدود پنجمصد هزار نفر بصورت مستقیم و غیر مستقیم به صنعت قالیباف اشتغال دارند و قالین های ساخت دست های هنر مند شان



این چهره‌ها ظریفترین محصولات افغانی را عرضه میکنند.

چنانچه نتیجه فعالیت های آن برای بهبود کیفیت و تزویدصادرات و توسعه مارکیت های تجارتی و بالاخره صعود قیم قالین درخارج همین حالا محسوس است .

آخرین پرسش را پیرامون سابقه صادرات قالین ، با رئیس اتحادیه قالین مطرح می کنیم ، که وی در پاسخ آن میگوید :

قالین افغانی بحیث یک بدیده ظریف و مملو از آفریده های هنری ، محصول انگشتان هنرمند بافندگان کشور ، از سالهای

متمادی به اینسو ، در تجارت خارجی افغانستان نقش بارزی داشته است ، اما صادرات آن باتوجه به تکامل اقتصادی و ارتباط تجارت افغانستان باجهان خارج متفاوت بوده است .

مطابق به اساسنامه این اتحادیه فعالیت در راه اصلاح و انکشاف صنعت اصیل قالین افغانی و توسعه بازار یابی آن در جهان، از وظایف اتحادیه صادر کنندگان قالین می باشد .

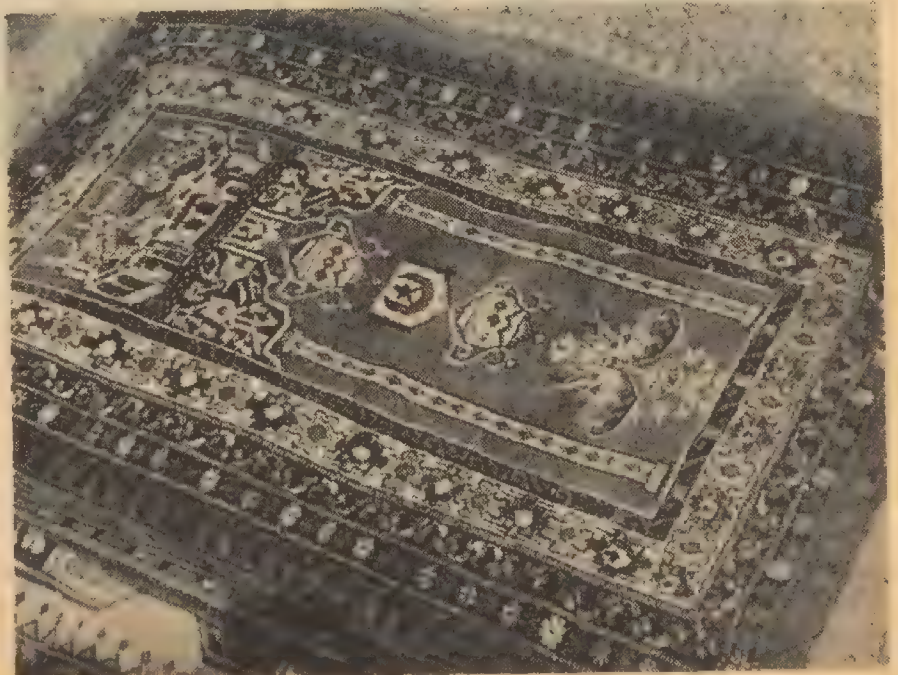
این اتحادیه که یک موسسه غیر انتفاعی بوده ، از طرف تجار و موسسات صادر کننده قالین بمیان آمده سه نفر نمایندگان وزارت تجارت ، پهنستی تجارتی بانک و بانک ملی ونوزده نفر تجار ، هیات مدیره این موسسه را تشکیل می کنند .

نباغلی خان محمد می افزاید :
به تاسی از اهداف اقتصادی دولت جمهوری افغانستان این اتحادیه توانسته است ، تا درساحه انکشاف صادرات و اصلاح جنسیت قالین های افغانی نقش بارزی بگیرد.

صنعت قالین اشتغال داند

در سال های قبل از جنگ جهانی دوم ، تجارت قالین افغانی در حلقه محدودی از کشورهای همسایه محدود بود .

اما در حال حاضر خوشبختانه قالین افغانستان به وسیع ترین مارکیت های اروپا، امریکا، استرالیا، آفریقا و آسیا راه یافته است و شهرت آن ها روز بروز در جهان بیشتر می گردد .



قالین افغانی زیبایی خیره کننده ای دارد



قالین افغانی زیبایی خیره کننده ای دارد

سپین گل...

حیره به بی گری وی یانه چی دبدو په ساعت همدان
بغوان (انارگل) اودخان مشرزی پری دانوتی
دی دوی چی داحال لیدلی دی خپله وضعه یی نده
بدله گری او دیخواپه شان یی له سپین گل
سره خبری بلی خواته بیولی دی نجلۍ هم
دوی په راتگ سره زوپه انگنوتی ده.
خوچی شپه شوی خان اونور زمان یی راقول
شوی نومشر زوی یی ورته داکسه گری ده،
جیلی لورته به یی ختویلی وی یانه خوزمون په
کاسه بی خاوری گری ...

دوی بخپل منځ کی مصلحت گری وچی په هر رتکه
وی سپین گل به پندی چی ژمودله لور سره یی خبری
گریدی له منځه وړو. خبر خوله دی خبری خو
میاشتی تیری شوی دخان او کورنی وضعه یی له مون
سره هېڅ بدله نه شو اوله یخواپی لازیات ښه
وضیعت راسره کاوه ترخو چی په همدغه مازیگر
سپین گل له موږ بوته لومړی یی په خپلو بزرگانو
پسی لیرلی ویبایی ورته ویلی ووچی گوزی
دردنی ته په ژړنده گری پسی لاپشه دی خوارچی
دردنی ته ورننوتی دی نو سملاسی ورپسی دخان
نوکړان اوزامن ننوتی دی اودی خوادیی لومړی
ژندی گری بیایی په چرووهلی او مری یی ورته
به چرکی غوزار گری ونوانارگل ته دغه کیسه
نوله خرگنده وه هندی حکومتی مامورانو ته گرووه
مامورانو چی دافان گل خبری اوریدلی وی
او ورسره ورته دخان پندی معامله کی دنگ
راتگ نه هم دا اشتهای پیدا شوی وه، چی
خه خبره خوشته ؟ خوچی انارگل ورته دا
کیسه گری وه، نویی پندی خبره یقین لاپوخ
شوی وه نو هماغه وه چی خان، زمان او په
گوته شوی نو کران یی ټول حکومت ته را
وغوښتل، اود لږ تحقیق په پای کی ټولو
دسپین گل په وژلو اقرار وکړ، بیایی نودوی
بنديان کړل، او هغه خواران چی په ناحقه
ژندانی گری وو، بیرته خوشی کړل.

بله خبره ورته وکړم، تا پوښتنه ونه کړه
چی خان ولی دباړگل زمان دسپین په وژلو
وینول ؟ ما ورته کړل : ښه، بابا، نوداهلکان
بیولی ښودلی وو ؟

داخو داسی خبره وه، چی په کوز کلی
کی دخان ځمکی دی، هلته کومه ورځ دخان
دکړوندو په پوله ددی هلکانو موږغا پیوله
چی دخان منځوی زوی پر برابر شوی، اودی
ښځی ته یی کنځلی سیکي سپوری ویلی دی،
ودنځی اولهک تر منځه شور پیدا شوی،
پندی کی دباړگل کوم زوی داغلی، اودخان زوی
یی کوم سوک څپره وهلی دی، نو پندی ټول
خان دوی ته په غضب و، چی کله به یی په
دام کی گبیامی. همدغو چی دسپین گل د وژلو
په ناحقه تورپی تودن کړل.

دخان په بشلی کیلو سره یی ښځی زمونږ
په ناحقه تورپی تودن کړل، او

نخستین جعبه اسرار آمیز

اطراف ستوپه ها را، رواق های
مستحکمى احاطه کرده است. در
اطراف این معبد، حجره های زیادی
نیز تا حال کشف گردیده که دارای
ساختمان های خاصی می باشد.

رواق های که در معبد هده، ناحال
در جریان حفريات کشف شده، به
سی رواق مزین و منقوش می رسد.
داکتر زمیالی طرزی در آخر این
گفتگو راجع به ارزش آثار هده
میگوید:

— مطالعه آثار هده، این موضوع
را می رساند، که هنر مندان این
کشف گردیده، غیر منقول است و

اما در جریان حفريات هیئات علمی
افغانی ثابت شد، که در هده يك
مکتب هنری خاصی وجود دارد، که
آثار را خود هنر مندان هده، از گل
می ساختند.

ظرافت کار و مهارت هنر مندان
هده، در سایر نقاط دنیا کمتر دیده
شده و از بهترین آثار هنری باستانی
به شمار می رود.

وی علاوه میکند:
— يك قسمت آثار مهمی که از هده
کشف گردیده، غیر منقول است و

وبخش سوم تحقیقات علمی در هده
مربوط بدوره کار باستان شناسان
مدیریت عمومی باستان شناسی
وزارت اطلاعات و کلتور است. که از
سال ۱۳۴۵ شروع شده و هنوز هم
ادامه دارد.

هیئات افغانی در تبة شتر به کاوش
های علمی پر داخه اند و آثاری که
ازین محل کشف گردیده، از بهترین
آثار تاریخی مکشوفه در آسیای
مرکزی است.

مکاتب هنری هده:
داکتر طرزی پیرامون مکاتب هنری
هده میگوید:



اند، که هنر مندان دوره رسا نس
ایتالیا از آن پر خور دار بودند.
بر رسی آثار هده، قسمت های
تاریک مکاتب هنری و هیكل تراشی
سده های دور تاریخ را روشن می
سازد، که تا قرن دوم می رسد.

در شماره آینده گزارش اختصاصی
ما را پیرامون نه گنبد بلخ باستان
که از نخستین آثار اسلامی بشمار
می آید، مطالعه خواهید کرد.

در خود محل ترمیم و حفظ شده
است، مطالعه این آثار نشان میدهد،
که منشاء کار هنر مندان هده راگل
نشکیل میداد و بر روی آن از اکسید
سیماب و طلا استفاده می کرده اند.
پرسش دیگرم از مدیر عمومی
باستان شناسی در باره معبد مکشوفه
هده است. او میگوید:

— معبد تبة شتر دارای يك ستوپه
مرکزی و ۳۳ ستوپه فرعی است و

— در حفريات هیئات فرانسوی
آثاریکه بدست آمد، از مواد
«یستوکی» ساخته شده بود، که
شامل چونه و براده مر است.
بعد ها با تحقیقات بیشتر و بسا
مقایسه آثار مکشوفه هده با «تکسیلا»
معلوم شد که در هده دو مکتب هنری
وجود داشته که یکی مربوط به
سنگتراشان شسیت و دیگر از هیكل
تراشان ستوک است.

له خیل کلی بی وشړلو. مون هدی کلی ته
راغلو. اوس نو دخپلی شیی او ورځی
گوزاری لپاره زهلوکوم اودا بوئی اوکل ځانگه
رابسی وپی ټولوی. بابک می په کلی کیله
چاسره مزدور گری دی. او زه دادی په دی می وویل:

— بابا ! له لونه می وکښلی معالی درنه
غوږم، خدای دی چاره وکړه: چی ددغو
رېږونو خلاص شی.

خپل خادر می وځانده او په اوږدو می واچاوه
اوله دوی غصه راوراښ شوم.

احمد ضیا خواننده

توانسته ام بصورت علمی و فنی به آنها دسترسی پیدا کنم.

احمد ضیاء در مورد هنر موسیقی در کشور گفت:

احمد ضیاء در مورد هنر موسیقی در کشور گفت:

سر زمین باستانی و هنر آفرین ما با داشتن کو مهای شامخ، دره های سر سبز، آبشار های فراوان، مناظر زیبای طبیعی و زیبا رویان پاک دامن در طی سالیان متمادی الهام بخش هنر مندان ما در رشته های شعر، ادب، موسیقی، مجسمه سازی، نقاشی و غیره بوده است که از هر رشته این هنر ها گنجینه های با ارزش ملی و ثقافتی هم اکنون در اختیار داریم، ازین رو گفته میتوانم جوانان و هنر مندان ما بخصوصیت ذاتی بی که دارند، توانسته اند تا جایی که مهای جد و جهد خود را

برای حصول هنر خصوصاً موسیقی بردارند. ولی متأسفانه در دهه اخیر همانطوریکه افعال در ساحات مختلفه مملکت ما از طرف موسسات مسؤول رخ داده بود، به موسیقی نیز توجهی نمی شد. یکتعداد جوانان و علاقه مندان که درین رشته ذوق داشتند هر کدام با بسا مشکلات و شرایط نا مساعد رو پرو بودند. اکنون نظام جدید جمهوری جوان ماسعی میکند مانند سایر کارها، یکبارگی برای رفاه مردم ماست به هنر موسیقی و دیگر هنر ها نیز زمینه های بهتری رامپا کند تا هنر مندان بتوانند به فعالیتهای هنری خویش ادامه دهند. چنانچه جوایز مطبوعاتی شا هد این مدعاست.

مو صوف در مورد اصالت هنر گفت:

در نظر من اصالت و نجابت يك هنرمند در اجتماع خیلی ضرور ریست زیرا هنر مندان تیاتر، سینما، موسیقی و غیره هر کدام کوشش میکنند چیزی را از اجتماع بگیرند و بطور سچ واپس برای اجتماع تقدیم کنند و هنر را برای مرد مش عرضه بدارند.

درین صورت لازم است که هنر مندان ما با اصالت هنری و افغانی که دارند نمونه اخلاق پسندیده انسانی باشند بخاطر آنکه هنرمندان بیشتر

مورد علاقه بوده اند و تعداد زیادی میخواهند با هنر مندان آشنا شوند واز خصوصیات آنها با خبر باشند.

احمد ضیاء در پاسخ این سوال که آیا در آینده بحیث يك هنر مند شناخته خواهد شد گفت:

البته در مقابل عزم متین استعداد و پشت کار بودن اشکالی نیست که انسان به آنچه میخواهد برسد. و این یکی از آرزو ها و آر مانهای دیرینه ام بود و میباشد.

از پروگرام های رادیو یاد آور گردید:

پروگرام موسیقی رادیو افغانستان توانسته است خدمتی را درین اواخر برای مردم خود انجام دهد از جمله پروگرام «موسیقی برای هر ذوق» آهنگها و نغمه های مختلفه را به سمع شنوندگان خود میرساند که اسباب خوشی را فراهم میسازد. در اخیر گفت:

قبل از آنکه برادیو افغانستان آواز بخوانم در چندین کنسرت ها در لیسه نعمان، جمنازیوم انستیتوت پولیتخنیک و ادیتوریم پو هنتون کابل حصه گرفته ام. هم چنین در نخستین جشن پر افتخار جمهوری شبانه به کمپ پو هنتون کنسرتی که از طرف جوانان با ذوق پو هنتون کابل صورت گرفته بود اشتراک ورزیده بودم، در خلال آن شبهای خجسته بهمراهی آرکستر آ مانور آ مریت موسیقی به کمپ حربی پو هنتون نیز کنسرت داده ام.

(بقیه صفحه ۸)

موسسه آزادی

این پیروزی موسسه آزادی فلسطین در حقیقت خیلی ها در خور ارزش واطمینان است. چه بدینوسیله نخست از همه زمینه آن مساعد خواهد شد تا مطابق پلان قبلی يك حکومت جلای وطن آن موسسه تاسیس گردد. غالباً این حکومت در طرابلس متمرکز خواهد بود چه رهبر لیبیا قبلاً موافقت خود را برای پذیرفتن مرکز این حکومت در لیبیا ابراز داشته است.

وقتی حکومت جلای وطن خود را ساختند آنگاه فعالیت های آزادی

خانواده ای در گیر دودار توفان

به کمک دیگران نمود. من تا اکنون از جرأت او فخر می کنم ولی تا اکنون حال نسبت به او متأسر شدم.

کمی بعد تر موتر های امبو لانس رسید و زخمی ها را حمل نمودند. سه نفر در رستو ران کشته شده بودند یکی از آنها همان موتر وان

چاق که نزدیک میز ما نشسته بود، و یک نفر دیگر چند میل دور تر. هنگامیکه اتاقش از شدت توفان در هم کو بیده شده بود، جان سپرده بود، هفت لاری و ۱۴ موتر بکلی از کار افتاده بود، در طول جریان که این توفان به درازای ۱۰۰۰ فست ساخته بود هزاران درخت از ریشه برآمده بود.

بعد تر دانستم که چرا زیرا گرد باد در حین حرکت يك فضای کیف ماندی می سازد که قدرت کشش آن به صورت نا باوری زیاد است. تعمیر ها مانند قطعی کو گرد در هم کو بیده شده بودند، پل ها، لکومو تیف ها مانند اسباب بازی اطفال بهوا پریده بود.

همچنانکه بسوی تپه های مجاور می راندم از دیدن منظره ی بیرون شگفت زده شدم. آنجا، فقط کمی دور تر همه چیزی ای بوده آفتاب می درخشید، برگ های سبز درخت ها زیر نور طلایی رنگ آن، خواهی شان در داخل يك نظم و ترتیب دنبال میشود و علاوه تا این حکومت آواز خود را به جوامع بین المللی و تمام کشور های صلحدوست و آزادی خواه جهان به نمایندگی از يك کتله آواره و خانه بدوش رسانیده از معاونتهای جاری و معنوی شان برخوردار خواهد شد.

بدون شك شناختن موسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده کامل فلسطینی ها از جانب تمام سران عربی و دعوت نماینده آن موسسه برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی تأثیر عمیقی بر روحیه اسرائیل و طرفداران گذاشته است چنانچه اسرائیل بسه تعقیب فیصله کنفرانس رباط عکس.

پس به کمک دیگران نمود. من تا اکنون از جرأت او فخر می کنم ولی تا اکنون حال نسبت به او متأسر شدم.

کمی بعد تر موتر های امبو لانس رسید و زخمی ها را حمل نمودند. سه نفر در رستو ران کشته شده بودند یکی از آنها همان موتر وان چاق که نزدیک میز ما نشسته بود، و یک نفر دیگر چند میل دور تر. هنگامیکه اتاقش از شدت توفان در هم کو بیده شده بود، جان سپرده بود، هفت لاری و ۱۴ موتر بکلی از کار افتاده بود، در طول جریان که این توفان به درازای ۱۰۰۰ فست ساخته بود هزاران درخت از ریشه برآمده بود.

بعد تر دانستم که چرا زیرا گرد باد در حین حرکت يك فضای کیف ماندی می سازد که قدرت کشش آن به صورت نا باوری زیاد است. تعمیر ها مانند قطعی کو گرد در هم کو بیده شده بودند، پل ها، لکومو تیف ها مانند اسباب بازی اطفال بهوا پریده بود. همچنانکه بسوی تپه های مجاور می راندم از دیدن منظره ی بیرون شگفت زده شدم. آنجا، فقط کمی دور تر همه چیزی ای بوده آفتاب می درخشید، برگ های سبز درخت ها زیر نور طلایی رنگ آن، خواهی شان در داخل يك نظم و ترتیب دنبال میشود و علاوه تا این حکومت آواز خود را به جوامع بین المللی و تمام کشور های صلحدوست و آزادی خواه جهان به نمایندگی از يك کتله آواره و خانه بدوش رسانیده از معاونتهای جاری و معنوی شان برخوردار خواهد شد.

بدون شك شناختن موسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده کامل فلسطینی ها از جانب تمام سران عربی و دعوت نماینده آن موسسه برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی تأثیر عمیقی بر روحیه اسرائیل و طرفداران گذاشته است چنانچه اسرائیل بسه تعقیب فیصله کنفرانس رباط عکس.

علیشیر نوائی

سلطان مراد علاقمند شد تا بوقایع روز از نزدیک آشنایی پیدا کند مخصوصاً ازین رهگذر که در طرفداری نوائی از حسین، بایقرا کوچکترین تردیدی نداشت لذا خیلی مایل بود تا از وضعیت وموقف سلطان سابق مطلع شود، او بامید کسب معلومات از جریان گفتگو با توغان بیک ناگهان از چاپرخواست علاءالدین مشهدی راجعاً به تعجب ساخت پس برخیز تا کشتی بزنم و بر گردیم:

کوچه های شهر ناریک خاموش و خلوت و نوعی هراسی انگیز بودند.

باینکه هنوز اوائل شب بود عابرین تک تک بنظر میرسیدند...

فقط سپاهیان سوار هر لحظه چون طوفان باد سرعت میگشتند گرد و خاکی که از سمستوران آنها بر میخاست دماغ را آذیت و نفس را خفه میکرد.

سلطان مراد با اشاره علاءالدین مشهدی خیلی آهسته گام بر میداشت.

آنها را نزدیک در برده پیر- نوربا پایداری کرد و گفت که توغان بیک تاکنون نیامده است.

علاءالدین آهی کشید و لحظه ای در تاریکی ساکت ماند و بعد از آن بدون توجه به اعتراض سلطان مراد به برده دستور داد تا میمانخانه

را بکشاید و دست سلطان مراد را گرفته گفت:

- بیا کمی استراحت کنیم، شاید تا آنوقت بیک جوان هم برسد.

نوربا با در میمانخانه شمع افروخت و در راه گشوده آنها را بدخل رهنمونی کرد.

چون دریچه را گشودند هوای خنک شب بدخل خانه وزید، سلطان مراد متاثر از آمدن خود برو در هم کشید. علاءالدین مشهدی در صحبت از شعر و شاعران باز کرد و گوشت اندیشه های دایر به زیبا یسی و غنای زبان نوائی را رد کند. این وضع به عصبانیت و هیجان سلطان مراد افزود و ناگزیر شد بخاطر قطع زبان علاءالدین حرف بزند او توانست باسانی اثبات نماید که ندم شاعران معاصر، قافیه پر فانی بیش نیستند و گروهی از آنان فقط دنباله روان تا توان شعرای بزرگ قدیم اند. علاءالدین بر طبق عادت، پس از اظهار چند کلمه تنوتلخ

چشمان خود را بست و خاموش ماند بعد از آنکه نوربا با خوان گسترده و روی آن انواع میوه چیده شاعرانگی شگفت ۱ و طرور متصل بسته و پادام می شکست و در ستایش هوا و طبیعت «بادغیس» سخن میگفت بابر چیده شدن خوان، سلطان مراد تقاضای بازگشت نمود درین اثنا صدای حرکت اسبها بگوش رسید. علاءالدین مشهدی از خرسندی شکفت و سلطان مراد را به نشستن وادار ساخت لحظه ای بعد توغان بیک با بسی هوازنگی از دروازه چشمانش از مستی مبرخشدند از دیدن همه آن خوشحال شد و به نوربا دستور داد تا فوراً طعام و شراب بیاورد پیاله هارا پر ساخته بآنها تقدیم داشت و خواهش کرد تا بنوشند.

علاءالدین مشهدی از همان قند اول سرشار گردید و تسلسل سخنان خود را از کف داد و پس از سر کشیدن قند دوم دست

به جیب فرو برده قصبه مطولی را که در مدح پاینده سلطان بیک سروده بود بیرون کشیده خواند و آنرا به توغان بیک سپرد تا به آن «نادره دوران» تقدیم نماید.

سلطان مراد از توغان بیک پرسید:

شما درباره ذکاوت و ذکاوت این زن چه عقیده دارید؟

- همه او را گنجینه خرد میگویند توغان بیک باخنده ای زیر کانه افزود چه عجب حسینی دارد اما من تاکنون در وی هیچگونه علامه ای از خردمندی ندیده ام!

علاءالدین مشهدی باسوز ناله و اعتراض کرد اما توغان بیک بدون آنکه در پاسخ وی چیزی بگوید روی مسایل دیگری حرف زد سلطان مراد از وی درباره وطیعه کنونیش و ضمناً از وضعیت حسین بایقرا و چگونگی نیرو هایش سوال کرد. توغان بیک راجع به وطیعه خود همینقدر گفت که داورقربان سلطان جوان میباشم و حال ساخت که وضع حسین بایقرا دشوار است. جوانانش دسته دسته میگریزند، می آیند و به میرزا یادگار می پیوندند و در آخر صحبت با صدای موگد گفت:

(نا تمام)

شگوفان شدن استعداد

بر آینه

می پرسم

به نظر شما تبارز دادن استعداد و استفاده خوب از این استعداد در میان گروه های ورزشی چگونه است؟ و ورزشکار در رشته که برگزیده است چگونه به موفقیت خواهد رسید؟

ملیحه میگوید: به پیروزی رسیدن از جد و جوی و درین مقامات مسئول، کفزدن ها، هلله های تماشایی خالی از تشویق نخواهد بود اگر ورزشکار دستمزدی از کارش در نمی یابد و یا از طرف معلمین اش تشویق نمی شود مسلم است که کارش روبه رکود می نهد چهره اش را غم می پوشاند و از کارش دلزده میشود.

می پرسم:

میتوانید بگوید علت بروز یکسلسله عین همکاری میان تیم های مکاتب چیست؟

نسرین میگوید:

«از آن جا که در طول سالهای گذشته استعداد های زنان در ورزش تقریباً نادیده گرفته میشد ولی حالا که رژیم مترقی جمهوری دست به جنبش همگانی در همه رشته ها زده است بدون شک رقابت های هم به میان میاید که اگر این رقابت ها سالم و برای بهبود ورزش باشد در پیشرفت ورزش طبقه نوان مؤثر خواهد بود

ملیحه میگوید:

«من گفته های نسرین جان را تأیید میکنم و امیدوارم این رقابت ها سطح ورزش مکاتب دختران را بالا ببرد و اگر کشش وجدال هم صورت بگیرد این از علاقمندی ورزشکاران و تماشایان تیم مورد علاقه شان است که باز هم پیشرفت و پیروزی تیم بی اثر نخواهد بود خوب در پایان برای ورزشکاران چه حرفی

اگر میخواهید لکه های

استفاده از این پودر را تجویز نمی کنند. مایعی است سفید و رنگ شبیه به گشیز که متنها بر طرف کردن لکه مشروبات:

لکه حاصله از مشروبات، ام از مشروبات احتمالاً رایجترین لکه مشروبات، لکه الکلی و یا غیر الکلی دامتوان باکاد بر طرف کردن حاصل از ریختن جای به روی لباس است «پریرات دوسود» بر طرف ساخت پرویات این لکه را اگر فوراً با صابون بشوئید

بکلی پاک خواهد شد در غیر این صورت تا اگر پارچه نخی یا کتان بود از آب لیمو استفاده کرده میتوا نید.

اگر بخواهید چا کت بافته شده خود را خراب نکند هرگز در وقت شستن آنرا تاب ندهید و او را باید در روی پتوسی هموار در مقابل آفتاب قرار داد.

اگر میخواهید رنگ اصل لباس تان از بین نرود، از زود زود شستن آن جلوگیری کنید و هم در وقت شستن دستمالی را روی آن قرار دهید که اولاً زرد نشود و ثانیاً جلا پیدا نکند.

دارید بزنید؟

هر دو می خندند و نسرین میگوید:

مهمترین چیزیکه برای ورزشکاران طبقه زن لازم است استقامت بردباری و توجه به پیشرفت و دست یافتن به پیروزی های آینده است و شکست هرگز پایان کار نیست.

ملیحه من حرف های نسرین را تأیید میکنم و چیزی نمیخواهم به آن اضافه کنم و اگر بخوام حرفی بزنم حتماً از حوصله صفحه شما خارج خواهد بود و شما بدون شک به خاطر محدود بودن صفحه زنان و دختران را سرا جف خواهید کرد که من از این کار خوشم نمی آید.

دربزرگترین نبرد

خود را از دست داده بود و نمی توانست خود را حفظ کند .

در روند ششم فور من از گذشته به نظر میرسید و بالاخره در روند ششم با وارد نمودن چند ضربه کاری به نفع کلی خاتمه یافت .

در روند هفتم فور من کاملاً خسته تر و ناتوان تر بود و در این روند به تمام معنی وضع او لی خود را ساخته بود و به مشکل میتوانست ضربات کلی را دفاع کند و لی احاطه کلی با حریف به جدی بود که فور من دیگر نمیتوانست قدرت مقابله با کلی را داشته باشد محلات و کاملاً نامنظم و غیر اراده بود .

در روند هشتم سر انجام لحظه تاریخی فرا رسید ، البته فور من چند ضربه به کلی وارد نمود و لی مشخص بود که توان و کشش کافی ندارد و کلی با وجود وارد شدن - ضربات فور من باز هم تسلط داشت . محمد علی کلی با پیروزی مجدد اش بعد از هفت سال دوری از این لقب باز قهرمان یو کس جهان گردید .

.....

اینست

توزون

مسؤل مدیر :

علی محمد «برالی»

مهیتم ع.م عثمان زاده

دمسؤل مدیر دفتر تلفون: ۲۶۸۴۹۰

دمسؤل مدیر دکور تلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبور ۲۶۸۵۱

دفتر ارتباطی تلفون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تلفون ۵۹

پته: انصاری واپ

داستالایه

په باندنیو هیوادو کینی ۲۴ دالر

دیوی گنی به ۱۳ افغانی

په کابل کینی ۱۵۰۰ افغانی

دولتی مطبعه

بانکدوت ۵۰ افغانیگی به چلند میافتد

نیز از هموطنان محترم تقاضا میشود تا به مقصد عوض نمودن یکنوع نوت به نوع دیگران به بانکها ، شهری خانگاه های نمایندگی هماراجه نموده از هر دونوع نوت های جدید و سابق منحیت پول قانونی برای معاملات دادوستد استفاده نمایند . و افغانستان بانک نوتهای جدید را از طریق پرداخت های یو می خویش نظریه احتیاج و ضرورت که به مقدار پول در اقتصاد احساس میگردد پخش و توزیع مینماید .

طوریکه با اطلاع عموم رسانیده شده است عجالتاً بانکدوت های طبع سابق در پهلوی بانکدوت های طبع جدید دارای حکم واحد پولی و عین قدرت مبادله میباشد . موضوع جهت آگاهی اطلاع گردید و فوتوی بانکدوت مذکور جهت معلومات بیشتر درجارید کشور نشر میشود . (اینک مجله زونیرن فوتوی بانکدوت مذکره را چاپ کرد) . بایه دوران گذشته این نوع بانکدوت

وزارت مالیه به تعقیب ابلایه قبلی خویش با اطلاع عموم هموطن عزیز مسی رسانده دافغانستان بانک علاوه بر بانکدوت های هزار افغانیگی صد افغانیگی ، بیست افغانیگی و ده افغانیگی چپو ریت که بدروان چلند قرار داد بانکدوت نوع پنجاه افغانیگی آنرا که از نگاه رنگ و سایز و دیگر مشخصات با بانکدوت های سابقه متفاوت بوده و مزین به فوتوی بنا علی رئیس دولت و سس نظام جمهوری میباشد تهیه و عنقریب در پهلوی دیگر بانکدوت هایدروان چلند میگردد .



نوت پنجاه افغانیگی جدید دولت جمهوری که در پهلوی سایر بانکدوت ها جایز اعتبار پولی میباشد .



نوت پنجاه افغانیگی دولت جمهوری در معرض چلند قرار میگیرد .

فستیوال فیلم های اتحاد شوروی

فیستوال فیلم های اتحاد شوروی آغاز گردید
فیستوال فیلم های شوروی با نمایش فیلم مسافرت شباغلی رئیس دولت و صدرا عظم به اتحاد شوروی ساعت شش شب ۱۲ عقرب در کابل نندای آغاز گردید .
در مراسم افتتاح این فیستوال که به

اساس پروگرام همکاری کلتوری بین افغانستان و اتحاد شوروی از طرف سوف اکسپورت فیلم و افغان فلم برگزار میشود بنایموت وزارت اطلاعات و کلتور و سفارت کبرای شوروی مقیم کابل یو هاید دکشور نوین وزیر اطلاعات و کلتور ، شباغلی وحید

بین در کشور خواندند .
متعاقباً فلم مسافرت شباغلی رئیس دولت و صدراعظم در اتحاد شوروی از طرف مقامات آن کشور بصورت رنگ تهیه شده است نمایش داده شد .
و همچنان فلم پیشرفت های انکشافات کیهان نوردی در شوروی نمایش داد .
شد .

سایر فلم های این فیستوال که بالترتیب دوسیما آریانا نمایش داده خواهند عبارت از دوست دارم ، بیخاطری ، آویم لاله های سرخ کنارد ریچه نوازندگان دوره گرد ، دوازه چوکی ، قرار عشق شادی بخش و بودن بودیر مرد پیره زنی بود میباشد .

مود و فیشن



والعالمين
كتاب لودين كتابتون
كتاب لودين كتابتون

